

علوم و تحقیقات

خطبه های امیر مؤمنان

دانشجو

حجت ذبیحی فر

استاد راهنما :

مهدی مهریزی

مشاور:

سید محمد علی ایازی

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

فصل اول

۱-چکیده

...

۲-مقدمه

...

۳-ضرورت تحقیق

پژوهش و مطالعه راجع به برگزاری نماز جمعه و نحوه ایراد و تحلیل محتوای خطبه های جمعه امام علی (ع) از چند جهت ضروری و لازم می باشد:

اول: از آنجایی که فرمایشات امام (ع) بخشی از تاریخ، به خصوص تاریخ صدر اسلام می باشد و لذا پژوهش در این راستا می تواند، ما را در بازخوانی هر چند بهتر حوادث این مقطع زمانی کمک نماید.

دوم: بازخوانی سیره امام علی(ع) به جوامع اسلامی فرصت مناسب را ایجاد می کند تا با تأسی به روش آن بزرگوار ضمینه را برای هر چه بهتر برگزار شدن این فریضه عبادی – سیاسی فراهم نمایند؛ به عبارت دیگر سیره آن امام همام می تواند سند راهبردی این فریضه الهی باشد.

سوم: از آنجایی که خطبه های نماز جمعه آن حضرت مورد تحلیل قرار نگرفته است این نوشتار می تواند فتح بابی باشد برای پژوهشگران اسلامی تا اینکه مطالعاتی هم در این زمینه داشته باشند.

۴-مفهوم شناسی خطبه

اصل و ریشه این کلمه به معنای اختلاف رنگها یا رنگ تیره میان رنگها ی سرخ و زرد دیباچه کتاب؛ به طوری که به صورت واضح به چشم بخورد میباشد.^۱ عقیده فی‌ومی بر این است که خطبه به معنای کلام بین متکلم و شنونده میباشد.^۲ صاحب کتاب مفردات بر این نظر است که خطبه آن حالتی است که به هنگام صحبت کردن بر انسان عارض میشود.^۳

^۱. ابن فارس، معجم مقایيس اللغة، ذیل ماده خطب.

^۲. فیومی، المصباح المنیر، ذیل ماده خطب.

^۳. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، باب (خطب).

نتیجه اینکه از آنجایی که لحن خطبه با سایر صحبتها متفاوت می باشد ولذا ست که شخص مخاطب زودتر متوجه برجستگی آن شده و مجدوب می شود؛ آنچنانی که ابن فارس برجستگی آن را تشبیه به رنگ تیره میان رنگهای سرخ و زرد کرده است. همچنین با توجه به اینکه حالت شخص خطیب به هنگام سخنرانی حالت بخصوصی می باشد، ولذا تعریف راغب ناظر بر همین حالت می باشد.

و در اصطلاح به کلمات و جملات نشی که سخنور در برابر فرد یا جمیع از مردم بربازان می آورد، گفته می شود و خطیب کسی است که شأن آن سخنوری باشد همچنین مخاطبه و خطابه زمانی متحقق میشود که هم متکلم و هم مخاطب حضور داشته باشند.^۱

۱-۵- مفهوم شناسی جمیع

واژه جمیع از ریشه «ج م ع» به معنای گودآمدن، پیوستن میباشد. همچنین به مشتی از خرمای نیز گفته میشود و در ادبیات عرب به سه شکل خوانده میشود: جمیعه، جمعه، جمعه. در ادبیات فارسی به معنای «آدینه»^۲ و در ادبیات عرب جاهلی به معنای «یوم العروبة» میباشد.^۳

در باره وجه تسمیه این روز گفته اند که یکی از اجداد پیامبر اسلام (ص) بن کعب بن لوی، یا به قولی قصی بن کلاب، مردم را در این روز گرد می آورد و برای آنان موعظه میکرد. به همین جهت بعضی ها تغییر نام این روز را از یوم العروبه به جمیعه را، به کلاب نسبت داده اند.^۴ برخی دیگر این نامگذاری را به انصار مدینه منسوب دانسته اند؛ زیرا بر پایه برخی احادیث اسعد بن زراره پیش از هجرت پیامبر اسلام (ص) به مدینه مردم را در این روز گردآورده و با آنان نمازگزارد و از آن پس نام جمیعه برای این روز برگزیده شد.^۵ در احادیث با عنوانینی چون: سید ایام، افضل ایام، روز عید، روز شاهد، روز عتیق، روز خدا، روز حجت و روز عبادت آمده است.^۶

^۱. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ذیل ماده خطب.

^۲. ابن فارس، همان؛ ابن منظور، لسان العرب؛ زبیدی، تاج العروس من جواهر القاس؛ طریحی، مجمع البحرين، ذیل ماده خطب.

^۳. دهخدا، فرهنگ دهخدا، مدخل جمیع.

^۴. ابن فارس، زبیدی، همان.

^۵. ابن فارس، همان.

^۶. احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ص ۱۹۰؛ رحمان ستایش، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۰، مدخل جمیع.

^۷. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲؛ کلینی، کافی، ج ۵، ص ۴۸۰.

۶-۱- پیشینه خطبه خوانی

پیشینه خطبه خوانی به زمانی برمیگردد که انسانها توانایی برقراری ارتبا ط کلامی را با همدیگر پیدا کردند؛ بدین معنا که ابناء بشر پی به مطلوب بودن کلام فصیح و دلنشیں بردن؛ چرا که در سایه همین فن توانستد با همدیگر ارتباط کلامی مطلوبتری را برقرار نمایند.^۱

بعضی ها یونانیها را اول کسانی میدانند که پی به اهمیت این فن برد ه اند؛ چرا که در سایه این فن قدرت و تواناییهای خود را به رخ همدیگر می کشیدند و بدین طریق هم ارتزاق می کردند و هم برای خود شهرت اجتماعی کسب می کردند.^۲ خطبه خوانی در میان اعراب نیاز امیت فوق العاده ای برخوردار بوده تا آنجایی که این را جزء امتیازات عرب می دانسته اند. بر پایه روایتی پیامبر اسلام فصیح ترین شخص عرب به حساب می آمده است.^۳

به لحاظ نوع کارکرد خطبه، انواع خطبه ها در مناسبتها و موقعیتهای متفاوتی ایراد گردیده است. از جمله آنها می توان به خطبه های علمی در مجتمع علمی، حماسی در میادین جنگ، عبادی در مناسبتها مذهبی و سیاسی در موقعیتهای مختلف اشاره کرد.^۴ در طول حاکمیت اسلام در تمام بلاد اسلامی خطیب جمعه از میان افرادی که آشنا به فن سخنوری بودند، انتخاب می شده است. در دوره حاکمیت بنی امیه و بنی عباس خطبای جمعه از امتیازاتی بهره مند بودند ولی در عین حال خطبه خوانی را یک کار ملال آور می دانستند و علت این امر هم این بود که آنها مجبور بودند هر هفته افکار و اندیشه های خود را در معرض نقد و داوری بگذارند. مسجد جامعی به نقل از گلدتیپر در این مورد می نویسد:

«ایراد خطبه برای خلفای اموی کار راحتی نبود اما بدان تن می دادند تا بدین وسیله بتوانند ریاست خود را به مردم یاد آور شوند... کراحت از القاء خطبه تنها به خلفای اموی محدود نمی شد عموم استانداران آنها نیز این امر را دوست نداشتند. حتی فرد زبان آوری چون عبیدالله بن زیاد هم آن را مایه تکلّر نعمت امارت می دانست.^۵

خلفای بنی امیه علاوه براینکه خود شان خطبه جمعه را ایراد می کردند؛ بلکه به استانداران و فرمانداران نظامی هم اجازه ایراد خطبه را می دادند. ولی خلفای عباسی هر هفته خود را ملزم می کردند تا در نماز جمعه شرکت کنند و خودشان خطبه ایراد کنند؛ چرا که این کار را مایه سیادت خود و حاکمیت می دانسته اند.^۶

^۱. عاملی، الخطابة، ص ۸-۹.

^۲. اسطوطالیس، الخطابة، ص ۹-۱۲.

^۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۱۵۸.

^۴. همچنین به لحاظ نوع کارکرد می توان به خطبه های عقد نکاح، طلاق، خطبه در منی و عرفه در صحرای عرفات، و ... اشاره کرد.

^۵. مسجد جامعی، زمینه های تفکر سیاسی در اسلام، ص ۲۳۸.

^۶. مسجد جامعی، همان.

خطبای جمیع علاوه بر اینکه در نمازهای جمیع مردم را به رعایت تقوای الهی و عمل به وظایف دینی دعوت می کردند؛ برای خلیفه وقت و حاکمان اسلامی نیز دعا می کردند؛ چرا که این کار به نوعی بیعت عمومی با خلیفه اسلامی به حساب می آمده است. همچنین فرمان عزل و نصب حاکمان و فرمانداران شهرها راهم به هنگام ایجاد خطبه اعلام می کردند.^۱ به شواهد تاریخی خطبه حضرت محمد(ص) در روز غدیر، خطبه حضرت زهرا (س) در مسجد مدینه، خطبه حضرت امام سجاد(ع) در مسجد جامع دمشق و خطبه حضرت زینب (س) در افشاگری جنایات یزید در واقعه کربلا جزء ماندگارترین خطبه های عبادی و سیاسی جهان اسلام به شمار می آیند.^۲

۱- پیشینه تاریخی نماز جمیع^۳

بر پایه برخی احادیث، نماز جمیع قبل از هجرت و در سال دوازدهم بعثت در شهر مکه تشریع شد. در این سال پیامبر اکرم(ص) که امکان برگزار کردن نماز جمیع را در مکه نداشت در نامه ایی از مصعب بن عمير خواست که نماز جمیع را در مدینه اقامه کند.^۴ بر اساس نقل دیگر نخستین نماز جمیع را اسعد بن زراره در مدینه اقامه کرده است. بنابراین نقل، انصار نقل، انصار پیشنهاد کردند که روز جمیع روز اجتماع مسلمانان تعیین شود. برخی در جمع میان این دو گروه از احادیث، گفته اند که اولین نماز جمیع به دعوت اسعد بن زراره و به امامت مصعب بن عمير اقامه شد.^۵ شماری از مؤلفان نخستین اقامه کننده نماز جمیع را شخص پیامبر اسلام (ص) دانسته اند و گفته اند که این نماز در نخستین جمیع پس از هجرت به شهر مدینه در قبیله سالم بن عوف و در وادی زانوناء برپا شد.^۶ بر اساس گزارش‌های تاریخی پس از رحلت پیامبر اسلام، اقامه نماز جمعه در دوره خلفای نخستین و نیز در دوره حکومت امام علی و امام حسن (علیهم السلام) متداول بوده است. همچنین اقامه نماز جمیع توسط ابوبکر، کمک شایانی در استقرار و رسمیت یافتن خلافت وی داشته است.^۷

^۱. ابن قتبیه دینوری، عیون الاخبار، ج 2، ص 282.

^۲. اقتباس از دانشنامه تشیع، مدخل خطبه.

^۳. راجع به این بخش، از مقاله رحمان ستایش، مدخل جمیع، در جلد ده دانشنامه جهان اسلام استفاده شده است.

^۴. احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ص 239.

^۵. طبری، مجمع البيان، ج 10، ص 431.

^۶. ابن کثیر، البداية و النهاية، ج 4، ص 189.

^۷. طبری، تاریخ طبری، ج 10، ص 432.

^۸. طبری، تاریخ طبری، ج 3، ص 447.

در دوران حکومت امویان و عباسیان نیز نماز جمعه به امامت خلفا و نمایندگان آنها برگزار می شده است.^۱

در پی اعتراض دولت عثمانی مبنی بر عدم اقامه نماز جمعه در ایران، دولت صفوی اقدام به برگزاری نماز جمعه در ایران می کند. وجود مساجد جامع در شهرها حکایت از این دارد که در این شهرها هم نماز جمعه برگزار می شده است. به دنبال این اقدام دولت صفوی علماء و اندیشمندان اسلامی موضع متفاوتی در وجوب یا عدم وجوب نماز جمعه اتخاذ کردند و رساله هایی هم در این راستا از ناحیه طبیعت لمی کشور نوشته شد. از جمله رساله هایی که راجع به وجوب و عدم وجوب نماز جمعه نگاشته شده اند میتوان به موارد زیر اشاره کرد: رساله صلاة الجمعة اثر شهید ثانی؛ الشهاب الثاقب اثر فیض کاشانی (۱۰۹۱ق)؛ اللمعة فی تحقیق صلاة الجمعة اثر قاضی نورالله شوشتري (شهادت ۱۰۱۹ق) و رساله صلاة الجمعة اثر فاضل هندی (۱۱۳۷ق).^۲

۱-۸- فرق بین خطابه و موعظه

آنچنانی که اهل ادب تعاریفی را برای خطابه و موعظه قایل هستند به لحاظ نوع اثر بخشی در مخاطب، تفاوتی بین این دو وجود دارد. مرحوم مطهری (ره) علاوه بر اینکه برای برانگیختن احساس غیرت، سلحشوری و مردانگی هردو را لازم و ضروری می داند؛ اما تفاوت‌هایی را هم بین این دو قایل هستند و چنین می نویسن:

اثر وضعی خطابه تهییج و بی تاب کردن احساسات می باشد؛ آنچنانی که احساسات شخص مخاطب را به جوش می آورد و به دنبالش حرکت و جنبش ایجاد می کند.^۳

در واقع خطابه باعث انقلاب درونی مخاطب می شود آنچنانی که شخص از ابراز آن ناگزیر می ماند و به دنبال آن سعی میکند سستی و کاهلی را از خود دور کند.^۴

اما اثر وضعی موعظه آرام ساختن و تحت سلطه درآوردن مخاطب میباشد؛ طوری که شخص را وادر به تعقل و تفکر میکند تا در سایه آن خود را از دام نفس برهاند. به عبارت دیگر زمانی که شهوت و احساسات خود سرانه عمل نمایند برای تعديل شدن، موعظه ضرورت پیدا میکند.^۵

۱-۹- مشکلات و موانع پژوهش

^۱. مسجد جامعی، زمینه های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن، ص 236، به نقل از جلد دوم کتاب عيون الاخبار اثر ابن قتیبه دینوری.

^۲. جعفریان، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ص 26.

^۳. مطهری، سیری در نهج البلاغه، ص 127.

^۴. عاملی، الخطابة، ص 18.

^۵. مطهری، همان.

با توجه به اینکه مصادر اغلب خطبه ها در منابع کهن ذکر گردیده است و مراجعه به این منابع هم مشکلات خاص خود را دارد و با در نظر گرفتن جنبه نو بودن موضوع؛ به طور خلاصه می توان، موارد زیر را از مشکلات و موانع تحقیق به حساب آورد:

۱-۹-۱- در بعضی از کتب و منابع روایی خطبه ها به صورت ناقص نقل گردیده بود و هیچ اشاره ایی به مدارک آنها نشده بود.

۱-۹-۲- آدرسهای منابع روایی در بسیاری از موارد ناقص و شماره جلد و صفحه، مشخص نشده بود.

۱-۹-۳- با تغییر شماره های جلد و صفحات منابع روایی در چاپهای مکرر، کار پیدا کردن مطالب موردنظر را غیر ممکن می نمود.

۱-۹-۴- در دسترس نبودن بسیاری از کتب روایی خطی یکی دیگر از مشکلات به حساب می آید.

۱-۹-۵- بسیاری از منابع قدیمی، فاقد فصل بندي منظم بوده، که همین امر باعث می شد در شناسایی و تطبیق با مشکل مواجه بشویم.

۱-۹-۶- وجود نامهای مشترک و اسمای کتبی که تشابه اسمی دارند، یکی دیگر از مشکلات پژوهش به حساب می آید.

۱-۱۰- یک سؤال از تاریخ (علت کمی خطبه ها)

با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی جامعه صدر اسلام و اهمیت نماز جمعه در بین مسلمین هر هفته خل فا اسلامی خود در نماز جمعه حاضر می شدند و خطبه های نماز جمعه را ایجاد می کردند.^۱ بر پایی نماز جمعه در صدر اسلام برای حاکمیت خلیفه اسلامی امر مهمی به حساب می آمده است؛ تا آنجایی که مستشرقین هم در باره این رویداد اسلامی پژوهش‌هایی داشته و این امر را جزء اقدامات مهم خلیفه اسلامی دانسته اند. به عنوان نمونه مسجد جامعی به نقل از پدرسن چنین می نویسد:

از نخستین روزهای اسلام، حاکم اسلامی امامت نماز را به عهده داشت. او امامت نماز خصوصاً نماز جمعه را به عهده داشت که در این هنگام نیز خود خطبه ها را القا می کرد. در غیاب حاکم اسلامی نیز صاحب الشرطه [فرماندار نظامی]^۲ نماینده او بود.

^۱. مسجد جامعی، زمینه های تقدیر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن، ص 236.

^۲. مسجد جامعی، همان، ص 236.

چنانکه پیش تر اشاره کردایم هم برپایی نماز جمعه توسط خلیفه و هم شرکت مسلمانان در نماز جمعه علاوه بر اینکه نوعی بیعت عمومی با خلیفه اسلامی به حساب می آمده است، بلکه نشان دهنده سلامت دین مسلمی ن و صلابت دین اسلام هم به حساب می آمده است.

حال سؤال اینجاست که؛ چراز بین آن همه خطبه های جمعه ایی که امام علی (ع) به

هنگام خلافت ایراد فرمودند، اکنون شاهد تعداد اندکی از آن خطبه ها هستیم؟

چه عامل یا عواملی باعث گردیده است تا اینکه خطبه های جمعه حضرت در منابع

ثبت نگردد؟

البته ناگفته نماند امام علی (ع) ماههای قابل توجهی را برای خواباندن فتنه ناکثین و

از بین بردن طاغی ها و سرکشان صرف کرده اند و بنابراین در این ایام فرصت ایراد

خطبه جمعه را نداشتند.^۱

در پاسخ این سؤال می توان به عوامل متعدد اشاره کرد و چند گروه را مقصو عدم

ثبت خطبه ها و یا باعث از بین رفتن اصل خطبه ها یا روایات دانست:

۱-۱۰-۱- دوستداران اهل بیت (علیهم السلام)

در طول تاریخ دوستداران اهل بیت (علیهم السلام) از سر دوستی و محبت به این

خاندان اقدام به جمع آوری و نشر روایات این بزرگواران کرده اند ولی متأسفانه در

این نقلها و نوشته اها اقداماتی را انجام داده اند که به صورت ناخواسته منجر به از بین

رفتن اصل خطبه و یا ناقص بودن آن گردیده است. اقدامات این طیف از افراد

به چند صورت قابل تصور است:

۱-۱۰-۱-۱- تقطیع روایات

^۱ - توضیح اینکه امام علی (ع) در 18 ذی الحجه سال (25 ه) در شهر مدینه به خلافت رسیدند و پس از سپری شدن چند ماه برای سرکوبی و از بین بردن فتنه جمل عازم بصره می شوند و در تاریخ دهم جمادی الثاني سال (36 هجری) این جنگ به پایان می رسد و حضرت بلافصله قصد کوفه را می کنند و در تاریخ 12 رجب سال (36 هجری) به این شهر می رسند و در تاریخ 5 شوال همان سال برای جنگ با قاسطین عازم شام می شوند و بنا به نقل تاریخ جنگ صفين 110 روز به طول می انجامد (طبری، تاریخ طبری، حوادث سال 35 - 40 هجری).

بدین معنا که هم راویان و هم نویسنده‌گان خطبه‌ها با نقل و نوشتن قسمتی از خطبه‌ها

باعث گردیده اند تا پس از سپری شدن روزگلوبه، اصل خطبه تحت الشعاع واقع

بشود. راویان این خطبه‌ها علاوه بر اینکه به نقل قسمتی از خطبه اکتفا کرده اند،

بلکه به هنگام نقل، اصل خطبه را ذکر ننموده اند. به عنوان نمونه در اول خطبه

شانزدهم چنین آمده که «بعد الحمد و الثناء قال ...»، بعد هم به قسمت مذکور را

به عنوان اصل خطبه قبول کرده اند. البته شاید دلیل این امر این باشد که، قسمت نقل

شده را از اهمیت فوق العاده ای دانسته اند.^۱

۱-۱۰-۲- اشتباه راویان در نسبت دادن خطبه‌ها

تعدادی از خطبه‌های جمیع امام علی (ع) اشتباهًا به حضرت پیامبر اکرم (ص) نسبت

داده شده است. بدین معنا که با توجه به شرایط فرهنگی و سیاسی و پس از گذشت

زمان طولانی از انشاء خطبه‌ها، مورخین در نسبت دادن خطبه‌ها دچار اشتباه

شده اند. البته این اقدام هم بیشتر از ناحیه ناقلان اتفاق افتاده است.^۲

۱-۱۰-۳- نقل خطبه به عنوان دعا

تعدادی از خطبه‌ها - مخصوصاً خطبه دوم - به عنوان دعای آن حضرت در روز و

عصر جمیع نقل گردیده است. به عنوان نمونه در کتاب الصحیفه العلویہ بعضی از

خطبه‌ها به عنوان دعا ذکر شده است.^۳

^۱. برای نمونه رجوع شود به کتبهای حدیثی از جمله بحار الانوار، وسائل الشیعه؛ مستدرک وسائل الشیعه؛ ابواب صلاة الجمعة و

العيدين ومستحبات آنها.

^۲. دشتنی، روشهای تحقیق در اسناد نهج البلاغه، ص 40.

^۳. سماهیجی، الصحیفه العلویہ، ص 67-80؛ جهت مطالعه بیشتر رجوع شود به مقاله صدرایی خوبی، علی، صحیفه علویه در جلد 12 داشنامه امام علی (ع).

۱۰-۲- عملکرد مخالفان اهل بیت (علیهم السلام)

از آنجایی که مخالفان اهل بیت مبنای قابل قبولی برای تشخیص احادیث موضوعه اتخاذ نکرده‌اند؛ بسیاری از روایات آن بزرگواران را جزء روایات موضوعه قلمداد کرده‌اند. همچنین نسبت دادن روایات اهل بیت به دیگران و تحریف روایات آن بزرگواران از دیگر اقدامات آنان می‌باشد. به طور خلاصه عملکرد آنها را می‌توان به چند نوع تقسیم کرد:

۱-۱-۲- محدثان عامه برخی روایات را تنها برای اینکه روات یا روایی آن شیعه بوده است، ضعیف شمرده‌اند.^۱

۱-۲-۲- بخشی از روایات را نیز تنها به خاطر اینکه از طرق شیعه نقل شده، بدون هیچ دلیلی موضوعه به شمار آورده‌اند.^۲

۱-۳-۲- مخالفان اهل بیت علاوه بر اینکه برای دشمنان امام علی(ع) فضیلت و منقبت می‌ساختند؛ بلکه گاهی نیز سخنان امام را تحریف می‌کردند و بدین وسیله اهداف خویش را دنبال می‌کردند. نمونه زیر گویای این واقعیت تاریخی می‌باشد:

ابراهیم بن ابی محمود می‌گوید: به حضرت امام رضا(ع) گفت: ما اخباری در فضایل امیر مومنان و شما از دشمنان می‌شنویم که از شما نمی‌شنویم. آیا این اخبار را پذیریم؟ حضرت فرمود:

«ای پسر ابی محمود، دشمنان اخباری را در فضایل ما بر ساخته‌اند که بر سه دسته اند: اخباری که گزار و زیاده گویی است؛ اخباری که از سر کوتاهی در حق ما است و اخباری که مشتمل بر تصریح به طعن و مذمت دشمنان ما است».^۱

^۱. استادی، اسناد و مدارک نهج البلاغه، ص ۱۶-۱۸.

^۲. استادی، همان.

از این روایت به خوبی در می‌یابیم که مخالفان اهل بیت برای مقابله با نشر روایات

آنها از هر اقدامی فرو گذار نبودند.

۱۰-۳- گروه مجھول

منظور از این گروه علل یا عوامل نامعلومی می‌باشد، که به نوعی در از بین بردن

روایات ائمه معصومین به طور عام و خطبه‌های امام علی (ع) به طور خاص

نقش داشته‌اند. به شواهد تاریخی قبل از آنکه کتاب شریف نهج البلاغه جمع آوری

گردد، کتابهای فراوانی راجع به خطبه‌های امام علی (ع) تأثیر گردیده بود. آقا

بزرگ تهرانی (ره) به دهها مورد کتاب با عنوان خطب علی (ع) اشاره می‌کند که

این کتابها قبل از تأثیر نهج البلاغه موجود بودند ولی سوگمندانه به علل نامعلومی از

بین رفته‌اند.^۲

۱۰-۴- معطوف شدن مجتمع به کتاب نهج البلاغه

بدین معنا که عظمت معنوی کتاب شریف نهج البلاغه و سید رضی (ره) با عث گردیده

تا مدت زمان مديدة، نگاه مجتمع علمی معطوف این کتاب بشود و دانشمندان اسلامی

چنین تلقی کنند که ضمینه تحقیق وجود ندارد. بهترین و مهمترین دلیل این مدعای را

می‌توان تالیف ملحقات، تکمله‌ها و مستدرکات این کتاب؛ آن هم پس از گذشت

سالیان متمادی از تالیف اصل کتاب دانست.^۳

۱۰-۵- سیطره سیاسی مخالفان

^۱. اقتباس از ایازی، محمد علی، مقاله صحیفه امام علی (ع)، دانشنامه امام علی (ع)، ج 12، ص 198.

^۲. آقا بزرگ، الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج 7، ص 187-191.

^۳. جهت آگاهی از کیفیت و تاریخ تالیف تکمله‌ها، ملحقات و مستدرکات نهج البلاغه رجوع شود به مقاله مستدرکات نهج البلاغه، اثر صدرا بی خوبی، علی، در جلد 12 دانشنامه امام علی (ع).

بی گمان رویدادهای عهد بنی امیه و بنی عباس و فشارهایی که بر خاندان علوی وارد می ساختند، از ناگوارترین رویدادهای تاریخ اسلام است. سیطره سیاسی مخالفان تشیع در بلاد اسلامی باعث گردیده که، شیعیان اهل بیت (علیهم السلام) تا به مدت طولانی از فعالیتهای علمی و فرهنگی بدور باشند و همین امر باعث گردیده که تا مدتی روایات آن بزگوارن نقل و ضبط نگردد.

۱-۶- رکود علوم اسلامی در صده های میانی

وجود جنگهای صلیبی، نزاع و کشمکش در بین مسلمانان باعث گردیده تا صدمات جبران ناپذیری در صده های میانی تاریخ اسلام برپیکرده جهان اسلام وارد گردد. در این دوره شاهد رکود علوم اسلامی و بی رونقی مجتمع علمی مسلمانان اعم از شیعه و سنی هستیم.

فصل دوم

در این فصل چهارده خطبه جمعه و دو خطبه عیدین امام علی (ع) ذکر گردیده است. بعضی از خطبه ها به صورت کامل و بعضی هم به صورت ناقص می باشند. همین طور اسناد چند خطبه به طور کامل و اسناد تعدادی هم به صورت ناقص ذکر شده است. شیوه کار در این فصل بدین نحو است که، پس از ذکر خطبه اسناد آن را بررسی کرده و در صورت امکان آن را تحلیل نموده ایم و در مواردی که هیچ سندی برای خطبه ذکر نشده، فقط به ذکر مأخذ و یا منابع بسته شده است. و در نهایت به خلاصه ایی از موضوعات یکایک خطبه ها اشاره کرده ایم.

خطبه اول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱) [الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ فَلَا شَيْءَ قَبْلَهُ، وَالآخِرِ فَلَا شَيْءَ بَعْدَهُ، وَالظَّاهِرِ فَلَا شَيْءَ فَوْقَهُ، وَالْبَاطِنِ فَلَا شَيْءَ دُونَهُ]. [نَحْمَدُهُ عَلَى مَا وَفَقَ لَهُ مِنَ الطَّاعَةِ، وَذَادَ عَنْهُ مِنَ الْمُعْصِيَةِ، وَنَسَأَلُهُ لِمَنْتَهٖ تَمَامًا، وَبِحَبْلِهِ اعْتِصَمًا.]

تذکر! بعضی از فقرات خطبه های جمعه را سید رضی(ه) به صورت پراکنده در لایه لای خطبه ها و حکمتها ی نهج البلاغه. بدون اشاره به جمعه بودن آنها ذکر کرده است و لذا سعی کردیم آن فقرات را در داخل قلاب [] قرار دهیم.

^۱. قسمت داخل قلاب [] در خطبه ۹۶ نهج البلاغه ذکر شده است.

٢) وَنَشْهُدُ أَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، خَاصٌّ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ كُلَّ غَمْرَةٍ، وَتَجَرَّعَ فِيهِ كُلُّ خُصْتَةٍ، وَقَدْ تَلَوَنَ لَهُ الْأَدْنُونَ، وَتَالَّبَ عَلَيْهِ الْأَفْصَوْنَ، وَخَلَعَتْ إِلَيْهِ الْعَرَبُ أَعْتَهَا، وَضَرَبَتْ إِلَى مُحَارَبَتِهِ بُطُونَ رَوَاحِلِهَا، حَتَّى أَنْزَلَتْ بِسَاحِتِهِ عَدَاوَتَهَا مِنْ أَبْعَدِ الدَّارِ، وَأَسْحَقَ الْمَزَارِ.]^١

٣) أَمَّا بَعْدُ، [أُوصِيكُمْ، عِبَادَ اللَّهِ، بِتَقْوَى اللَّهِ وَأَحَدَرُكُمْ أَهْلَ النَّفَاقِ، فَإِنَّهُمُ الضَّالُّونَ الْمُضَلُّونَ، وَالزَّالُونَ الْمُزَلُّونَ، يَتَلَوَّنُونَ الْوَانَةَ، وَيَفْتَنُونَ افْتِنَانًا، وَيَعْمَدُونَكُمْ بِكُلِّ عِمَادٍ، وَيَرْصُدُونَكُمْ بِكُلِّ مِرْصَادٍ قُلُوبُهُمْ دَوَيَّةٌ، وَصِفَاحُهُمْ نَقِيَّةٌ، يَمْشُونَ الْخَفَاءَ، وَيَدْبُونَ الْضَّرَاءَ، وَصَفْهُمْ دَوَاءٌ، وَقَوْلُهُمْ شِفَاءٌ، وَفِعْلُهُمُ الدَّاءُ الْعَيَاءُ، حَسَدَةُ الرَّخَاءِ، وَمُؤْكِدُو الْبَلَاءِ، وَمُقْنِطُو الرَّجَاءِ، لَهُمْ بِكُلِّ طَرِيقٍ صَرِيعٌ، وَإِلَى كُلِّ قَلْبٍ شَفِيعٌ، وَلِكُلِّ شَجْوٍ دُمُوعٌ . يَتَقَارَضُونَ النَّنَاءَ، وَيَتَرَاقِبُونَ الْجَزَاءَ، إِنْ سَأَلُوا الْحَقُّو، وَإِنْ عَذَّلُوا كَشْفُوا، وَإِنْ حَكَمُوا أَسْرَفُوا.

قَدْ أَعْدُوا لِكُلِّ حَقٍّ بَاطِلًا، وَلِكُلِّ قَاتِمٍ مَائِلًا، وَلِكُلِّ حَيٍّ قَاتِلًا، وَلِكُلِّ بَابٍ مُفْتَاحًا، وَلِكُلِّ لَيْلٍ مِصْلَحًا . يَتَوَصَّلُونَ إِلَى الطَّمَعِ بِالْيَاسِ، لِيُقِيمُوا بِهِ أَسْوَاقَهُمْ، وَيُنْفِقُوا بِهِ أَعْلَافَهُمْ . يَقُولُونَ فَيُشَبِّهُونَ، وَيَصِفُونَ فَيُمَوَّهُونَ، قَدْ هُوَنُوا الْطَرِيقَ، وَأَضْلَلُوا الْمَضِيقَ، فَهُمْ لُمَةُ الشَّيْطَانِ، وَحُمَّةُ التَّيْرَانِ . (أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ) [٣].
٤) أَيُّهَا النَّاسُ، [إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ فَرَائِضَ فَلَا تُضِيِّعُوهَا، وَحَدَّ لَكُمْ حُدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا، وَنَهَاكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ فَلَا تَتَبَاهُكُمْ، وَسَكَتَ لَكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ لَمْ يَدْعُهَا نِسْيَانًا، وَلَكُنْ رَحْمَةً مِنْهُ لَكُمْ، فَاقْبِلُوهَا، وَلَا تَسْكَلُوهَا] .^٤ حَلَالٌ بَيْنَ، وَحَرَامٌ بَيْنَ، وَشُبُّهَاتٌ بَيْنَ ذَلِكَ . فَمَنْ تَرَكَ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْهِ فَهُوَ لِمَا اشْتَبَاهَ عَلَيْهِ أَتْرَكُ . وَالْمَعَاصِي حِمَى اللَّهِ، فَمَنْ رَتَعَ حَوْلَهَا يُوشِكُ أَنْ يَقَعَ فِيهَا.

٥) أَلَا مَنْ خَافَ حَدِيرَ، وَمَنْ حَدِيرَ جَانِبَ السَّيِّئَاتِ . أَلَا وَإِنَّهُ مَنْ جَانِبَ السَّيِّئَاتِ أَدْلَجَ إِلَى الْخَيْرَاتِ فِي السَّرَّاءِ، وَمَنْ أَرَادَ السَّفَرَ أَعْدَدَ لَهُ زَادًا، فَأَعْدَدُوا الزَّادَ لِيَوْمِ الْمَعَادِ . الْيَوْمُ عَمَلٌ وَلَا ثَوَابٌ، وَلَا عَمَلٌ كَادَاءٌ مَفَاتِيحُ الْهُدَى . [فَلَيَصُدُّ رَائِدُهُ أَهْلَهُ، وَلَيُحْضِرَ عَقْلَهُ، وَلَيُكِنَّ مِنْ أَنْبَاءِ الْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ مِنْهَا قَدِيمٌ، وَإِنَّهَا يَقْلِبُ . فَالنَّاظِرُ بِالْقَلْبِ، الْعَامِلُ بِالْبَصَرِ، يَكُونُ مُبْتَدَأُ عَمَلِهِ أَنْ يَعْلَمَ، أَعْمَلُهُ عَلَيْهِ أَمْ لَهُ، فَإِنْ كَانَ لَهُ مَضِيٌّ فِيهِ وَإِنْ كَانَ عَلَيْهِ وَقْفٌ عَنْهُ . فَإِنَّ الْعَامِلَ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَالسَّالِكِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ، فَلَا يَزِيدُهُ بُعْدُهُ عَنِ الْطَرِيقِ الْوَاضِحِ] [إِلَّا بُعْدًا مِنْ حَاجَتِهِ، وَالْعَامِلُ بِالْعِلْمِ كَالسَّائِرِ عَلَى الْطَرِيقِ الْوَاضِحِ فَلَيُنْظُرْ نَاظِرٌ: أَسَائِرٌ هُوَ أَمْ رَاجِعٌ؟].^٥

١. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 194 نهج البلاغة ذكر شده است.

٢. المجادلة ، 19.

٣. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 194 نهج البلاغة، با عنوان وصف منافقان ذكر شده است.

٤. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 105 نهج البلاغة ذكر شده است.

٥. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 154 نهج البلاغة ذكر شده است.

۶) أَيُّهَا النَّاسُ، [إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى أَنْزَلَ كِتَابًا هَادِيًّا بَيْنَ فِيهِ الْخَيْرَ وَ الشَّرَّ،

فَخُذُوا نَهْجَ الْخَيْرِ تَهْتَدُوا، وَ اصْدِفُوا عَنْ سَمْتِ الشَّرِّ تَقْصِدُوا] الْفَرَائِضَ أَدُوْهَا إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى تُؤَدِّكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ].^۱
[أَيُّهَا النَّاسُ، الْقُوَّا هَذِهِ الْأَرْمَةُ، الَّتِي تَحْمِلُ ظُهُورُهَا الْأَنْقَالُ، مِنْ أَيْدِيكُمْ، وَ لَا تَصَدَّعُوا عَلَى سُلْطَانِكُمْ فَتَدْمُوا غَبَّ فِعَالِكُمْ، وَ لَا تَقْسِسُوا هَذِهِ الْأُمُورَ بِآرَائِكُمْ فَتَرْتَدُوا الْفَهْرَى عَلَى أَعْقَابِكُمْ، وَ لَا تَقْتَحِمُوا مَا اسْتَقْبَلَكُمْ مِنْ فَوْرِ نَارِ الْفِتْنَةِ، وَ أَمْيَطُوا عَنْ سَنَنِهَا، وَ خَلُوا قَصْدَ السَّبِيلِ لَهَا، فَقَدْ، لَعْمَرِي، يَهْلِكُ فِي لَهَبِهَا الْمُؤْمِنُ، وَ يَسْلِمُ فِيهَا غَيْرُ الْمُسْلِمِ].^۲

(۷) أَلَا فَتَمَسَّكُوا مِنْ إِمَامِ الْهُدَى بِحُجْرَتِهِ، وَ خُذُوا مِنْ يَهْدِيَكُمْ وَ لَا يُضْلِلُكُمْ، فَإِنَّ الْعُرْوَةَ أَلْوَثَنِي تَقْوَاهُمْ (إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقُوا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ).^۳

[إِنَّمَا مَنَّى بَيْنَكُمْ مَثَلَ السَّرَّاجِ فِي الظُّلْمَةِ، يَسْتَضِيءُ بِهِ مَنْ وَلَجَهَا. فَاسْمَعُوا، أَيُّهَا النَّاسُ، وَ عُوا، وَ أَحْسِرُوا آذَانَ قُلُوبِكُمْ تَقْهِمُوهَا]^۴
[دَاعٍ دَعَا، وَ رَاعٍ رَعَى، فَاسْتَجِبُوا لِدَعَائِي، وَ اتَّبِعُوا الرَّأْعَى].^۵

وَ لَا تَخْتَنُوا وُلَاتِكُمْ، وَ لَا تَغْشُوا هُدَاتِكُمْ، وَ لَا تُجْهِلُوا أَئِمَّتِكُمْ، وَ لَا تَصَدَّعُوا عَنْ حَبْلِكُمْ، فَتَفَسَّلُوا وَ تَذَهَّبَ رِيحُكُمْ، وَ عَلَى هَذَا
فَلَيْكُنْ تَأْسِيسُ أُمُورِكُمْ.

(۸) وَ الْزَّمُوا هَذِهِ الْطَّرِيقَةَ، [فَإِنَّكُمْ لَوْ عَايَتُمْ مَا قَدْ عَايَنَ مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ مِنَّ مَاتَ مِنْكُمْ خَالِفَ مَا قَدْ تُدْعَوْنَ إِلَيْهِ، لَبَدَرْتُمْ وَ خَرَجْتُمْ، وَ لَجَرَعْتُمْ وَ وَهَلْتُمْ، وَ سَمِعْتُمْ وَ أَطْعَمْتُمْ، وَ لِكِنْ مَحْ جُوبٌ عَنْكُمْ مَا قَدْ عَايَنُوا، وَ قَرِيبٌ مَا يُطْرَحُ الْحِجَابُ . لَقَدْ بُصَرْتُمْ إِنْ أَبْصَرْتُمْ، وَ أَسْعِنْتُمْ إِنْ اسْتَمَعْتُمْ، وَ هُدِيْتُمْ إِنْ اهْتَدَيْتُمْ]

بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ، لَقَدْ جَاهَرْتُمُ الْعِرْرُ، وَ زُجْرَتُمْ بِمَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ، وَ مَا يُبَلِّغُ عَنِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ بَعْدَ رُسُلِ السَّمَاءِ إِلَّا الْبَشَرُ].^۶ [وَ نَاظِرُ
قَلْبَ الْبَيْبَبِ بِهِ يُبَصِّرُ أَمْدَهُ، وَ يَعْرِفُ غَوْرَهُ وَ نَجْدَهُ].^۷

(۹) إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَرَمَ حَرَامًا غَيْرَ مَجْهُولٍ، وَ أَحَلَ حَلَالًا غَيْرَ مَدْخُولٍ، وَ فَضَّلَ حُرْمَةَ الْمُسْلِمِ عَلَى الْحُرْمَ كُلَّهَا، وَ شَدَّ بِالْإِلْاَصِ وَ
الْتَّوْحِيدِ حُقُوقَ الْمُسْلِمِينَ فِي مَعَاقِدِهَا . فَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلَمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ إِلَّا بِالْحَقِّ . وَ لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَذَى الْمُسْلِمِ

^۱. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 167 نهج البلاغة ذكر شده است.

^۲. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 187 نهج البلاغة ذكر شده است.

^۳. النحل، 128.

^۴. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 187 نهج البلاغة ذكر شده است.

^۵. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 154 نهج البلاغة ذكر شده است.

^۶. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 20 نهج البلاغة ذكر شده است.

^۷. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 154 نهج البلاغة ذكر شده است.

إِلَّا بِمَا يَحْبُّ. يَادِرُوا أَمْرَ الْعَامَةَ وَخَاصَّةً أَحَدِكُمْ وَهُوَ الْمَوْتُ، فَإِنَّ النَّاسَ أَمَّا مُكْمُّ، وَإِنَّ السَّاعَةَ تَحْ دُوكُمْ مِنْ خَلْفِكُمْ . تَخَفَّفُوا تَلْحَقُوا، فَإِنَّمَا يُنْتَظِرُ بِأَوْلَكُمْ آخِرُكُمْ.

١٠) إِتَّقُوا اللَّهَ، عِبَادَ اللَّهِ، فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ، فَإِنَّكُمْ مَسْؤُلُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ . أَطِيعُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا تَعْصُوهُ، وَإِذَا رَأَيْتُمُ الْخَيْرَ فَخُذُوا بِهِ، وَإِذَا رَأَيْتُمُ الشَّرَّ فَأَعْرِضُوا عَنْهُ].^١ [فَكَانَ قَدْ عَلِقْتُكُمْ مَخَالِبُ الْمُنَيَّةِ، وَأَحَاطَتْ بِكُمُ الْبَلِيهُ، وَانْقَطَعَتْ عَنْكُمْ عَلَاقَ الْأُمَّيَّةِ، وَدَهَمْتُكُمْ مُفْطِعَاتُ الْأُمُورِ بِنَفْخَةِ الصُّورِ، وَبَعْشَرَةِ الْقُبُورِ، وَالسَّيَّاقَةَ إِلَى الْوِرْدِ الْمَوْرُودِ، فَبَرَزَ الْخَلَاقُ لِلْمُبْدِئِ الْمُعِيدِ، (وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَاعِقٌ وَشَهِيدٌ) : سَاعِقٌ يَسُوقُهَا إِلَى مَحْسِرِهَا، وَشَاهِدٌ يَشْهُدُ عَلَيْهَا بِعَمَلِهَا].^٢

١١) إِنَّ أُولَئِكَ اللَّهِ هُمُ الَّذِينَ نَظَرُوا إِلَى بَاطِنِ الدُّنْيَا إِذَا نَظَرَ النَّاسُ إِلَى ظَاهِرِهَا، وَاشْتَغَلُوا بِآجِ لَهَا إِذَا اشْتَغَلَ النَّاسُ بِعَاجِلِهَا، فَأَمَّا تُوا مِنْهَا مَا خَشُوا أَنْ يُمْيِتُهُمْ، وَتَرَكُوا مِنْهَا مَا عَلِمُوا أَنَّهُ سَيَّرُكُمْ، وَرَأُوا اسْتِكْثَارَ غَيْرِهِمْ مِنْهَا اسْتِقْلَالًا، وَدَرَكَهُمْ لَهَا فَوْتًا. فَهُمْ أَعْدَاءُ مَا سَالَمَ النَّاسُ، وَسَلَمُ مَا عَادَى النَّاسُ].^٣ خَلَقَتِ الدُّنْيَا عِنْدَهُمْ فَلَيْسَ يَعْرُونَهَا، وَمَاتَتْ فِي قُلُوبِهِمْ فَلَيْسَ يُحِبُّونَهَا، وَيَهْدِمُونَهَا وَيَبْيَنُونَ بِهَا آخِرَتَهُمْ، وَيَبْيَعُونَهَا وَيَشْتَرُونَ بِهَا مَا يَبْقَى لَهُمْ . وَنَظَرُوا إِلَى أَهْلِهَا صَرْعِي قَدْ خَلَتْ مِنْهُمُ الْمُسْلَاتُ، فَأَحَبُّوا ذِكْرَ اللَّهِ وَأَمَّا تُوا ذِكْرَ الْحَيَاةِ . بِهِمْ نَطَقَ الْكِتَابُ وَبِهِ نَطَقُوا، [وَبِهِمْ عُلِمَ الْكِتَابُ وَبِهِ عَلِمُوا، وَبِهِمْ قَامَ الْكِتَابُ وَبِهِ قَامُوا . لَا يَرُونَ مَرْجُواً فَوْقَ مَا يَرْجُونَ، وَلَا مَخْوفًا فَوْقَ مَا يَخَافُونَ].^٤

١٢) وَاللَّهِ، أَيُّهَا النَّاسُ، [لَقَدْ رَأَيْتُ أَصْحَابَ خَلِيلِي مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَمَا أَرَى أَحَدًا يُشْهُدُهُمْ مِنْكُمْ . لَقَدْ كَانُوا يُصْبِحُونَ صُفْرًا شُعْنًا غَيْرًا، وَقَدْ بَاتُوا سُجَّدًا وَقِياماً، يَتَلَوُنَ كِتَابَ اللَّهِ ، يُرَاوِحُونَ بَيْنَ جِبَاهِهِمْ وَخُدُودِهِمْ، وَيَقْفُونَ عَلَى مِثْلِ الْجَمْرِ مِنْ ذِكْرِ مَعَادِهِمْ، كَانَ زَفِيرَ النَّارِ فِي آذَانِهِمْ . كَانَ بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ رُكْبُ الْمُغْرِى مِنْ طُولِ سُجُودِهِمْ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ تَعَالَى هَمَّلَتْ أَعْيُنُهُمْ حَتَّى تَبْلُجَ جُيُوبُهُمْ، وَمَادُوا كَمَا يَمْدُ الشَّجَرُ يَوْمَ الرِّيحِ الْعَاصِفِ، خَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ ، وَرَجَاءً لِلْشَّوَابِ].^٥ [قَوْمٌ، وَاللَّهِ، مَيَامِينُ الرَّأْيِ، مَرَاجِعُ الْجِلْمِ، مَقاوِيلُ الْحَقِّ، مَتَارِيكُ لِلْبَغْيِ، مَضَوا قُدُّمًا عَلَى الطَّرِيقَةِ، وَأَوْجَفُوا عَلَى الْمَحَاجَةِ، فَظَفَرُوا بِالْعُقْبَى الدَّائِمَةِ، وَالْكَرَامَةِ الْبَارِدَةِ].^٦ [كَانَ لِي فِيمَا مَضَى أَخْ فِي اللَّهِ مِنْ أَعْظَمِ النَّاسِ فِي عَيْنِي . وَكَانَ يُعَظِّمُهُ فِي عَيْنِي صِغْرُ الدُّنْيَا فِي عَيْنِي].

١. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 167 نهج البلاغة ذكر شده است.

٢. ق. 21.

٣. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 85 نهج البلاغة ذكر شده است.

٤. قسمت داخل قلاب [] در حكمت 432 نهج البلاغة ذكر شده است.

٥. قسمت داخل قلاب [] در حكمت 432 نهج البلاغة ذكر شده است.

٦. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 97 نهج البلاغة ذكر شده است.

٧. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 116 نهج البلاغة ذكر شده است.

وَكَانَ خَارِجًا مِنْ سُلْطَانِ بَطْنِهِ، فَلَا يَسْتَهِي مَا لَا يَجِدُ، وَلَا يُكْثِرُ إِذَا وَجَدَ].^١
وَكَانَ خَارِجًا مِنْ سُلْطَانِ فَرْجِهِ، فَلَا يَسْتَخِفُ لَهُ عَقْلُهُ وَلَا رَأْيُهُ.

وَكَانَ خَارِجًا مِنْ سُلْطَانِ جَهَّهِ، فَلَا يَمْدُدُ يَدًا إِلَّا عَلَى ثَقَةِ الْمُنْفَعَةِ، وَلَا يَخْطُو خُطْوَةً إِلَّا لِحَسَنَةِ]. وَكَانَ أَكْثَرَ دَهْرِهِ صَامِتًا، فَإِنْ
قَالَ بَدِّ الْقَاتِلِينَ، وَنَقَعَ غَلِيلَ السَّائِلِينَ. وَكَانَ ضَعِيفًا مُسْتَضْعِفًا، فَإِنْ جَاءَ الْجُدُّ فَهُوَ لَيْثُ غَادِ، وَصِلُّ وَادِ.

١٣) وَكَانَ لَا يُدْلِي بِحُجَّةٍ حَتَّى يَأْتِيَ قَاضِيًّا. وَكَانَ لَا يُلُومُ أَحَدًا عَلَى مَا يَجِدُ الْعُذْرَ فِي مِثْلِهِ حَتَّى يَسْمَعَ اعْتِذَارَهُ. وَكَانَ لَا يَشْكُو
وَجَعًا إِلَّا عِنْدَ بُرْئَهُ. وَكُلُّهُ يَفْعَلُ مَا يَقُولُ، وَلَا يَقُولُ مَا لَا يَفْعَلُ. وَكَانَ إِنْ غُلْبَ عَلَى الْكَلَامِ لَمْ يُغْلِبْ عَلَى السُّكُوتِ. وَكَانَ عَلَى
أَنْ يَسْمَعَ أَحْرَصَ مِنْهُ عَلَى أَنْ يَتَكَلَّمَ. وَكَانَ إِذَا بَدَهُهُ أَمْرًا لَا يَدْرِي أَيُّهُمَا أَقْرَبُ إِلَى الْحَقِّ نَظَرًا إِلَيْهِمَا أَقْرَبُ إِلَى الْهُوَى فَخَالَفَهُ.

١٤) فَعَلَيْكُمْ بِهَذِهِ الْخَلَائِقِ فَالْزُّمُورُهَا، وَتَنَافَسُو فِيهَا. فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعُوهَا فَاعْلَمُوا أَنَّ أَخْدَ الْقَلِيلِ خَيْرٌ مِنْ تَرْكِ الْكَثِيرِ].^٢

[أَيُّهَا الرَّبِّيُّسُ، إِنَّهُ لَا يَسْتَغْنِي الرَّجُلُ، وَإِنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَلَدٍ، عَنْ عَشِيرَتِهِ، وَعَنْ مَوْدَتِهِمْ وَكَرَامَتِهِمْ، وَدِفَاعِهِمْ عَنْهُ بِأَيْدِيهِمْ وَ
الْسَّيِّدِهِمْ. وَهُمْ أَعْظَمُ النَّاسِ حَيْطَةً مِنْ وَرَائِهِ، وَأَلْمَهُمْ لِشَعِيرَتِهِ، وَأَعْطَفُهُمْ عَلَيْهِ، عِنْدَ نَازَلَةٍ إِنْ نَزَّلَتْ بِهِ
أَلَا لَا يَعْدِلُنَّ أَحَدُكُمْ عَنِ الْقَرَابَةِ يَرَى بِهَا الْخَصَاصَةَ أَنْ يَسْدُهَا بِالذِّي لَا يَرِيدُهُ إِنْ

أَمْسَكَهُ، وَلَا يَنْقُصُهُ إِنْ أَهْلَكَهُ . وَمَنْ يَقْبِضُ يَدَهُ عَنْ عَشِيرَتِهِ فَإِنَّمَا تَقْبِضُ مِنْهُ عَنْهُ يَدُ وَاحِدٍ، وَتَقْبِضُ مِنْهُمْ عَنْهُ أَيْدِي كَثِيرَةٍ
وَمَنْ تَلِنْ حَاشِيَتِهِ يَسْتَدِمْ مِنْ قَوْمِهِ الْمَوَدَّةَ [٣]، وَمَنْ بَسَطَ عَلَيْهِمْ يَدَهُ بِالْمَعْرُوفِ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ تَعَالَى يُخْلِفُ اللَّهُ لَهُ مَا أَنْفَقَ فِي
دُنْيَاهُ وَيُضَاعِفُ لَهُ الْأَجْرَ فِي آخِرَتِهِ.

١٥) وَاعْلَمُوا أَنَّ [لِسَانَ الصِّدْقِ يَجْعَلُهُ اللَّهُ لِلْمَرءِ فِي النَّاسِ خَيْرًا مِنَ الْمَالِ يَأْكُلُهُ وَيُورِثُهُ غَيْرَهُ].^٤
فَلَا يَزْدَادُنَّ أَحَدُكُمْ كِبِيرَيَاءً وَلَا عَظَمَةً فِي نَفْسِهِ، وَنَأِيًّا عَنْ عَشِيرَتِهِ، أَنْ كَانَ مُوسِرًا فِي الْمَالِ، وَلَا يَزْدَادُنَّ أَحَدُكُمْ فِي أَخْيَهِ زُهْدًا
وَلَا مِنْهُ بَعْدًا، وَلَا يَجْعَلُ مِنْهُ بَدِيلًا، إِذَا لَمْ يَرِدْ مِنْهُ مُرُوعَةً.

١٦) [أَلَا فَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ أَدْبَرَتْ وَآذَنَتْ بِوَدَاعِ . أَلَا وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ أَفْبَلَتْ وَأَشْرَفَتْ بِاطْلَاعٍ . أَلَا وَإِنَّ الْيَوْمَ الْمِضْمَارَ، وَغَدَّا
السَّبَاقَ.

أَلَا وَإِنَّ السَّبَقَةَ الْجَنَّةُ، وَالْعَايَاةَ الْمَرْأَةُ.

أَفَلَا تَأْبِي مِنْ خَطَيْتِهِ قَبْلَ حُضُورِ مَنِيَّتِهِ؟^٥

١. قسمت داخل قلاب [] در حکمت 289 نهج البلاغة ذکر شده است.

٢. قسمت داخل قلاب [] در حکمت 289 نهج البلاغة ذکر شده است.

٣. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 23 نهج البلاغة ذکر شده است.

٤. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 23 نهج البلاغة ذکر شده است.

٥. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 23 نهج البلاغة ذکر شده است.

[أَلَا مُسْتَبِطٌ مِنْ غَلْتِهِ قَبْلَ نَفَادِ مُدَّتِهِ؟].^١

أَلَا عَامِلٌ لِنَفْسِهِ قَبْلَ يَوْمِ بُؤْسِهِ؟.

[أَلَا مُسْتَعِدٌ لِلِقَاءِ رَبِّهِ قَبْلَ زُهُوقِ نَفْسِهِ؟].^٢

أَلَا مُتَوَدٌ لَا خِرَةٍ قَبْلَ أَزْوَجِ رِحْلَتِهِ؟.

(١٧) أَلَا وَإِنْكُمْ فِي أَيَّامِ أَمْلٍ ، مِنْ وَرَائِهِ أَجَلٌ يَحْسُهُ عَاجِلٌ، [فَإِيْعَمَلِ الْعَالِمُ مِنْكُمْ فِي أَيَّامِ مَهْلِهِ قَبْلَ إِرْهَاقِ أَجَلِهِ، وَفِي فَرَاغِهِ قَبْلَ أَوَانِ شُغْلِهِ، وَفِي مُسْتَفْسِهِ قَبْلَ أَنْ يُؤْخَذَ بِكَظْمِهِ، وَلَيْمَهْدِ لِنَفْسِهِ وَقَدْمِهِ، وَلَيَتَرَوَّدْ مِنْ دَارِ ظَعْنَهِ لِدَارِ إِقَامَتِهِ].^٣

[فَمَنْ عَمِلَ فِي أَيَّامِ أَمْلِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ، فَقَدْ نَفَعَهُ عَمْلُهُ وَلَمْ يَضُرْهُ أَجَلُهُ، وَمَنْ قَصَرَ فِي أَيَّامِ أَمْلِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ، فَقَدْ خَسِرَ عَمْلَهُ، وَضَرَّهُ أَجَلُهُ.

أَلَا فَاعْمَلُوا لِلَّهِ فِي الرَّغْبَةِ كَمَا تَعْمَلُونَ لَهُ فِي الرَّهْبَةِ [، فَإِنْ نَزَلتْ بِكُمْ رَغْبَةٌ فَاسْكُرُوا اللَّهَ وَاجْمَعُوا مَعَهَا رَهْبَةً، وَإِنْ نَزَلتْ بِكُمْ رَهْبَةٌ فَادْكُرُوا اللَّهَ وَاجْمَعُوا مَعَهَا رَغْبَةً، فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ تَأْذَنَ لِلْمُحْسِنِينَ بِالْحُسْنَى، وَلِمَنْ شَكَرَ بِالْزِيَادَةِ].

أَلَا وَإِنِّي لَمْ أَرَ كَالْجَنَّةَ نَامَ طَالِبِهَا، وَلَا كَالنَّارَ نَامَ هَارِبِهَا.

أَلَا وَإِنَّهُ مَنْ لَا يَنْفَعُهُ الْحَقُّ يَضُرُّهُ الْبَاطِلُ، وَمَنْ لَا يَنْفَعُهُ الْيَقِينُ يَضُرُّهُ الشَّكُّ، وَمَنْ لَا يَنْفَعُهُ حَاضِرُهُ فَعَازِبُهُ عَنْهُ أَعْوَزُ، وَغَائِبُهُ عَنْهُ أَعْجَزُ، وَمَنْ لَا يَسْتَقِيمُ بِهِ الْهُدَى يَجْرِي بِهِ الضَّلَالُ إِلَى الرَّدِّ.

أَلَا وَإِنْكُمْ قَدْ أَمْرُتُمْ بِالظَّعْنِ، وَذُلِّلْتُمْ عَلَى الزَّادِ

(١٨) أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ الدُّنْيَا عَرَضٌ حَاضِرٌ يَأْكُلُ مِنْهَا الْبُرُّ وَالْفَاجِرُ، وَإِنَّ الْآخِرَةَ دَارُ حَقٌّ يَحْكُمُ فِيهَا مَلِكٌ قَادِرٌ.

أَلَا وَإِنَّ الشَّيْطَانَ (يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمُ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلَيْهِ).^٤

[قَدْ كَفَاكُمُ اللَّهُ تَعَالَى مَوْنَةَ دُنْيَاكُمْ، وَحَثَّكُمْ عَلَى الشُّكْرِ، وَافْتَرَضَ مِنْ السِّنَّتِكُمُ الذِّكْرَ، وَأَوْصَاكُمْ بِالتَّقْوَى، وَجَعَلَهَا مُنْتَهَى رِضَاهُ مِنْ عِبَادِهِ، وَحَاجَتِهِ مِنْ حَلْقِهِ].

(١٩) فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِعَيْنِهِ، وَنَوَاصِيكُمْ بِيَدِهِ، وَتَقْلِبُكُمْ فِي قَبْضَتِهِ، إِنْ أَسْرَرْتُمْ عِلْمَهُ، وَإِنْ أَعْلَنْتُمْ كَتَبَهُ، قَدْ وَكَلَ بِذَلِكَ حَفَظَةً كِرَاماً، لَا يُسْقِطُونَ حَقًّا، وَلَا يُبْتَغُونَ بَاطِلاً.

^١. غرر الحكم، ج 1، ص 161.

^٢. غرر الحكم، همان.

^٣. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 86 نهج البلاغة ذكر شده است.

^٤. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 28 نهج البلاغة ذكر شده است.

٥. البقرة، 268.

وَاعْلَمُوا أَنَّ مَنْ يَتَقَبَّلَ اللَّهَ يَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا مِنَ الْفِتْنَ، وَنُورًا مِنَ الظُّلْمِ، وَيُخَلِّدُهُ فِيمَا اشْتَهَى نَفْسُهُ، وَيُنْزِلُهُ مَنْزِلَ الْكَرَامَةِ عِنْدَهُ، فِي دَارِ اصْطَنْعَاهَا لِنَفْسِهِ، ظِلَّهَا عَرْشُهُ، وَنُورُهَا بَهْجَتُهُ، وَزُوَّارُهَا مَلَاتِكَتُهُ، وَرُفَاقَاؤُهَا رُسُلُهُ.

٢٠) فَبَادِرُوا الْمَعَادِ، وَسَابَقُوا الْآجَالَ، فَإِنَّ النَّاسَ يُوشِكُ أَنْ يَنْقَطِعَ بِهِمُ الْأَمْلُ، وَيَرْهَقُهُمُ الْأَجَلُ، وَيُسَدِّدُ عَنْهُمْ بَابُ التَّوْبَةِ [١]، فَلَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا [٢].

أَلَا وَإِنَّ أَخْوَافَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ: اتَّبَاعُ الْهَوَى، وَطُولُ الْأَمْلِ. فَأَمَّا اتَّبَاعُ الْهَوَى فَيُضِلُّ عَنِ الْحَقِّ. وَأَمَّا طُولُ الْأَمْلِ فَيُنَسِّي الْآخِرَةَ.

٢١) عِبَادُ اللَّهِ، افْرَعُوا إِلَى قَوَامِ دِينِكُمْ بِإِقَامِ الصَّلَاةِ لِوَقْتِهَا، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ لِحِلَّهَا، وَالنَّصِيحَةَ لِإِمَامِكُمْ. وَالتَّضَرُّعُ إِلَى اللَّهِ وَالْخُشُوعُ لَهُ، وَصِلَةُ الرَّحْمِ، وَخَوْفُ الْمَعَادِ، وَإِعْطَاءِ السَّائِلِ، وَإِكْرَامِ الضَّيْفِ. وَتَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ وَاعْمَلُوا بِهِ. وَاصْدُقُوا الْحَدِيثَ وَآتُرُوهُ. وَأَوْفُوا بِالْمُهَدِّدِ إِذَا عَاهَدُتُمْ. وَأَدُوا الْأَمَانَةَ إِذَا أَتَتُمُتُمْ. وَارْغَبُوا فِي ثَوَابِ اللَّهِ، وَارْهَبُوا عِقَابَهُ.

وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ.

وَعَلَيْكُمْ بِالْخُضُوعِ وَالْخُشُوعِ، فَإِنَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسْرِعُونَ وَمَا تُعْلِمُونَ

٢٢) [وَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تُحِرِّزُونَ بِهِ أَنْفُسُكُمْ غَدًا] [٣] مِنَ النَّارِ، وَاعْمَلُوا خَيْرًا تُجْزَوْا خَيْرًا يَوْمَ يَقُولُونَ بِالْخَيْرِ مَنْ قَدَّمَ الْخَيْرَ. فَقَدْ أَصْبَحْتُمْ فِي مِثْلِ مَا سَأَلَ إِلَيْهِ الرَّجُعَةَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ . وَأَنْتُمْ بُنُو سَبِيلٍ، عَلَى سَفَرٍ مِنْ دَارٍ لَيْسَتْ بِدَارِكُمْ، وَقَدْ أَوْذَتُمْ مِنْهَا بِالْإِرْتِحَالِ، وَأَمْرَتُمْ فِيهَا بِالرَّأْدِ.

٢٣) [إِنَّ مِنْ عَزَائِيمِ اللَّهِ تَعَالَى فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ، الَّتِي عَلَيْهَا يُشَبِّهُ وَيُعَاقِبُ، وَلَهَا يَرْضى وَيَسْخَطُ، أَنَّهُ لَا يَفْعُلُ عَبْدًا، وَإِنْ أَجْهَدَ نَفْسَهُ، وَأَخْلَصَ فِعْلَهُ، وَحَسَنَ قَوْلَهُ، وَزَيَّنَ وَصْفَهُ، وَفَضَّلَهُ غَيْرَهُ، أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الدُّنْيَا لِاقِيًّا رَبَّهُ بِخَصْلَةٍ مِنْ هَذِهِ الْخِصَالِ لَمْ يَتَبَّعْ مِنْهَا:

أَنْ يُشْرِكَ بِاللَّهِ فِيمَا افْرَضَ عَلَيْهِ مِنْ عِبَادَتِهِ، أَوْ يَسْفِي غَيْظَهُ بِهَلَاكِ نَفْسٍ، أَوْ يُقْرَرُ بِأَمْرٍ فَعَلَهُ غَيْرُهُ، أَوْ يَسْرُهُ أَنْ يَحْمَدَهُ النَّاسُ بِمَا لَمْ يَفْعَلْ مِنْ خَيْرٍ، أَوْ يَسْتَنْجِحَ حَاجَةً إِلَى النَّاسِ بِإِظْهَارِ بُدْعَةٍ فِي دِينِهِ، أَوْ يَلْقَى النَّاسَ بِوَجْهَيْنِ، أَوْ يَمْشِي فِيهِمْ بِلِسَائِنِ، وَبِالْتَّجَبْرِ وَالْأَبْهَةِ . إِعْقَلْ ذَلِكَ، فَإِنَّ الْمِثْلَ دَلِيلٌ عَلَى شَيْهِهِ . إِنَّ الْبَهَائِمَ هُمُّهَا بُطُونُهَا. وَإِنَّ السَّبَاعَ هُمُّهَا الْعَدُوَانُ عَلَى غَيْرِهَا.

وَإِنَّ النِّسَاءَ هُمُّهُنَّ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، وَالْفَسَادُ فِيهَا] [٤] وَإِنَّ الْمُؤْمِنِينَ هَيْنُونَ لَيْنُونَ.

١. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 183 نهج البلاغة ذكر شده است.

٢. الأنعام، 158.

٣. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 28 نهج البلاغة ذكر شده است.

٤. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 153 نهج البلاغة ذكر شده است.

[إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُحْسِنُونَ، إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُسْتَكِينُونَ، إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُشْفِقُونَ، إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ خَائِفُونَ، إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ وَجِلُونَ].^۱
[نَسْأَلُ اللَّهَ رَبَّنَا وَرَبَّكُمْ أَنْ يَرْزُقَنَا وَإِيَّاكُمْ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ، وَمُعَايِشَةَ السُّعَدَاءِ، وَمُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَئْبَارِ]، فَإِنَّا نَحْنُ بِهِ وَلَهُ، وَ
بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. أَفُولُ قَوْلٍ وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ

اسناد خطبه اول

اسناد این خطبه به صورت پراکنده در مصادر مختلف ذکر گردیده است . همچنین هیچ یک از سندها این خطبه را به صورت کامل ذکر نکرده اند؛ ولی مولف کتاب «تمام نهج البلاغه» همه بخشهاي پراکنده را جمع آوری کرده و آن را به صورت یک خطبه کامل ذکر کرده است ، که قابل توجه می باشد؛ چرا که این اقدام از ناحیه هیچ کسی صورت نگرفته بود. علاوه بر قسمتهاي داخل قلاب [] اين خطبه که در كتاب نهج البلاغه ذكر شده اند، مصادر دیگري را هم می توان برای فقرات دیگر اين خطبه پيدا کرد. از جمله :

۱) در باب ۱۴ کتاب تيسیر المطالب ، چنین ذکر شده است : عن أبي عبد الله احمد بن محمد البغدادی عن أبي القاسم عبد العزیز بن إسحاق عن احمد بن حسین الحریقی عن محمد بن الأزهر الطایی الكوفی عن سلمة بن عامر عن أبي إسحاق السبیعی عن الحارث عن علی (علیه السلام).^۲

۲) در صفحه ۱۴۷ اكتاب مذکور سند دیگری نیز چنین نقل شده است:
عن أبي عبد الله محمد بن زید الحسنی عن الناصر للحق الحسن بن علی عن أخيه الحسین بن علی عن محمد بن الولید عن ابن أبي عمیر عن هشام عن اسماعیل الجعفی عن محمد الباقر عن علی (علیهمالسلام).^۳

۳) شیخ طوسی(۴) هم سرخ دیگری را چنین ذکر کرده اند:
عن أبي على الحسن بن محمد الطوسي عن أبيه عن محمد بن محمد عن أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه القمي عن أبيه عن سعد بن عبد الله عن احمد بن محمد بن عيسى عن الحسن بن المحبوب عن عبدالله بن سنان عن معروف بن خربوذ عن محمد الباقر عن علی (علیهمالسلام).^۵

موضوعات خطبه اول

به شواهد تاریخی این خطبه اولین خطبه نماز جمعه امام علی (ع) می باشد؛ که در شهر مدینه ایجاد گردیده است.^۶ علی رغم اینکه این خطبه، خطبه ای نسبتاً مفصلی می باشد ولی مع الأسف به صورت ناقص نقل گردیده است. به طور اجمال موضوعات این خطبه را می توان چنین بررسی کرد:

۱. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 153 نهج البلاغه ذکر شده است.

۲. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 23 نهج البلاغه ذکر شده است.

۳. أبي طالب، تيسیر المطالب، ص 141.

۴. أبي طالب، همان.

۵. طوسی، الأمالی، ص 99* جهت مطالعه بیشتر رجوع شود به جلد 4، کتاب تمام نهج البلاغه، اثر سید صادق موسوی.

- ۱) حمد ثنای الهی؛
- ۲) شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر اکرم (ص)؛
- ۳) دعوت به تقوای الهی و رعایت خضوع و خشوع در مقابل پروردگار؛
- ۴) معرفی اوصاف و عملکرد منافقان و بر حذر داشتن مردم از تبعیت کردن از افکار و اندیشه های ضد الهی آنها؛
- ۵) تأکید بر عمل نمودن به فرایض و اوامر الهی (نماز، زکات، صله رحم، ...)؛
- ۶) معرفی قرآن مبنی بر اینکه کتاب هدایت و رستگاری می باشد؛
- ۷) سفارش مردم بر تمسمک جستن به امام و لزوم اطاعت از امر و نهی آن؛
- ۸) تشییه امام به چراغ هدایت جامعه؛
- ۹) فلسفه تشریع احکام الهی؛
- ۱۰) معرفی اوصاف اولیاء الهی و نقش آنها در هدایت جامعه؛
- ۱۱) معرفی اصحاب پیامبر (ص) و اوصاف عبادی و سیاسی آنها و تأکید بر تبعیت از سیره آنها؛
- ۱۲) سفارش به عمل صالح و پرهیز از آرزوهای دراز و دست نیافتنی؛
- ۱۳) بر حذر داشتن مردم از تبعیت شیطان و هوای نفس؛
- ۱۴) سفارش به فراموش نکردن معاد و پرهیز از دنیا دوستی؛
- ۱۵) جهاد در راه خدا با مال و جان؛
- ۱۶) بیان خصوصیات بهایم و حیوانات وحشی و لزوم عبرت گیری از رفتار آنها؛
- ۱۷) استغفار در حق خود و مومنین و دعا در حق آنها (طلب رزق و روزی، همنشینی با انبیاء الهی و ابرار و شهداء، زندگی سعادتمدانه).

خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

- ۱) الحَمْدُ لِلّٰهِ النَّا شِرِ فِي الْخَلْقِ فَضْلٌهُ، وَالْبَاسِطِ فِيهِمْ بِالْجُودِ يَدَهُ . نَحْمَدُهُ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ، وَنَسْتَعِينُهُ عَلَى رِعَايَةِ حُقُوقِهِ، وَنَشْهَدُ أَنْ لِإِلٰهٍ غَيْرُهُ.
- ۲) وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ بِأَمْرِهِ صَادِعًا ، وَبِذِكْرِهِ نَاطِقاً، فَأَدَى أَمِيناً، وَمَضَى رَشِيدًا، وَخَلَفَ فِينَا رَايَةَ الْحَقِّ، مَنْ تَقَدَّمَهَا مَرَقَ، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا زَهَقَ، وَمَنْ لَزِمَهَا لَحِقَ، دَلِيلُهَا مَكِيتُ الْكَلَامِ، بَطْءُ الْقِيَامِ، سَرِيعٌ إِذَا قَامَ
- ۳) فَإِذَا أَتْتُمُ التَّمْ لَهُ رِقَابَكُمْ، وَأَشَرْتُمْ إِلَيْهِ بِأَصَابِعِكُمْ، جَاءَهُ الْمَوْتُ فَذَهَبَ بِهِ، فَلَبِثَ تُمْ بَعْدَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ حَتَّى يُطْلِعَ اللَّهُ لَكُمْ مَنْ يَجْمَعُكُمْ وَيَضْسُمُ نَسْرَكُمْ، فَلَا تَظْمَعُوا فِي غَيْرِ مُقْبِلٍ، وَ لَا تَيَأسُوا مِنْ مُدْبِرٍ ، فَإِنَّ الْمُدْبِرَ عَسَى أَنْ تَرَلَّ بِهِ إِحْدَى قَائِمَتَيْهِ، وَتَثْبِتَ الْأُخْرَى، فَتَرْجِعَا حَتَّى تَثْبِتَا جَمِيعًا.

^۱. موسوی، تمام نهج البلاغه، جلد ۴، خطبه ۲۰.

٤) أَلَا إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ : إِذَا خَوَى نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ فَكَانُوكُمْ قَدْ تَكَامَلَتْ مِنَ اللَّهِ فِيكُمُ الصَّنَاعُ، وَأَرَأْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَأْمِلُونَ.

اسناد خطبه دوم

سید رضی (ره) درنهج البلاغه همه خطبه را ذکر کرده اند. ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه تو ضیحات بیشتری را راجع به سند این خطبه داده اند؛ که نشان از آن دارد که به اسناد و منابع دیگری غیر از نهج البلاغه دست یافته است.^۱

موضوعات خطبه دوم

این خطبه را امام علی (ع) در جمعه سوم دوران خلافتشان در شهر مدینه ایراد فرمودند. قسمت اعظم این خطبه به دلایل نامعلومی ذکر نشده است؛ ولی با این حال یکی از خطبه های مهم آن حضرت به شمار می آید. با توجه به اینکه این خطبه به عنوان یک خطبه مستقل در نهج البلاغه به حساب آمده است و لذا اغلب شارحین این کتاب موضوع این خطبه را اهل بیت پیامبر (ع) دانسته اند. تغاییری چون اهل بیت پیامبر مانند ستارگان آسمان هستند و اینکه پیامبر و خاندانش همواره مشعل هدایت جامعه می باشند، از فقرات مهم این خطبه به حساب می آیند.^۲

خطبه سوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١) الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَلِيِّ الْحَمِيدِ، الْحَكِيمِ الْمَجِيدِ، الْفَعَالِ لِمَا يُرِيدُ، عَلَّامِ الْعُيُوبِ، وَسَتَارِ الْعُيُوبِ، وَخَالِقِ الْخَلْقِ، وَمُنْزَلِ الْقَطْرِ، وَمُدَبِّرِ
أَمْرِ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ، وَرَبِّ السَّمَاوَاتِ، وَالْأَرْضِ رَبُّ الْعَالَمِينَ، وَخَيْرِ الْفَاتِحِينَ. الَّذِي عَطَّلَ شَانَهُ فَلَا شَيْءٌ مِثْلُهُ.
تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، وَاسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدرَتِهِ، وَقَرَّ كُلُّ شَيْءٍ لِقَرَارَهُ لِهَبَبَتِهِ، وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْ
خَلْقِهِ لِمُلْكِهِ وَرُّوْبِيَّتِهِ.

الَّذِي يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَأَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ إِلَّا بِأَمْرِهِ، وَأَنْ يَحْدُثَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْءٌ إِلَّا
بِعِلْمِهِ.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ، وَرَبِّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ، وَرَبِّ الْعَرْضِ الْعَظِيمِ.
الَّذِي يَقْنِي وَيَفْنِي مَا سِوَاهُ، وَإِلَيْهِ يَبُوُولُ الْخَلْقُ وَيَرْجِعُ الْأَمْرُ، وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

[نَحْمَدُهُ عَلَى مَا كَانَ، وَنَسْتَعِينُهُ مِنْ أَمْرِنَا عَلَى مَا يَكُونُ، وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَسْتَهْدِيهِ] ، وَنَسْأَلُهُ الْمُعَافَةَ فِي الْأَدْيَانِ، كَمَا نَسْأَلُهُ الْمُعَافَةَ
فِي الْأَبْدَانِ.^۳

^۱. رضی، نهج البلاغه، خطبه 100، به نقل از زید بن وهب جهنی؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 475.

^۲. ابن ابی الحدید، همان.

^۳. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 99 نهج البلاغه ذکر شده است.

٢) وَنَشْهُدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، مَلِكُ الْمُلُوكِ، وَسَيِّدُ السَّادَاتِ، وَجَبَارُ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتِ، الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ، الْكَبِيرُ
 الْمُتَعَالُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، دِيَانُ يَوْمِ الدِّينِ، رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ
 ٣) وَنَشْهُدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، [إِمَامُ مِنْ أَنْقَى]، وَبَصَرٌ مِنْ اهْتَدِي.
 أَرْسَلَهُ دَاعِياً إِلَى الْحَقِّ، وَسَاهِدَا عَلَى الْخَلْقِ، فَبَلَغَ رِسَالَاتِ رَبِّهِ كَمَا أَمْرَهُ ، غَيْرَ وَانِ وَلَا مُقْسِرٌ، وَجَاهَهُ فِي اللَّهِ أَعْدَاءُهُ، غَيْرَ
 وَاهِنٍ وَلَا مُعَذَّرٍ^١، وَنَصَحَ لَهُ فِي عِبَادِهِ صَابِراً مُحْتَسِباً . فَقَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَقَدْ رَضِيَ عَمَلُهُ، وَتَكَبَّلَ سَعْيُهُ، وَغَفَرَ ذَنْبَهُ، صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ .
 ٤) عِبَادُ اللَّهِ، أُوصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ، وَاغْتِنَامِ مَا اسْتَطَعْتُمْ عَمَلاً بِهِ مِنْ طَاعَتِهِ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ الْفَانِيَةِ، وَإِعْدَادِ الْعَمَلِ
 الصَّالِحِ لِجَلِيلِ مَا يُشْفِي عَلَيْكُمْ بِهِ الْفَوْتُ بَعْدَ الْمَوْتِ.
 ٥) وَأَمْرُكُمْ بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةِ لَكُمْ وَإِنْ لَمْ تُحْبُوا تَرْكَهَا، وَالْمُبْلِيَةِ لِأَجْسَامِكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ تُحْبُونَ تَجْدِيدَهَا. فَإِنَّمَا مَثَلُكُمْ وَ
 مَثَلُهَا كَسَفُ سَلَكُوا سَبِيلًا فَكَانُوهُمْ قَدْ قَطَّعُوهُ، وَأَمُوا عَلَمًا فَكَانُوهُمْ قَدْ بَلَغُوهُ .
 وَكَمْ عَسَى الْمُجْرِي إِلَى الْغَايَاةِ أَنْ يَجْرِي إِلَيْهَا حَتَّى يَلْعَغَهَا!
 وَمَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَقَاءً مِنْ لَهُ يَوْمٌ لَا يَعْدُوهُ، وَ طَالِبٌ حَتَّى يَمْلِأَ أَجَلَهِ يَحْدُوهُ، وَ مُزْعِجٌ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يُفَارِقَهَا رَغْمًا؟.
 ٦) فَلَا تَنَافَسُوا فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَفَخْرِهَا، وَلَا تُعْجِبُوا بِزِينَتِهَا وَنَعِيمِهَا، وَلَا تَجْزَعُوا مِنْ ضَرَائِهَا وَبُؤْسِهَا، فَإِنَّ عِزَّهَا وَفَخْرَهَا إِلَى
 انْقِطَاعٍ، وَ زِينَتَهَا وَ نَعِيمَهَا إِلَى زَوَالٍ، وَ ضَرَائِهَا وَ بُؤْسَهَا إِلَى نَفَادٍ، وَ كُلُّ مُدَّةٍ فِيهَا إِلَى اِنْتِهَاءٍ، وَ كُلُّ حَيٌّ فِيهَا إِلَى فَنَاءٍ أَوْ لَيْسَ لَكُمْ
 فِي آثَارِ الْأَوَّلِينَ مُزْدَجَرٌ، وَ فِي آبَائِكُمُ الْمَاضِينَ تَبْصِرَةٌ وَ مُعْتَبَرٌ، إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ؟
 أَوْ لَمْ تَرَوْا إِلَى الْمَاضِينَ مِنْكُمْ لَا يَرْجِعُونَ، وَ إِلَى الْخَلَفِ الْبَاقِينَ مِنْكُمْ لَا يَقُولُونَ.
 قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ الصَّدُقُ قَوْلُهُ: (وَ حَرَامٌ عَلَى قَرِيْبٍ أَهْلَكَنَا هَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ).^٢
 وَ قَالَ جَلَّ وَعَزَّ: (كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ إِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْرَحَ عَنِ النَّارِ وَ أَدْ خَلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَ مَا
 الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَنَاعُ الْغُرُورِ).^٣
 ٧) أَيُّهَا النَّاسُ، أَسْرُتُمْ تَرَوْنَ أَهْلَ الدُّنْيَا يُصْبِحُونَ وَ يُمْسِوْنَ عَلَى أَحْوَالٍ شَتَّى:
 فَمَيِّتٌ يُبَيْكِي، وَ آخَرٌ يُعَزِّي وَ صَرِيعٌ مُبْتَلٍ، وَ آخَرٌ يُبَشِّرُ وَ يُهَنِّئُ .
 وَعَائِدٌ يَعُودُ ، وَ آخَرٌ بِنَفْسِهِ يَجُودُ وَ طَالِبٌ لِلدُّنْيَا وَ الْمَوْتِ يَطْلُبُهُ. وَ غَافِلٌ وَ لَيْسَ بِمَغْفُولٍ عَنْهُ . وَ عَلَى أَثْرِ الْمَاضِي مَا يَمْضِي
 الْبَاقِي].^٤

^١. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 116 نهج البلاغة ذكر شده است.

^٢. الأنبياء، 95.

^٣. آل عمران، 185.

^٤. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 99 نهج البلاغة ذكر شده است.

[قَدْ غَابَ عَنْ قُلُوبِكُمْ ذِكْرُ الْآجَالِ، وَ حَضَرَتُكُمْ كَوَادِبُ الْآمَالِ، فَصَارَتِ الدُّنْيَا أَمْلَكَ بِكُمْ مِنَ الْآخِرَةِ، وَ الْفَاجِلَةُ أَذْهَبَ بِكُمْ مِنَ الْآجِلَةِ.]

(٨) وَ إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ، مَا فَرَقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبُثُ السَّرَّائِرِ، وَ سُوءُ الضَّمَائِرِ، فَلَا تَوَازِرُونَ، وَ لَا تَنَاصِحُونَ، وَ لَا تَبَاذِلُونَ، وَ لَا تَوَادُونَ.

ما بِالْكُمْ تَفْيِحُونَ بِالْيَسِيرِ مِنَ الدُّنْيَا تُدْرِكُونَهُ، وَ لَا يَحْزُنُكُمْ الْكَشِدُ مِنَ الْآخِرَةِ تُحْرَمُونَهُ وَ يُقْلِقُكُمْ الْيَسِيرُ مِنَ الدُّنْيَا حِينَ يَفْوُتُكُمْ حَتَّى يَبَيِّنَ ذَلِكَ فِي وُجُوهِكُمْ، وَ قَلْةٌ صَبِرُكُمْ عَمَّا رُؤِيَ مِنْهَا عَنْكُمْ: كَانُوا دَارُ مُقَامِكُمْ، وَ كَانَ مَنَاعَهَا باقٍ عَلَيْكُمْ وَ مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ أَنْ يَسْتَقْبِلَ أَخَاهُ بِمَا يَخَافُ مِنْ عَيْنِهِ إِلَّا مُخَافَةً أَنْ يَسْتَقْبِلَهُ بِمِثْلِهِ.]^١

قَدْ تَصَافَيْتُمْ عَلَى رَفْضِ الْآجِلِ، وَ حُبِّ الْعَاجِلِ، وَ صَارَ دِينُ أَحَدِكُمْ لُعْنَةً عَلَى لِسَانِهِ، صَنِيعٌ مَنْ قَدْ فَرَغَ مِنْ عَمَلِهِ، وَ أَحْرَزَ رِضا سَيِّدِهِ.]^٢

(٩) [أَلَا فَادْكُرُوا هَادِمَ الْلَّذَّاتِ، وَ مُنْعَصَ الشَّهَوَاتِ، وَ مُفَرِّقَ الْجَمَاعَاتِ، وَ قَاطِعَ الْأُمَّيَّاتِ، وَ مُدْنِيَ الْمَنَيَّاتِ، وَ دَاعِيَ الشَّتَّاتِ ، عِنْدَ الْمُسَاوِرَةِ لِلْأَعْمَالِ الْقَبِيحةِ]

وَ اسْتَعِنُوا اللَّهَ تَعَالَى عَلَى أَدَاءِ وَاجِبِ حَقِّهِ، وَ مَا لَا يُحْصِي مِنْ أَعْدَادِ نِعَمِهِ وَ إِحْسَانِهِ].^٣

إِلَّا وَ إِنَّ هَذَا يَوْمَ جَعَ لِهِ اللَّهُ لَكُمْ عِيدًا، وَ هُوَ سَيِّدُ أَيَّامِكُمْ، وَ أَفْضَلُ أَعْيَادِكُمْ، وَ قَدْ أَمْرَكُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِالسَّعْيِ فِيهِ إِلَى ذِكْرِهِ، فَلَتَعْطُلُ فِيهِ رَغْبَتُكُمْ، وَ لَتَخْلُصُ فِيهِ نَيْتُكُمْ، وَ أَكْثُرُوا فِيهِ التَّضَرُّعَ إِلَى اللَّهِ وَ الدُّعَاءِ، وَ مَسَالَةَ الرَّحْمَةِ وَ الْغُفْرَانِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَسْتَجِيبُ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ دَعَاهُ، وَ يُورِدُ النَّارَ كُلَّ مَنْ عَصَاهُ، وَ كُلَّ مُسْتَكِبِرٍ عَنْ عِيَادَتِهِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكِبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاهِرِينَ).^٤

وَ اعْلَمُوا أَنَّ فِيهِ سَاعَةً مُبَارَكَةً لَا يَسْأَلُ اللَّهُ فِيهَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ شَيْئًا إِلَّا أُعْطَاهُ

(١٠) وَ الْجُمُعَةُ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ إِلَّا عَلَى الصَّبِيِّ، وَ الْمَرْأَةِ، وَ الْعَبْدِ الْمَمْلُوكِ، وَ الْمَرِيضِ وَ الْمَجْنُونِ، وَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ، وَ الْأَعمَى، وَ الْمُسَافِرِ، وَ مَنْ كَانَ عَلَى رَأْسِ فَرْسَخِينِ.

(١١) غَفَرَ اللَّهُ لَنَا وَ لَكُمْ سَالِفَ ذُنُوبِنَا، فِيمَا خَلَا مِنْ أَعْمَارِنَا، وَ عَصَمَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنْ اقْتِرَافِ الذُّنُوبِ وَ الْآثَامِ بِقِيَةً أَيَّامَ دَهْرِنَا.

(١٢) إِنَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ وَ أَبْلَغَ الْمَوْعِظَةِ كِتَابُ اللَّهِ الْكَرِيمِ.

أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدُ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُوْلَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ).^٥

^١ قسمت داخل قلاب [] در خطبه 113 نهج البلاغة ذكر شده است.

^٢ قسمت داخل قلاب [] در جلد 1، صفحه 140، غرر الحكم و خطبه 99 نهج البلاغة ذكر شده است.

^٣ غافر، 60.

^٤ سورة التوحيد.

١) الحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَ نَسْتَعِينُهُ، وَ نَسْتَهْدِيهُ وَ نَسْتَغْفِرُهُ، وَ نُؤْمِنُ بِهِ وَ نَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ

وَ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنفُسِنَا، وَ مِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا (مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهَدِّدُ وَ مَنْ يُضْلِلُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا).^١

٢) وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَغْفِرَتُهُ وَ رَضْوَانُهُ.

٣) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ صَفِيقِكَ صَلَاتَةً تَامَّةً نَامِيَّةً زَاكِيَّةً، تَرْفُعُ بِهَا دَرَجَتَهُ، وَ تُبَيِّنُ بِهَا فَضْلَيَّتَهُ. وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

٤) اللَّهُمَّ عَذَّبْ كَفَرَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ الْمُشْرِكِينَ، الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِكَ، وَ يَجْحَدُونَ آيَاتِكَ وَ يُكَذِّبُونَ رُسُلَكَ.

اللَّهُمَّ خَالِفْ بَيْنَ كَلِمَتَهُمْ، وَ أَلْقِ الرُّعْبَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَ أَنْزِلْ عَلَيْهِمْ رِجْزَكَ وَ تَقْتِمَكَ وَ بَأْسَكَ الَّذِي لَا تَرْدُدُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ.

٥) اللَّهُمَّ انْصُرْ جِيُوشَ الْمُسْلِمِينَ، وَ سَرَایاَهُمْ، وَ مُرَابِطِيهِمْ، حَيْثُ كَانُوا فِي مَسَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ، وَ لِمَنْ هُوَ لَآحِقٌ بِهِمْ

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلِ التَّقْوَى زَادَهُمْ، وَ الْجَنَّةَ مَآبَهُمْ، وَ الإِيمَانَ وَ الْحِكْمَةَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَ أُوْزِعُهُمْ أَنْ يَشْكُرُوا نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ، وَ أَنْ يُوْفُوا بِعَهْدِكَ الَّذِي عَاهَدْتَهُمْ عَلَيْهِ، إِلَهُ الْحَقِّ وَ خَالِقُ الْخَلْقِ، آمِينَ

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِمَنْ تُوْفَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ، وَ لِمَنْ هُوَ لَآحِقٌ بِهِمْ مِنْ بَعْدِهِمْ، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَرِيزُ الْحَكِيمُ.

٦) إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ إِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ يَنْهَا عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ^٢ اذْكُرُوا اللَّهَ يَذْكُرُكُمْ، فَإِنَّهُ ذَاكِرٌ لِمَنْ ذَاكَرَهُ، وَ سَلُوهُ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ فَضْلِهِ، فَإِنَّهُ لَا يَخِيبُ دَاعِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ دَعَاهُ.

(رَبَّنَا آتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ).^٣

اسناد خطبه سوم

این خطبه را از کتاب «خطب امیر المؤمنین» اثر زید بن وہب ج هنی نقل کرده اند؛ چرا که وی از اصحاب امام علی (ع) بوده و خطبه های جمعه آن حضرت را می نوشتند است. شیخ طوسی(ره) به صورت مرسل چنین نقل کرده اند : عن ابی

^١. الكهف، 17.

^٢. النحل، 90.

^٣. البقرة، 201.

^٤. طوسی، الفهرست، باب زید؛ برقي، رجال برقي، باب اصحاب امام علی (ع)؛ ابن داود، رجال، باب الزاد؛ حلی، الخلاصة، باب اصحاب علی (ع).

مخنف عن عبدالرحمن بن جندب عن أبيه عن علي (ع).^۱ شیخ صدوق هم با اختلاف اندکی در الفاظ خطبه، این خطبه را منسوب به امام علی (ع) دانسته اند.^۲ همچنین علامه مجلسی (ره)، حر عاملی (ره)، محمد باقر محمودی (ره) و سید صادق موسوی در آثار خودشان این خطبه را ذکر کرده اند.^۳

موضوعات خطبه سوم

این خطبه یکی از خطبه های کامل امام علی (ع) می باشد که در دو بخش نقل گردیده است. ولی راجع به اینکه در کدام شهر و در چه سالی ایراد شده، مدارکی یافت نگردید. این خطبه حاوی موضوعات زیر می باشد:

۱) حمد الهی، شهادت به وحدانیت خداوند و توضیح نسبتاً مفصلی راجع به انواع توحید خدا؛
۲) شهادت به رسالت پیامبر اکرم (ص)؛

۳) سفارش به تقوای الهی و پرهیز از دنیا دوستی و یادآوری احوال دنیا زدگان در اینکه گرفتار شهوت و لذات دنیا گردیده اند و نهایت سفارش به عبرت گرفتن از سرگذشت گذشتگان که چطور در دام دنیا گرفتار شده اند؛
۴) یاد آوری معاد و روز قیامت؛

۵) یاد آوری فضیلت روز جمعه (سید ایام، بافضیلت ترین اعیاد، به یاد خدا بودن، دعا خواندن و طلب غفران الهی کردن در این روز)؛

۶) وجوب نماز جمعه برای مومنین مگر برای بچه ها، زنان، بردگان، افراد مریض و سالخورده و کسانی که مسافر هستند؛

۷) سلام و درود فرستادن بر پیامبر (ص) و خاندان آن بزرگوار؛ درودی که به وسیله آن درجات آن بزرگواران رفیع و فضایل آنها آشکار گردد؛

۸) نفرین در حق کافران اهل کتاب و مشرکین و کسانی که از راه خدا روی گردانیده و آیات و پیامبران الهی را تکذیب می کنند؛

۹) دعا در حق زنده گان و مرده گان مومنین و مسلمانان (طلب بخشش برای گناهان و توفیق دوری از گناه، پیروزی لشکریان اسلام در مغرب و مشرق، توفیق کسب تقوای الهی و بجا آوردن عهد و پیمانهای الهی)؛

۱۰) تلاوت سوره توحید در آخر بخش اول خطبه و تلاوت آیات ۲۰۱ و ۲۰۰ سوره های مبارکه نحل و بقره در آخر بخش دوم خطبه.

خطبه چهارم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

^۱. طوسي، مصباح المتهجد، ص380.

^۲. صدوق، من لا يحضره الفقيه، باب وجوب صلاة الجمعة، ص270.

^۳. مجلسی، بحار الانوار، ج 18، ص237؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 19؛ محمودی، محمد باقر، نهج السعادة، ج 3، ص94؛ موسوی، سید صادق، تمام نهج البلاغه، ج 4، ص204-217.

١) {الْحَمْدُ لِلَّهِ، أَحْمَدُهُ وَأَسْتَعِينُ بِهِ، وَأَسْتَهْدِيهُ وَأُؤْمِنُ بِهِ، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ} وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْضَّلَالَةِ وَالرَّدِّي، مَنْ يَهْدِي اللَّهُ فَلَا مُضِلٌّ لَهُ، (وَمَنْ يُضْلِلُ فَلَا هَادِيَ لَهُ).^١
 ٢) وَأَشْهُدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ.
 ٣) وَأَشْهُدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ (بِالْهُدَى) وَدِينُ الْحَقِّ لِيُظْهِرُهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ).^٢
 إِنْتَجَبَهُ لِأَمْرِهِ، وَأَخْتَصَهُ بِنُبُوتِهِ . أَكْرَمُ خَلْقِهِ عَلَيْهِ، وَأَحَبَّهُمْ إِلَيْهِ
 فَبَلَغَ رِسَالَةَ رَبِّهِ، وَنَصَحَ لِأُمَّتِهِ، وَأَدَى الَّذِي عَلَيْهِ.
 ٤) [أُوصِيكُمْ، عِبَادَ اللَّهِ، بِتَقْوَى اللَّهِ، فَإِنَّهَا خَيْرٌ مَا تَوَاصَى الْعِبَادُ بِهِ ، وَأَقْرَبُهُ مِنْ رِضْوَانِ اللَّهِ ، وَخَيْرُ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ]^٣ وَ
 بِتَقْوَى اللَّهِ أُمِرْتُمْ، وَلِلإِحْسَانِ وَالطَّاعَةِ خُلِقْتُمْ.
 [فَاحْذَرُوا مِنَ اللَّهِ مَا حَذَرُوكُمْ مِنْ نَفْسِهِ، فَإِنَّهُ حَذَرَ بَاسًا شَدِيدًا ، وَاخْشُوهُ خَشِيَّةً لَيْسَتْ بِتَعْذِيرٍ . وَاعْمَلُوا لِلَّهِ فِي غَيْرِ رِيَاءِ وَلَا
 سُمْعَةٍ، فَإِنَّهُ مَنْ يَعْمَلُ لِغَيْرِ اللَّهِ يَكُلُّهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ إِلَى مَنْ عَمِلَ لَهُ] يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ يَعْمَلُ مُخْلِصًا لِلَّهِ يَتَوَلَّهُ اللَّهُ ثَوَابُهُ . وَ
 أَشْفَقُوا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ، فَإِنَّهُ لَمْ يَخْلُقُكُمْ عَبَادًا، وَلَمْ يَدَعْ شَيْئًا مِنْ أَمْرِكُمْ سُدِّيَ
 قَدْ سَمَّى آجَالَكُمْ، وَكَتَبَ آثَارَكُمْ، وَعَلِمَ أَسْرَارَكُمْ، وَأَحْصَى أَعْمَالَكُمْ
 ٥) فَلَا تَغْرِبُوا بِالدُّنْيَا فَإِنَّهَا تَقْرُ وَتَضُرُّ، غَرَّارَةً لِأَهْلِهَا، مَغْرُورٌ مَنْ اغْتَرَ بِهَا، وَإِلَى فَنَاءٍ مَا هُوَ عَلَيْهَا}.^٤
 [إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لَمْ يَرْضَهَا ثَوَابًا لِأَوْلَيَائِهِ، وَلَا عِقَابًا لِأَعْدَائِهِ.
 وَإِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا كَرَكِبَ بَيْنَا هُمْ حَلُوَا، إِذْ صَاحَ بِهِمْ سَاقِهِمْ فَرَحُلو]، (وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ).^٥
 ٦) أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ الْمُكَرَّ وَالْخَدِيَّةَ فِي النَّارِ، فَكُونُوا مِنَ اللَّهِ عَلَى وَجَلَّ، وَمِنْ صَوْتِهِ عَلَى حَذَرٍ
 إِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضِي لِعِبَادِهِ بَعْدِ إِعْذَارِهِ وَإِنْدَارِهِ إِسْتِطْرَادًا وَاسْتِدْرَاجًا مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ، وَلَهُذَا يُضْلِلُ سَعْيَ الْعَبْدِ حَتَّى يَنْسَى الْوَفَاءَ
 بِالْعَهْدِ، وَيَطْنَّ أَنَّهُ قَدْ أَحْسَنَ صُنْعًا.

١. الأعراف، 186.

٢. التوبة، 32؛ الصاف، 8.

٣. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 173 نهج البلاغة ذکر شده است.

٤. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 23 نهج البلاغة ذکر شده است.

٥. قسمت داخل { } در صفحه نه کتاب وقعة صفين به عنوان خطبه مرسقیل ذکر گردیده است.

٦. قسمت داخل قلاب [] در حکمت 415 نهج البلاغة ذکر شده است.

٧. غافر، 35.

وَ لَا يَرَالُ كَذِلِكَ فِي ظَنٍّ وَ رَجَاءٍ، وَ غَفْلَةٌ عَمَّا جَاءَهُ مِنَ النَّبَأِ، يَعْقِدُ عَلَى نَفْسِهِ الْعَقْدَ، وَ يَهْلِكُهَا بِكُلِّ جُهْدٍ، [وَ هُوَ فِي مُهَلَّةٍ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عَلَى عَهْدِهِ، يَهْوِي بِهَا مَعَ الْغَافِلِينَ، وَ يَغْدُو مَعَ الْمُذْنِبِينَ]١ وَ يُجَادِلُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ يَسْتَحْسِنُ تَمْوِيهَ الْمُتَرَفِّينَ فَهُوَ لَأَعْلَمُ قَوْمٌ شُرِحَتْ صُدُورُهُمْ بِالشُّبْهَةِ، وَ تَطَاوِلُوا عَلَى غَيْرِهِمْ بِالْفُرْقَةِ، وَ حَسِبُوا أَنَّهَا اللَّهُ قُرْبَةٌ، وَ ذَلِكَ لَأَنَّهُمْ عَمِلُوا بِالْهُوَى، وَ غَيْرُوا كَلَامَ الْحُكَمَاءِ، وَ حَرَفُوهُ بِجَهْلٍ وَ عَمَى، وَ طَلَبُوا بِهِ السُّمْعَةَ وَ الرِّيَاءَ ، بِلَا سَبِيلٍ قَاصِدٍ، وَ لَا إِمَامٌ قَائِدٌ، وَ لَا عِلْمٌ مُبِينٌ، وَ لَا دِينٌ مُتَبَّنٌ، وَ لَا أَعْلَامٌ جَارِيَةٌ، وَ لَا مَنَارٌ مَعْلُومٌ، إِلَى أَمْدِهِمْ، وَ إِلَى مَنْهَلِهِمْ وَارِدُوهُ .

[حَتَّىٰ إِذَا كَشَفَ اللَّهُ لَهُمْ عَنْ جَزَاءِ مَعْصِيَتِهِمْ، وَ اسْتَخْرَجَهُمْ مِنْ جَلَابِيبِ غَفْلَتِهِمْ، اسْتَقْبَلُوا مُذْبِراً، وَ اسْتَدْبَرُوا مُقْبِلاً، فَلَمْ يَتَنَفَّعُوا بِمَا أَذْرَكُوا مِنْ طَلَبِهِمْ، وَ لَا بِمَا قَضَوْا مِنْ وَطَرِهِمْ]٢، وَ صَارَ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ وَبِالْأَلْأَلِ، فَصَارُوا يَهْرُبُونَ مِمَّا كَانُوا يَطْلُبُونَ .

٧) فَإِنِّي أَحَذِّرُكُمْ وَ نَفْسِي هَذِهِ الْمُنْزَلَةُ، وَ آمِرُكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّذِي لَا يَفْعُلُ غَيْرَهُ .

[فَلَيَنْتَشِعُ امْرُؤٌ بِنَفْسِهِ إِنْ كَانَ صَادِقاً عَلَى مَا يُجِنُّ ضَمِيرُهُ ، فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمَعَ فَتَنَكَّرَ، وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ، وَ انتَفَعَ بِالْعِبْرِ، ثُمَّ سَلَكَ جَدَداً وَاضِحاً، يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي، وَ الضَّلَالَ فِي الْمَغَاوِي ، وَ لَا يُعِينُ عَلَى نَفْسِهِ الْعُوَاةَ، يَتَعَسَّفُ فِي حَقٍّ، أَوْ تَحْرِيفٍ فِي نُطْقٍ، أَوْ تَخْوِفُ مِنْ صِدْقٍ].^٣

٨) وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. قُولُوا مَا قيلَ لَكُمْ، وَ سَلَمُوا لِمَا رُوِيَ لَكُمْ، وَ لَا تَكَلَّفُوا مَا لَمْ تُكَلَّفُوا، فَإِنَّمَا تَبْعَثُ عَلَيْكُمْ فِيمَا كَسَبْتُ أَيْدِيكُمْ وَ لَفَظْتُ أَسْنِتُكُمْ، أَوْ سَبَقْتُ إِلَيْهِ غَيَّاتُكُمْ . وَ احْذِرُوا الشُّبْهَةَ، فَإِنَّهَا وُضِعَتْ لِلْفِتْنَةِ . وَ اقْصُدُوا السُّهُولَةَ . وَ اعْمَلُوا فِيمَا يَبْيَنكُمْ بِالْمَعْرُوفِ مِنَ الْقُولِ وَ الْفِعْلِ. وَ اسْتَعْمِلُوا الْخُضُوعَ، وَ اسْتَشْعِرُوا الْخُوفَ وَ الْإِسْتِكَانَةَ لِلَّهِ.

٩) وَ اعْمَلُوا فِيمَا يَبْيَنكُمْ بِالتَّوَاضِعِ وَ التَّنَاصُفِ، وَ التَّبَاذُلِ وَ كَظِيمِ الْغَيْظِ، فَإِنَّهَا وَصِيَّةُ اللَّهِ وَ إِيَّاكُمْ وَ التَّحَاسِدَ وَ الْأَحْقَادَ فِيمَا مِنْ فِعْلِ الْجَاهِلِيَّةِ

(وَلَنْتَنْتَرِ نَفْسٌ مَا قَدَّمْتُ لِغَدِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ).^٤

١٠) أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ هَلَكَ مِنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِرُكُوبِهِمُ الْمَعَاصِي ، وَ لَمْ يَنْهَمُ الْرَّبَّاَيُونَ وَ الْأَحْبَارُ عَنْ ذَلِكَ، فَإِنَّهُمْ لَمَّا تَمَادُوا فِي الْمَعَاصِي أَنْزَلَ اللَّهُ بِهِمُ الْعُقُوبَاتِ .

أَلَا فَأَمْرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهُوا عَنِ الْمُنْكَرِ قَبْلَ أَنْ يَنْزِلَ بِكُمُ الَّذِي نَزَلَ بِهِمْ .

١١) [أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ، إِنَّهُ مَنْ رَأَى عُدُوانًا يُعْمَلُ بِهِ، وَ مُنْكِرًا يُدْعَى إِلَيْهِ، فَانْكَرَهُ بِقَلْبِهِ فَقَدْ سَلِمَ وَ بَرِئَ . وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِلِسَانِهِ فَقَدْ أَجِرَ ، وَ هُوَ أَفْضَلُ مِنْ صَاحِبِهِ]

^١. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 153 نهج البلاغة ذكر شده است.

^٢. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 153 نهج البلاغة ذكر شده است.

^٣. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 153 نهج البلاغة ذكر شده است.

^٤. الحشر، 18.

وَمَنْ أَنْكَرَهُ بِالسَّيْفِ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَكَلِمَةُ الظَّالِمِينَ هِيَ السُّلْطَانِيَّ، فَذَلِكَ الَّذِي أَصَابَ سَبِيلَ الْهُدَى، وَقَامَ عَلَى الطَّرِيقِ،
وَنُورَ اللَّهُ فِي قَلْبِهِ الْيَقِينَ].^۱

(۱۲) أَلَا وَاعْلَمُوا [أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهَىٰ عَنِ الْمُنْكَرِ لِخُلُقَانِ مِنْ خُلُقِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ، وَأَنَّهُمَا لَا يُقْرَبَانِ مِنْ أَجَلٍ، وَلَا يَنْقُصَانِ
مِنْ رِزْقٍ].^۲

فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ كَقَطَرَاتِ الْمَطَرِ، إِلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا قُسِّمَ لَهَا مِنْ زِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانِ، فِي أَهْلٍ أَوْ مَالٍ
أَوْ نَفْسٍ.

(۱۳) فَإِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ غَيْرَةً فِي أَهْلٍ أَوْ مَالٍ أَوْ نَفْسٍ فَلَا تَكُونَ لَهُ فِتْنَةٌ، فَإِنَّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ مَا لَمْ يَغْشَ دَنَاءَةَ تَظْهَرُ فِي خَشْعَ
لَهَا، وَتُذَلِّهُ إِذَا ذُكِرَتْ لَهُ، وَيُغْرِي بِهَا لِئَامُ النَّاسِ، كَانَ كَالْفَالِجِ الْيَاسِرِ الَّذِي يَنْتَظِرُ أَوَّلَ فُوزَةٍ مِنْ قِدَاحِهِ، تُوجِبُ لَهُ الْمَغْنَمَ، وَيُرْفَعُ
عَنْهُ بِهَا الْمَغْرُمُ. وَكَذَلِكَ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ الْبَرِيءُ مِنَ الْخَيَانَةِ وَالْكِتَبِ يَنْتَظِرُ مِنَ اللَّهِ كُلَّ يَوْمٍ وَلَيْلَةً إِحْدَى الْحُسْنَيَّينِ:

(۱۴) إِمَّا دَاعِيَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، فَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لَهُ، وَ إِمَّا رِزْقُ اللَّهِ، فَإِذَا هُوَ ذُو أَهْلٍ وَ مَالٍ وَ مَعَهُ دِينُهُ وَ حَسْبُهُ.

(۱۵) أَلَا وَإِنَّ الْمَالَ وَالْبَنِينَ حَرَثُ الدُّنْيَا، وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ حَرَثُ الْآخِرَةِ، وَقَدْ يَجْمِعُهُمَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَقْوَامٍ.

(۱۶) أَيُّهَا النَّاسُ، اعْلَمُوا عِلْمًا يَقِيناً أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلْ لِلْعَبْدِ، وَإِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ، وَاشْتَدَّ طَلِبُتُهُ، وَقَوِيتْ مَكِيدُتُهُ، وَكُثُرتْ
نِكَائِنُهُ، أَكْثَرَ مِمَّا سُمِّيَ لَهُ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ.

وَلَمْ يَحُلْ بَيْنَ الْعَبْدِ فِي ضَعْفِهِ وَ قَلَّةِ حِيلَتِهِ، وَبَيْنَ أَنْ يَلْعَغَ مَا سُمِّيَ لَهُ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ.

(۱۷) أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّهُ لَنْ يَرْدَادَ أَمْرًا نَقِيرًا بِحَذْقِهِ، وَلَنْ يَنْتَقِصَ أَمْرًا نَقِيرًا بِحُمْقِهِ.

[وَالْعَارِفُ بِهَذَا، الْعَامِلُ بِهِ، أَعْظَمُ النَّاسِ رَاحَةً فِي مَنْفَعَةٍ. وَالتَّارِكُ لَهُ، الشَّاكُ فِيهِ، أَعْظَمُ النَّاسِ شُغْلًا فِي مَضَرَّةٍ.) وَرَبُّ مُنْعِمٍ عَلَيْهِ
مُسْتَدْرَجٌ بِالنُّعْمَى، وَرَبُّ مُبْتَلٍ مَصْنُوعٌ لَهُ بِالْبَلْوَى).^۳

فَرِدٌ، أَيُّهَا الْمُسْتَمِعُ، فِي شُكْرِكَ، وَأَبْقَى مِنْ سَعْيِكَ، وَقَصْرٌ مِنْ عَجَلَتِكَ، وَقِفْ عِنْدَ مُنْتَهِي رِزْقِكَ].^۴

(۱۸) يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ لَهُ تَبَارِكَ وَ تَعَالَى فِي كُلِّ نِعْمَةٍ حَقًا مِنَ الشُّكْرِ، فَمَنْ أَدَاهُ زَادَهُ اللَّهُ مِنْهَا، وَمَنْ قَصَرَ فِيهِ خَاطِرًا بِزَوَالِ نِعْمَتِهِ.
فَلِيَرَكُمُ اللَّهُ مِنَ النِّعْمَةِ وَجِلِينَ، كَمَا يَرَاكُمْ مِنَ النِّقْمَةِ فَرَقِينَ.

إِنَّهُ مَنْ وُسِّعَ عَلَيْهِ فِي ذَاتِ يَدِهِ فَلَمْ يَرَ ذَلِكَ اسْتِدْرَاجًا، فَقَدْ أَمِنَ مَخْوِفًا، وَمَنْ ضُيِّقَ عَلَيْهِ فِي ذَاتِ يَدِهِ فَلَمْ يَرَ ذَلِكَ اخْتِبَارًا، فَقَدْ
ضَيَّعَ مَأْمُولاً.

^۱. قسمت داخل قلاب [] در حکمت 373 نهج البلاغة ذکر شده است.

^۲. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 156نهج البلاغة ذکر شده است.

^۳. اشاره به آيات 182-183 از سوره مباركه اعراف.

^۴. قسمت داخل قلاب [] در حکمت 273 نهج البلاغة ذکر شده است.

١٩) فَأَفِقْ، أَيْهَا السَّامِعُ، مِنْ سَكْرَتِكَ، وَاسْتَيْقِظْ مِنْ غَفْلَتِكَ، وَاخْتَصِرْ مِنْ عَجَلَتِكَ، وَأَعْمِمِ الْفِكْرَ فِيمَا جَاءَكَ عَنِ اللَّهِ تَبَارِكَ وَتَعَالَى عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأَمِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِمَّا لَا بُدَّ مِنْهُ وَلَا مَحِيصَ عَنْهُ، وَخَالِفْ مَنْ خَالَفَ ذَلِكَ إِلَى غَيْرِهِ، وَدَعْهُ وَمَا رَضِيَ لِنَفْسِهِ، وَضَعْ فَخْرَكَ، وَاحْطُطْ كِبْرَكَ، وَادْكُرْ قُبْرَكَ، فَإِنَّ عَلَيْهِ مَرْكَ، وَإِلَيْهِ مَصِيرَكَ . وَكَمَا تُدِينُ تُدَانُ، وَكَمَا تَزَرَّعْ تَحْصُدُ، وَكَمَا تَصْنَعْ يُصْنَعْ بِكَ . وَمَا قَدَّمْتَ الْيَوْمَ تَقْدَمْ عَلَيْهِ لَا مَحَالَةَ غَدًا، فَامْهَدْ لِقَدَمِكَ، وَقَدْمِ لِيَوْمِكَ].^١

٢٠) فَلَيِنْفَعُكَ النَّظَرُ فِيمَا وُعِظْتَ بِهِ، وَعِ مَا سَمِعْتَ وَوُعِدْتَ بِهِ، فَقَدِ اكْتَنَفَكَ بِذَلِكَ حَصْلَتَانِ، وَلَا بُدَّ أَنْ تَقُومَ بِإِحْدَاهُمَا إِمَّا طَاعَةَ اللَّهِ تَقْوُمُ لَهَا بِمَا سَمِعْتَ .
وَإِمَّا حُجَّةَ اللَّهِ تَقْوُمُ لَهَا بِمَا عَلِمْتَ .

٢١) فَالْحَذَرَ، الْحَذَرَ، أَيْهَا الْمُسْتَمِعُ، وَالْجِدَ، الْجِدَ، أَيْهَا الْغَافِلُ .
الْحَذَرَ، الْحَذَرَ، أَيْهَا الْمَغْرُورُ، فَوَاللَّهِ لَقَدْ سَتَرَ حَتَّى كَانَهُ قَدْ غَفَرَ، (وَلَا يُنَيِّنُكَ بِمُلْ خَبِيرٍ).^٢

اسناد خطبه چهارم

آنچنان که در پاورقی متذکرشدایم بخش اول این خطبه در کتاب «وقعه صفين» اثر نصر بن مزاحم متقری ذکر شده است؛ لذا برای قسمتی که ازان کتاب نقل شده به دو طریق برخورد می کنیم.

نقل اول: عن أبي عبدالله سيف بن عمرو عن ولید بن عبدالله عن أبي طیبه عن أبيه عن علی (ع).^٣

نقل دوم: عن أبي عبدالله عن سليمان بن المغيرة عن علی بن الحسين (زين العابدين) عن علی (عليهمماالسلام).

اما راجع به میزان وثاقت شخص نصر بن مزاحم و احوال وی، در کتابهای رجالی چنین آمده است:

او ثقه و امرش صالح و طریقش مستقیم می باشد. همچنین برای وی کتابهایی چون نهروان، المناقب و... می باشد.^٤

اما راجع به بخش های دیگر این خطبه اسناد دیگری هم چنین نقل شده است:

١) شیخ طوسی (ره) چنین نوشه اند: عن أبي جعفر محمد بن الحسن بن علی عن احمد بن محمد بن الصلت الأهوazi عن احمد بن محمد بن سعید بن عبد الرحمن الحافظ عن محمد بن عیسی بن هارون بن سلام الضریر أبي بکر عن محمد بن زکریاالمکی عن کثیر بن طارق عن زید بن علی عن أبيه (امام السجاد) عن علی (عليهمماالسلام).^٥

٢) در کتاب امالی مفید (ره) چنین نقل شده است: عن احمد بن محمد عن أبيه محمد بن الحسن بن الولید القمي عن محمد بن الحسن الصفار عن العباس بن المعروف عن علی بن مهزیار - مرفوعاً - عن الصادق عن علی (عليهمماالسلام).^٦

^١. قسمت داخل قلاب [] در خطبه ١٥٣ نهج البلاغه ذکر شده است.

^٢. فاطر، ١٤.

^٣. نصر بن مزاحم، پیکار صفين، ترجمه: اتابکی، ص ١٢-١٣.

^٤. طوسی، اختیار معرفة الرجال؛ نجاشی، رجال نجاشی؛ حلی، خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، طوسی، فهرست کتب الشیعه و اصولهم، ابن داود، کتب الرجال، ماده نون.

^٥. طوسی، الامالی، ص ٧١٣.

^۳) در کتاب تنبیه الخواطر چنین آمده است: عن ابن جمهور، عن أبيه ، - مرفوعاً - عن الصادق عن علی (عليهم السلام).^۲

موضوعات خطبه چهارم

این خطبه اولین خطبه ایی می باشد که امام علی (ع) در شهر کوفه به عنوان خطبه جمعه ایراد فرموده اند . در مقایسه با خطبه های دیگر حضرت ، این خطبه ناقص می باشد و با دقت در موضوعات این خطبه ، چنین به نظر می رسد که تنها بخش اول خطبه نقل گردیده است . همچنین در اول خطبه چنین آمده که؛ این اولین خطبه ایی می باشد که حضرت در کوفه و مدینه ایراد فرموده اند ! در اولین نگاه با دیدن این مطلب ممکن است خواننده دچار سردرگمی بشود و لی اصل ماجرا این است که ؛ مخاطبین این خطبه هم اصحاب مدینه ایی امام(ع) بودند که در رکاب حضرت بودند و از شهر مدینه به همراه آن حضرت بعد از جنگ جمل وارد شهر کوفه شده بودند و هم خود اهالی شهر کوفه که در مصلی نماز جمعه حضور داشتند.^۳ اما موضوعات این خطبه به طور اجمال موارد زیر می باشد:

۱) حمد و ثنای الهی، شهادت به وحدانیت خداوند و پیامبری رسول اکرم(ص)؛

۲) دعوت به تقوای الهی ، ترس از خداوند و امید وار شدن به رحمت الهی؛

^۳) تذکرات اخلاقی (پرهیز از دنیا دوستی ، هواپرستی ، علاقه وافر به ثروت و اولاد و دل بستن به آنها، پرهیز از حسد ورزی بر همنوعان و معروف شدن، کظم غیظ نمودن، شکر گزاری بر نعمت های الهی و رعایت خضوع و خشوع در مقابل خداوند)؛

۴) امر به معرف و نهی از منکر کردن و عواقب تعطیلی این فریضه با تأکید بر عبرت آموزی از سرگذشت جوامعی که امر به معروف و نهی از منکر نمی کردند.

خطبه پنجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلْمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدُلُونَ) .^۴
لَا نُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا، وَ لَا تَنْخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيَّا .

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ، وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ، وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَعْرُجُ فِيهَا وَ هُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ)^۵. كَذَلِكَ اللَّهُ (لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ).^۶

^۱ . مفید، الامالی، ص207، حدیث 39.

^۲ . أبي فراس، تنبیه الخواطرو نزهة النواظر، ج 1، ص13.

^۳ . این مطلب را مترجم کتاب «وقعة صفين» در پاورپری صفحه ده همان کتاب بیان نموده اند.

^۴ . الانعام ، 1

^۵ . سباء ، 3-2.

^۶ . غافر، 3.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي (يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ أَنْ تَقْعُدُ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُوفٌ رَّحِيمٌ).
اللَّهُمَّ ارْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ، وَاعْمَمْنَا بِمَغْفِرَتِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَيْرَ مَقْنُوطٍ مِنْ رَحْمَتِهِ، وَلَا مَخْلُوٌّ مِنْ نِعْمَتِهِ، وَلَا مَأْيُوسٌ مِنْ مَغْفِرَتِهِ، وَلَا مُسْتَنْكَفٌ عَنْ عِبَادَتِهِ[١].

الَّذِي بِكَلِمَتِهِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ، وَاسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُ الْمَهَادُ، وَثَبَتَ الْجَبَلُ الرَّوَاسِيُّ، وَجَرَتِ الرِّيَاحُ الْلَّوَاقِحُ، وَسَارَ فِي جَوَّ السَّمَاءِ السَّحَابُ، وَقَامَتْ عَلَى حُدُودِهَا الْبَحَارُ.

بِتَلْرُكِ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. إِلَهُ قَاهِرٌ، ذَلَّ لَهُ الْمُتَعَزِّزُونَ، وَتَضَاءَلَ لَهُ الْمُتَكَبِّرُونَ، وَدَانَ لَهُ طَوْعًا وَكَرْهًا الْعَالَمُونَ.

نَحْمَدُهُ بِمَا حَمِدَ نَفْسَهُ وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَعْفِرُهُ وَنَسْتَهْدِيهِ، وَنَشْهُدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ يَعْلَمُ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَمَا تُجِنُّ الْبَحَارُ، وَمَا تُوَارِي الْأَسْرَارُ، (وَيَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَى وَمَا تَغْيِضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَرْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدُهُ بِمِقْدَارٍ)[٢].

وَمَا تُوَارِي مِنْهُ ظُلْمَةٌ، وَلَا تَغْيِبُ عَنْهُ غَائِبَةٌ (وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ)[٣]. وَيَعْلَمُ مَا يَعْمَلُ الْعَالَمُونَ، وَأَىْ مَجْرِيٍّ يَجْرُونَ، وَإِلَى أَىْ مُنْقَلْبٍ يَنْقَلِبُونَ.

(٢) وَنَشْهُدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَنَبِيُّهُ، وَرَسُولُهُ إِلَى خَلْقِهِ، وَأَمِينُهُ عَلَى وَحْيِهِ، قَدْ بَلَغَ رِسَالَاتِ رَبِّهِ، وَجَاهَدَ فِي اللَّهِ الْمُدْبِرِينَ عَنْهُ الْعَادِلِينَ بِهِ، وَعَبَدَ اللَّهَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ. صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

(٣) أُوصِيكُمْ [عِبَادَ اللَّهِ] وَنَفْسِي بِتَنَقْوِي اللَّهِ [الَّذِي لَا تَبْرُحُ مِنْهُ رَحْمَةً، وَلَا تُفْقَدُ لَهُ نِعْمَةً][٤] وَلَا يَسْتَغْنِي الْعِبَادُ عَنْهُ، وَلَا تَجْزِي أَنْعَمَةُ أَعْمَالُ الْعَالَمِينَ.

الَّذِي رَغَبَ فِي التَّقْوَى، وَرَهَدَ فِي الدُّنْيَا، وَحَدَّرَ مِنَ الْمَعْاصِي، وَتَغَرَّرَ بِالْبَقَاءِ، وَتَفَرَّدَ بِالْعِزَّةِ وَالْبَهَاءِ، وَذَلِكَ خَلْقَةُ الْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ وَجَعَلَ الْمَوْتَ غَايَةَ الْمَخْلُوقَيْنَ، وَسَبِيلَ الْعَالَمِينَ، وَمَعْقُودًا بِنَوَاصِي الْبَاقِيَنَ . لَا يُعْجِزُهُ إِبَاقُ الْهَارِبِينَ، وَعِنْدَ حُلُولِهِ يَأْسِرُ أَهْلُ الْهَوَى. يَهْدِمُ كُلَّ لَدَّةٍ، وَيُزِيلُ كُلَّ نِعْمَةٍ، وَيَقْطَعُ كُلَّ بَهْجَةٍ.

(٤) أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ [الْدُّنْيَا دَارٌ مُنْتَيٍّ لَهَا الْفَنَاءُ، وَلَا هُلُمْهَا مِنْهَا الْجَلَاءُ، فَكُلُّ مَا فِيهَا نَافِدٌ، وَكُلُّ مَنْ يَسْكُنُهَا بَائِدٌ، وَهِيَ حُلْوَةُ خَضِرَةٍ، وَقَدْ عَجَلَتْ لِلْطَّالِبِ، وَالْتَّبَسَتْ بِقَلْبِ النَّاظِرِ]. يَضِنُّ بِهَا ذُو التَّرْوِةِ الْضَّعِيفُ، وَيَجْتَوِيهَا الْوَجْلُ الْخَائِفُ .

١. الحج، 65.

٢. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 45 نهج البلاغة ذكر شده است.

٣. الرعد، 8.

٤. الأنعام، 59.

٥. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 45 نهج البلاغة ذكر شده است.

٦. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 45 نهج البلاغة ذكر شده است.

فَارْتَحِلُوا عَنْهَا ، يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ ، بِأَحْسَنِ مَا بِحَضْرَتِكُمْ مِنَ الرَّأْدِ ، وَلَا تَسْأَلُوا فِيمَا فَوْقَ الْكَفَافِ ، وَارْضَوْا مِنْهَا بِالْيَسِيرِ ، وَلَا تَطْلُبُوا مِنْهَا أَكْثَرَ مِنَ الْبَلَاغِ . وَكُونُوا كَسَفْرٍ نَزَلُوا مِنْهُ بِأَذْنِي ظِلٌّ ، ثُمَّ ارْتَحِلُوا لِشَانِهِمْ . وَلَا تَمْدُنَ أَعْيُنَكُمْ فِيهَا إِلَى مَا مُتَّعَ بِهِ الْمُتَرْفُونَ ، وَاسْتَهِنُوا بِهَا وَلَا تُوَطِّنُوهَا . وَأَصْرِرُوا بِأَنْفُسِكُمْ فِيهَا ، فَإِنَّ ذَلِكَ أَخْفَ لِلْحِسَابِ ، وَأَقْرَبُ مِنَ النَّجَاهِ . وَإِيَّاكُمْ وَالْتَّنَعُّمَ وَالْتَّلَهِيَّ وَالْفُكَاهَاتِ ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ غَفْلَةً وَاغْتِرَارًا .

(٥) أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَنَكَّرَتْ وَأَدْبَرَتْ ، وَاحْلَوْلَتْ وَآذَنَتْ بِوَدَاعٍ
أَلَا وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ رَحَلَتْ فَأَقْبَلَتْ ، وَأَظْلَلَتْ وَآذَنَتْ بِاطْلَاعٍ
أَلَا وَإِنَّ الْمِضْمَارَ الْيَوْمَ ، وَالسَّبَاقَ غَدًا .
أَلَا وَإِنَّ السَّبَقَةَ الْجَنَّةُ ، وَالْغَايَةَ النَّارُ .

أَفَلَا تَأْتِبُ مِنْ خَطِيئَتِهِ قَبْلَ يَوْمِ مَنْيَتِهِ؟
أَوْ لَا عَامِلٌ لِنَفْسِهِ قَبْلَ يَوْمِ بُؤْسِهِ وَفَقْرِهِ؟.
جَعَلَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِمَّنْ يَخَافُهُ ، وَيَرْجُو نَوَابَهُ .
أَلَا إِنَّ هَذَا يَوْمَ جَعَلَهُ اللَّهُ لَكُمْ عِيدًا ، وَجَعَلَكُمْ لَهُ أَهْلًا .

(٦) [وَ] إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبْلَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ صِيَامَهُ ، وَشَكَرَ قِيَامَهُ . وَكُلُّ يَوْمٍ لَا يُعْصِي اللَّهَ فِيهِ فَهُوَ يَوْمُ عِيدٍ . فَادْكُرُوا اللَّهَ يَذْكُرُكُمْ ، وَ
ادْعُوهُ يَسْتَحِبْ لَكُمْ ، وَاسْتَغْفِرُوهُ يَغْفِرْ لَكُمْ
وَأَدْوَا فِطْرَتَكُمْ ، فَإِنَّهَا سُنَّةُ نَبِيِّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، وَفَرِيضَةُ واجِبَةٌ عَلَيْكُمْ مِنْ رِبِّكُمْ .

(٧) فَلْيُخْرِجُهَا كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ مِنْ طَيْبِ كَسْبِهِ ، طَيْبَةً بِذَلِكَ نَفْسُهُ ، وَلْيُؤْدِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَعَنْ عِيَالِهِ كُلَّهُمْ ، ذَكَرِهِمْ وَأَشْأَهُمْ ، وَصَغِيرِهِمْ
وَكَبِيرِهِمْ ، وَحُرُّهِمْ وَمَمْلُوكِهِمْ ، عَنْ كُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ صَاعًا مِنْ بُرٍّ ، أَوْ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ ، أَوْ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ . (وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ
الْتَّقْوَى) .

(٨) وَأَطْبِعُوا اللَّهَ فِيمَا فَرَضَ عَلَيْكُمْ وَأَمْرَكُمْ بِهِ ، مِنْ إِقَامِ الصَّلَاةِ ، وَإِيتَاءِ الزَّكَةِ ، وَصَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ ، وَحَجَّ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ مِنْ
اسْتِطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا ، وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ ، وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَالْإِحْسَانِ إِلَى نِسَائِكُمْ ، وَمَمْلَكَتِ أَيْمَانِكُمْ .

(٩) وَأَتَقُوا اللَّهَ فِيمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ ، مِنْ قَذْفِ الْمُحْصَنَةِ ، وَإِتْيَانِ الْفَاحِشَةِ ، وَشُرْبِ الْخَمْرِ ، وَبَخْسِ الْمِكْيَالِ ، وَنَفْسِ الْمِيزَانِ ، وَشَهَادَةِ
الرُّورِ ، وَالْفِرَارِ مِنَ الزَّحْفِ .

(١٠) أَيُّهَا النَّاسُ ، إِنَّ يَوْمَكُمْ هَذَا يُثَابُ فِيهِ الْمُحْسِنُونَ ، وَيَخْسَرُ فِيهِ الْمُطْلُونَ ، وَهُوَ أَشْبَهُ يَوْمٍ بِيَوْمِ قِيَامِكُمْ .
فَادْكُرُوا بِخُرُوجِكُمْ مِنْ مَنَازِلِكُمْ إِلَى مُصَلَّكُمْ خُرُوجَكُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّكُمْ
وَادْكُرُوا بِوُقُوفِكُمْ فِي مُصَلَّكُمْ وُقُوفَكُمْ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّكُمْ .

وَاذْكُرُوا بِرُجُوعِكُمْ إِلَى مَنَازِلِكُمْ رَجُوعَكُمْ إِلَى مَنَازِلِكُمْ فِي الْجَنَّةِ أَوِ النَّارِ

١١) وَاعْلَمُوا، عِبَادَ اللَّهِ، أَنَّ أَدْنَى مَا لِلصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ، أَنْ يُنَادِيهِمْ مَلَكٌ فِي آخِرِ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ: أَبْشِرُوا، عِبَادَ اللَّهِ، فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكُمْ مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِكُمْ، فَانْظُرُوا كَيْفَ تَكُونُونَ فِيمَا تَسْتَأْنِفُونَ

عَصَمَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ بِالتَّقْوَى، وَجَعَلَ الْآخِرَةَ خَيْرًا لَنَا وَلَكُمْ مِنَ الْأُولَى ١٢) إِنَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ وَأَبْلَغَ مَوْعِظَةَ الْمُتَّقِينَ، كِتَابُ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ). بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ).^١

بخش دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

١) الحمد لله، أحمده و أستعينه و أؤمن به و أتوكل عليه، و أستهدي الله الهدى و أعود به من الضلاله و الردى، و أشهد أن لا إله إلّا الله فردا صمدا لم يتّخذ صاحبة و لا ولدا،

٢) وأشهد أن محمدا عبده و رسوله (صلى الله عليه و آله و سلم) [أرسله على حين فترة من الرّسل، و انقطاع من الوحي، و طموس من العلم]^٢ و دروس من معالم الهدى، فتصدع بوحيه، و جلا غمرات الظلم بنوره، و قمع مشرف الباطل بحقه، حتى أنار الإسلام، ووضحت الأحكام، فصلّى الله عليه و على آله و عليهم رحمة الله و بركاته.

٣) أوصيكم عباد الله بتقوى الله، و الاعتصام بوثائق عراها، و المواظبة على رعايتها، فإنّها جنة حصينة، و عقدة متينة، و غنية مغتنمة، قبل أن يحال بينكم وبينها، بانقطاع من الآجال، و حدوث من الزوال، و دنو من الانتقال،

فاذكروا من فارق الدنيا، و لم يأخذ منها فكاك رهنه و لا براءة أمنه، فخرج منها سليبا محسورا، قد أتعب الملائكة نفسه التي هي مطلعة عليها، و هو مسوّد وجهه، مزرقة عيناه، بادية عورته، يدعو باللويل و التبور، لا يرحم دعاؤه، و لا يفتر عنه من عذابها [شيء] (كذلك يجزى كلّ كفورا).^٣

٤) و اذكروا من فارق الدنيا و قد أخذ منها فكاك رهنه و براءة أمنه فخرج منها آمنا مرحوما موقفا معصوما، قد ظفر بالسعادة، و فاز بالخلود، و أقام بدار الحيوان، و عيشة الرضوان، حيث لا تنوب الفجائع، و لا تحل القوارع و لا تموت النّفوس، عطاوهم غير مجذوذ.^٤

^١. سورة التوحيد.

^٢. قسمت داخل قلاب [] با اختلاف اندکی در خطبه های 88 و 158 نهج البلاغة ذکر گردیده اند.

^٣. فاطر، 36.

اسناد خطبه پنجم

این خطبه از طرق متعددی نقل گردیده است:

۱) قال سید ابو طالب: أخبرنا أبوالعباس أحمد بن إبراهيم الحسني قال: حدثنا أحمد بن علي الكرخي قال: حدثنا أحمد بن محمد بن سلام يذكر عن إبراهيم بن سليمان حدثهم عن علي بن أسباط المقرى قال: حدثنا الحسن بن تلوبكري عن عبد الرحمن بن جندب بن عبدالله الأزدي عن أبيه قال: سمعت أمير المؤمنين علياً (ع) يخطب بهذه الخطبة يقول...^۱

۲) شیخ طوسی (ره) هم این خطبه را با اختلاف یک شخص در کتاب خویش آورده اند. بدین معنا که شیخ به روایت ابی مخفف
نقل کرده اند؛ نه عبد الرحمن بن جندب.^۲

۳) شیخ صدوق (ره) نیز با اختلاف اندکی در الفاظ، این خطبه را ذکر کرده اند.^۳

۴) شیخ زاهد و رام هم قسمتی از خطبه را بدون اشاره به ناقص بودن آن، این خطبه را ذکر کرده است.^۴

موضوعات خطبه پنجم

این خطبه یکی از خطبه های نماز عید فطر امام علی (ع) می باشد. در اینکه در چه سال و در کدام شهر ایراد شده؛ مدارکی را یافت نکردیم. بخش اول به صورت کامل نقل شده ولی بخش دوم به صورت ناقص ذکر شده است. موضوعات این خطبه به قرار زیر می باشد:

۱) حمد ثنای الهی با شمردن اوصاف، آیات و مخلوقات خداوند و اشاره به انواع توحید الهی؛

۲) شهادت به رسالت پیامبر اکرم (ص) و یادآوری زحمات آن بزرگوار برای اسلام مسلمین؛

۳) سفارش خود و مردم به تقوای الهی و ترس از عذاب خداوند و امیدواری به رحمت خداوند؛

^۱. شیخ صدوق (ره) در آخر این روایت چنین آورده است: سپس حضرت برای مومنین و مومنات دعا کردند و سپس این آیه شریفه را تلاوت فرمودند: ان الله يامر بالعدل و الاحسان...تا آخر آیه.

^۲. سید ابو طالب، تیسیر المطالب، باب ۱۴، حدیث ۲۶.

^۳. طوسی، مصباح المتهجد، ص 603-606.

^۴. صدوق، الامالی، مجلس ۲۱، ص ۵۴.

^۵. ورام، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، ص ۴۶۷.

۴) پرهیز از دنیا دوستی و دل بستن به آن و عواقب علاقه مندی به دنیا؛

۵) اهمیت و فضیلت روز عید فطر و مغتنم شمردن این روز برای آمرزیدن گناهان و بشارت دادن بر روزه داران؛ مبنی بر اینکه خداوند وعده آمرزش گناهان روزه داران را داده است؛

۶) ذکر حالات روزه داران و اینکه خد او ند چگونه با آنان معامله خواهد کرد. همچنین تشبيه روز عید فطر به روز قیامت؛ در اینکه خروج روزه داران از منازلشان به سوی مصلی، همانند خروج بدنها از قبرها به سوی پروردگار و قوفشان در مصلی همانند وقوفشان در مقابل پروردگار و بازگشتشان به سوی خانه‌های خود، همانند بازگشتشان به سوی بهشت یا جهنم می‌باشد.

۷) احیای فرایض الهی و سنت پیامبر اکرم (ص) با پرداخت زکات فطره و توصیه‌هایی ب رای شرایط زکات؛

۸) سفارش به جای آوردن فروعات دینی، مانند نماز، زکات، روزه ماه رمضان، زیارت خانه خدا، امر به معروف و نهی از منکر، احسان و خوش خلقی با خانواده؛

۹) توصیه جهت دور ماندن از رذایل اخلاقی، مانند: تهمت ناروا به زنان، اشایه فحشاء و منكرات، شرب خمر، کم فروشی، رعایت نکردن اعتدال در قضاوت و شهادت دروغ؛

۱۰) تلاوت سوره مبارکه توحید در آخر بخش اول خطبه.

خطبه ششم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱) أَللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. أَللَّهُ أَكْبَرُ وَلَلَّهِ الْحَمْدُ
الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَانَا، وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَوْلَانَا. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ
اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، زِيَّةُ عَرْشِهِ، وَرِضاً نَفْسِهِ، وَمِدادَ كَلِمَاتِهِ وَعَدَّدَ قَطْرِ سَمَوَاتِهِ، وَنُطْفَ بُحُورِهِ
وَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى، حَتَّى يَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا، إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ
اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا مُمْتَكِبًّا، وَإِلَهًا عَرِيزًا مُتَعَزِّزًا، وَرَحِيمًا عَطْوَفًا مُتَحَنَّنًا، يَقْبَلُ التَّوْبَةَ، وَيُقْبِلُ الْعَثْرَةَ، وَإِنَّ عَفْوَ بَعْدَ الْقُدْرَةِ لَا يَقْطُطُ مِنْ
رَحْمَةِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الضَّالُّونَ.
اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ حَنَانًا قَدِيرًا.
۲) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَسْتَهْدِيهُ
وَنَشْهُدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَسُولِهِ.

٣) (مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا)^١، (وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا).^٢

٤) أَوْ صِيكُمْ، عِبَادُ اللَّهِ، بِتَقْوَى اللَّهِ، وَكَثْرَةِ ذِكْرِ الْمَوْتِ، وَالْزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا الَّتِي لَمْ يَتَمَّمْ بِهَا مَنْ كَانَ فِيهَا قَبْلَكُمْ، وَلَنْ تَبْقَى لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِكُمْ، فَسَبِيلُ مَنْ فِيهَا سَبِيلُ الْمَاضِينَ مِنْ أَهْلِهَا.

٥) [أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَصَرَّمْتُ وَآذَنْتُ بِاِنْتِضَاءِ وَتَنَكَّرَ مَعْرُوفُهَا، وَأَدْبَرَتْ حَدَاءَ، فَهِيَ تَحْفِزُ بِالْفَنَاءِ سُكَّانَهَا، وَتَحْدُو بِالْمَوْتِ جِيرَانَهَا. وَقَدْ أَمَرَ مِنْهَا مَا كَانَ حُلُواً، وَكَدَرَ مِنْهَا مَا كَانَ صَفْواً، فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا سَمَّلَةٌ كَسَمَّلَةٍ إِلِيَّةٍ، أَوْ جُرْعَةٌ كَجُرْعَةٍ مَقْلَةٍ، لَوْ تَمَرَّزُهَا الصَّدِيقَانُ لَمْ يَنْفَعْ غُلَّةٌ بِهَا].

٦) فَأَزْمِعُوا ، عِبَادُ اللَّهِ، الرَّحِيلَ عَنْ هَذِهِ الدَّارِ الْمَقْدُورِ عَلَى أَهْلِهَا الرَّوَالُ []، الْمَمْنُوعُ أَهْلُهَا مِنْ دَوَامِ الْحَيَاةِ، الْمُذَلَّةِ فِيهَا أَنْفُسُهُمْ بِالْمَوْتِ، وَأَجْمَعُوا مُتَارِكَتَهَا، فَمَا مِنْ حَيٍّ يَطْمَعُ فِي الْبَقاءِ، وَلَا نَفْسٌ إِلَّا وَقَدْ أَذْعَنَتْ لِلْمُتُونِ .

٧) وَلَا يَغْلِبُنَّكُمْ فِيهَا الْأَمْلُ، وَلَا يَطْوِلُنَّ عَلَيْكُمُ الْأَمْدُ، فَتَقْسُو قُلُوبُكُمْ .
وَلَا تَغْتَرُوا بِالْمُنْيِ وَخُدُعِ الشَّيْطَانِ وَتَسْوِيفِهِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ، عَدُوكُمْ، حَرِيصٌ عَلَى إِهْلَكِكُمْ .

٨) تَعْبُدُوا لَهُ، عِبَادُ اللَّهِ، أَيَّامَ الْحَيَاةِ، [فَوَاللَّهِ لَوْ قَدْ حَنَّتْمُ حَنِينَ الْوَلَهِ الْعَجَالِ، وَدَعَوْتُمْ بِهَدِيلِ الْحَمَامِ، وَجَارُتُمْ جُؤَارَ مُتَبَّلِي الرُّهْبَانِ، وَخَرَجْتُمْ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ .

الْتِمَاسَ الْقُرْبَةِ إِلَيْهِ فِي ارْتِفَاعِ دَرَجَةِ عِنْدَهُ، أَوْ غُفرَانِ سَيِّئَاتِ أَحْصَنَتْهَا كُتُبُهُ وَ حَفَظَهَا رُسُلُهُ، لَكَانَ قَلِيلًا فِيمَا أَرْجُو لَكُمْ مِنْ ثَوَابِهِ، وَ أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِنْ عِقَابِهِ .

٩) وَتَالَّهِ لَوْ انْتَاثَتْ قُلُوبُكُمْ أَنْمِيَاثًا، وَسَالَتْ عَيُونُكُمْ مِنْ رَغْبَةٍ إِلَيْهِ أَوْ رَهْبَةٍ مِنْهُ دَمًا، ثُمَّ عُمِرْتُمْ فِي الدُّنْيَا مَا الدُّنْيَا بِاَقِيَةٍ عَلَى أَفْضَلِ اجْتِهَادٍ وَعَمَلٍ ، مَا جَزَتْ أَعْمَالُكُمْ عَنْكُمْ، وَلَوْلَمْ تُبْقُوا شَيْئًا مِنْ جُهْدِكُمْ، مَا قُمْتُمْ بِحَقِّ أَنْعُمَهُ عَلَيْكُمُ الْعِظَامِ، وَهُدَاهُ إِيَّاكُمْ لِلإِيمَانِ^٣، وَلَا اسْتَحْقَقْتُمْ جَنَّتَهُ وَلَا رَحْمَتَهُ، وَلَكِنْ بِرَحْمَتِهِ تُرْحَمُونَ، وَبِهُدَاهُ تَهْتَدُونَ، وَبِهِمَا إِلَى جَنَّتِهِ يَصِيرُ مِنْكُمُ الْمُقْسِطُونَ .

١٠) جَعَلَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ بِرَحْمَتِهِ مِنَ التَّائِبِينَ الْعَابِدِينَ الْأَوَّلِينَ .

١١) أَلَا وَإِنَّ هَذَا يَوْمٌ حُرْمَتُهُ عَظِيمَةٌ، وَبَرَكَتُهُ مَأْمُولَةٌ، وَالْمَغْفِرَةُ فِيهِ مَرْجُوَةٌ، فَأَكْثُرُوا ذِكْرَ اللَّهِ تَعَالَى، وَتَعَرَّضُوا لِشَوَابِهِ بِالتَّوْبَةِ، وَالْإِيمَانِ، وَالْخُضُوعِ، وَالْخُشُوعِ وَالتَّضَرُّعِ، فَإِنَّهُ يَقْبِلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ^٤ وَهُوَ الرَّحِيمُ الْوَدُودُ .

١٢) وَمَنْ ضَحَّى مِنْكُمْ فَلَيُضَحَّ بِجِدْعٍ مِنَ الضَّآنِ، وَلَا يُجْزِي عَنْهُ جِدْعٌ مِنَ الْمَعْزِ .

^١. الأحزاب، 71.

^٢. الأحزاب، 36.

^٣. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 52 نهج البلاغة ذكر شده است.

^٤. قسمت داخل [] در خطبه 52 نهج البلاغة ذكر شده است.

^٥. الشورى، 25.

[وَمِنْ تَنَامِ الْأَضْحِيَةِ اسْتِشْرَافُ أَذْنَهَا، وَسَلَامَةُ عَيْنِهَا، فَإِذَا سَلِّمَتِ الْأَذْنُ وَالْعَيْنُ سَلِّمَتِ الْأَضْحِيَةُ وَتَمَّتْ. وَلَوْ كَانَتْ عَصْبَاءُ الْقَرْنِ أَوْ تَجْرُّ رِجْلَهَا إِلَى الْمَنْسَكِ]^١ فَلَا تُجْزِي.

وَإِذَا ضَحَّيْتُمْ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعُمُوا، وَاهْدُوا، وَادْخُرُوا، وَاحْمِدُوا اللَّهَ عَلَى مَا رَزَقَكُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ.

(١٣) وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ، وَأَحْسِنُوا الْعِبَادَةَ، وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ بِالْقِسْطِ، وَارْغَبُوا فِيمَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ، وَأَدُوا مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ مِنَ الْجِهَادِ، وَالْحَجَّ، وَالصَّيَامِ، وَالصَّلَاةِ، وَالرَّكَأَةِ، وَمَعَالِمِ الإِيمَانِ، فَإِنَّ ثَوَابَ ذَلِكَ عَظِيمٌ لَا يَنْفَدُ، وَخَيْرُهُ جَسِيمٌ، وَتَرْكُهُ وَبَالُ لَا يَبْيَدُ.

(١٤) وَأَمْرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَأَنْهُوَا عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَعْيُنُوا الْمُضَعِيفَ، وَأَخْيُفُوا الظَّالِمَ، وَأَنْصُرُوا الْمَظْلُومَ، وَخُذُوا فَوْقَ يَدِ الْمُرْبِيبِ، وَأَحْسِنُوا إِلَى نِسَائِكُمْ وَمَا مَلَكُتُ أَهْلَكُمْ. وَاصْدُقُوا الْحَدِيثَ، وَأَدُوا الْأَمَانَةَ، وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ، وَكُونُوا قَوَامِينَ بِالْحَقِّ^٢. (وَأَوْفُوا بِالْمِكْيَالِ وَالْمِيزَانَ).

(وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَلَا تَغْرِنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرِّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغَرُورُ).^٣

(١٥) إِنَّ أَبْلَغَ الْمَوْعِدَةِ وَأَحْسَنَ الْقَصْصَ كَلَامُ اللَّهِ . أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدُ اللَّهِ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوَلَّ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ).^٤

بخش دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

١) الحمد لله نحمده و نستعينه و نستهديه و نستغفره و نؤمن به و نتوكل عليه، و نعوذ بالله من شرور أفسينا و من سيئات أعمالنا (من يهد الله فهو المهد و من يضل فلن يجد له ولئلا مرشدا).^٥

٢) وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، و أشهد أن محمدا عبد الله و رسوله صلوات الله عليه و سلامه و مغفرته و رضوانه

٣) اللهم صل على محمد عبدك و رسولك ونبيك صلاة تامة نامية زاكية ترفع بها درجته و تبين بها فضيلته، و صل على محمد و على آل محمد كما صليت و باركت على إبراهيم و على آل إبراهيم إنك حميد مجيد

^١. قسمت داخل قلاب [در خطبه 53 نهج البلاغة ذكر شده است.

^٢. هود، آية 85.

^٣. لقمان، 33.

^٤. سورة التوحيد.

^٥. الكهف، 17.

٤) اللَّهُمَّ عَذْبِ كُفَّارَ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِكَ وَيَجْحُودُونَ آيَاتِكَ وَيَكْذِبُونَ رَسْلَكَ، اللَّهُمَّ خَالِفْ بَيْنَ كَلْمَتَهُمْ، وَأَلْقِ الرُّعْبَ فِي قُلُوبِهِمْ وَأَنْزِلْ عَلَيْهِمْ رِجْزَكَ وَنَقْمَتَكَ وَبَأْسَكِ الَّذِي لَا تَرْدَهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرَمِينَ.

٥) اللَّهُمَّ انصُرْ جَيُوشَ الْمُسْلِمِينَ وَسَرَايَاهُمْ وَمَرَابِطِهِمْ حِيثُ كَانُوا فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمَنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَلَمَنْ هُوَ لَاحِقٌ بِهِمْ، وَاجْعَلْ التَّقْوَى زَادَهُمْ وَالْجَنَّةَ مَآبَهُمْ وَالْإِيمَانُ وَالْحِكْمَةُ فِي قُلُوبِهِمْ وَ(أَوْزِعُهُمْ أَنْ يَشْكُرُوا نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ)^١ وَأَنْ يَوْفُوا بِعَهْدِكَ الَّذِي عَاهَدْتَهُمْ عَلَيْهِ، إِلَهُ الْحَقِّ وَخَالِقُ
الْخَلْقِ آمِينَ.

٦) إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَا عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبُغْيِ، يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ^٢ اذْكُرُوا اللَّهَ
فَإِنَّهُ ذَاكِرٌ لِمَنْ ذَكَرَهُ وَاسْأَلُوهُ رَحْمَتَهُ وَفَضْلَهُ فَإِنَّهُ لَا يَخِيبُ عَلَيْهِ دَاعٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ دُعَاهُ (رَبَّنَا آتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ
حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ).^٣

اسناد خطبه ششم

١)شيخ صدوق (ره) با اختلاف اندک در الفاظ، این خطبه را در کتاب خود ذکر کرد اند، ولی اشاره ایی به روات این خطبه
نکرده اند.^٤

٢) شیخ طوسی (ره) هم به صورت مرسل چنین نقل کرده اند :عن أبي مخنف عن عبد الرحمن بن جنبد عن أبيه عن
على (ع).^٥ همچین مرحوم کاشف الغطا نیز با همین سند در مستدرک نهج البلاغه این خطبه را ذکر کرده اند.^٦

٣) شیخ مفید هم سند دیگری را چنین نقل کرده است :عن أبي عبید الله محمد بن عمران المرزبانی عن احمد بن محمد
المکی عن أبي العیناء عن محمد بن الحكم عن لوط بن يحيی عن الحارث بن كعب عن مجاهد عن على (ع).^٧

موضوعات خطبه ششم

^١. اقتباس از آیه ١٩، سوره نمل.

^٢. النحل، ٩٠.

^٣. البقره، ٢٠١.

^٤. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ١ ، باب ٧٩، حديث ٣١ .

^٥. طوسی، مصباح المتهجد، ٦٦٢.

^٦. کاشف الغطاء، مستدرک نهج البلاغه، ص ٩٨.

^٧. مفید، الأمالی، مجلس ٢٠، ص ١٥٩.

این خطبه هم یکی از خطبه های کامل نماز عید قربان می باشد که امام (ع) ایراد فرموده اند. نقل شده که خود حضرت قبل از شروع به نماز عید قربان، چندین مرتبه تکبیر فرموده اند و نماز عید را بدون اذان اقامه فرمودند.^۱ مولفه هایی که حضرت بدانها اشاره کرده اند به قرار زیر می باشند:

۱) تکبیر و تحمید خداوند و شهادت به وحدایت خداو رسالت پیامبر اکرم(ص)؛

۲) سفارش به تقوای الهی و همواره به یاد مرگ بودن؛

۳) تشویق مردم به زندگی زاهدانه، دل نبستن به دنیا و دوری از آرزوهای دنیا؛

۴) ترغیب مردم به علبدت خدا و ذکر تأثیرات مثبت آن در زندگی؛

۵) بیان فضیلت روز عید قربان و توصیه به توبه، انباه، خصوع، خشوع و تضرع به درگاه الهی و نهابت امیدوار شدن به رحمت خدا؛

۶) بیان فضیلت قربانی کردن در روز عید و شرایط قربانی و بجای آوردن حمد الهی؛

۷) تأکید بر اتیان هر چه بهتر فرایضی چون نماز، زکات، حج، جهاد، امریه معروف و نهی از منکر، شهادت عادلانه، کمک به مستضعفین، دوری جستن از افراد ستمکار، رفتار نیکو با خانواده، راستگویی، ادای امانت و فایی به عهد و درستکاری در معاملات؛

۸) سلام و صلوات بر پیامبر و آل پیامبر(ص)؛

۹) نفرین در حق کافران، مشرکین و منحرفین و دعا جهت پیروزی سپاهیان اسلام، و طلب رحمت و مغفرت برای مومنین و مومنات و مسلمین و مسلمات؛

۱۰) تلاوت سوره مبارکه توحید و آیات ۹۰ و ۲۰ از سوره های مبارکه نحل و بقره.

خطبه هفتم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱) الْحَمْدُ لِلَّهِ أَهْلُ الْحَمْدِ وَ وَلَيٌّ وَ مُنْتَهَى الْحَمْدِ وَ مَحَلُّهُ الْبَدِيعُ الْبَدِيعُ، الْأَجَلُ الْأَعْظَمُ، الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ

الْمُتَوَحِّدُ بِالْكَبِيرِ يَاءُ، وَ الْمُتَنَرِّدُ بِالْآَلَاءِ

^۱ طوسی، مصباح المتهجد، ص 306.

الْفَاعِلُ بِعَزَّهِ، وَ الْمُتَسَلِّطُ بِقُوَّهِ، الْمُمْتَنِعُ بِقُوَّتِهِ، الْمُهُمَّهُ يُمِنُ بِقُدْرَتِهِ، وَ الْمُتَعَالِي فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ بِجَبَرِوْتِهِ، الْمُحْمُودُ بِامْتِنَانِهِ وَ إِحْسَانِهِ
الْمُتَفَضِّلُ بِعَطَايَهِ وَ جَزِيلُ فَوَائِدِهِ، الْمُوْسِعُ بِرِزْقِهِ، الْمُسْبِغُ بِنِعَمِهِ.

نَحْمَدُهُ عَلَى تَظَافِرِ الْآيَةِ، وَ تَظَاهِرِ نَعْمَائِهِ، حَمْدًا يَزِنُ قَدْرَ كِبْرِيَائِهِ، وَ عَظَمَةَ جَلَالِهِ.

وَ أَشْهُدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ الَّذِي كَانَ فِي أَوْلَيَتِهِ مُتَقَادِمًا، وَ فِي دِيْمُومَيَتِهِ مُتَسَيِّطًاً.

خَصَّ الْخَلَائِقُ لِوَحْدَانَيْتِهِ وَ رُبُوبِيَّتِهِ وَ قَدِيمِ أَرْبَيْتِهِ، وَ دَانُوا لِدَوَامِ أَبَدِيَّتِهِ

(۲) وَ أَشْهُدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ خَيْرُهُ مِنْ خَلْقِهِ

إِخْتَارَهُ بِعِلْمِهِ، وَ اصْطَفَاهُ لِوَحْيِهِ، وَ اتَّسْمَنَهُ عَلَى سِرِّهِ، وَ ارْتَضَاهُ لِخَلْقِهِ، وَ اتَّدَبَهُ لِعَظِيمِ أَمْرِهِ، وَ إِضَاءَةِ مَعَالِمِ دِينِهِ، وَ مَنَا هِيجُ سَبِيلِهِ، وَ جَعَلَهُ مِفْتَاحَ وَحْيِهِ، وَ سَبَبَا لِرَحْمَتِهِ.

[إِبْتَعَثَهُ عَلَى حِينِ فَتْرَةِ مِنَ الرُّسُلِ، وَ اخْتِلَافِ مِنَ الْمِلَلِ]^۱ وَ هَدَأَةِ مِنَ الْعِلْمِ، وَ ضَلَالِ عَنِ الْحَقِّ، وَ جَهَالَةِ بِالرَّبِّ، وَ كُفْرِ بِالْبَعْثِ وَ الْوَعْدِ.

أَرْسَلَهُ إِلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، بِكِتَابٍ كَرِيمٍ قَدْ فَضَّلَهُ وَ فَصَّلَهُ، وَ بَيَّنَ نَهْ وَ أَوْضَحَهُ وَ أَعْزَهُ، وَ حَفَظَهُ مِنْ أَنْ يَأْتِيهِ (۲)
الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدِيهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ.^۲

(۳) ضَرَبَ لِلنَّاسِ فِيهِ الْأَمْثَالَ، وَ صَرَفَ [لَهُمْ] فِيهِ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَعْقِلُونَ.

وَ أَحَلَّ فِيهِ الْحَالَ، وَ حَرَمَ فِيهِ الْحَرَامَ، وَ شَرَعَ فِيهِ الدِّينَ لِعِبَادِهِ عُذْرًا وَ نُذْرًا، (لَئِنَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ) ^۳، وَ يَكُونَ (بِلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ).^۴

فَبَلَغَ رِسَالَتَهُ، وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِهِ، وَ عَبَدَهُ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ.

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

^۱. قسمت داخل قلب [] در خطبه های 88 و 158 نهج البلاغة ذکر گردیده اند.

^۲. فصلت، 42.

^۳. النساء، 165.

^۴. الانبياء، 106.

(٤) [أَمَّا بَعْدُ، أُوصِيكُمْ، عِبَادَ اللَّهِ، وَأُوصِي نَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ] ^١ الْعَظِيمُ الَّذِي ابْتَدَأَ الْأُمُورَ بِعِلْمِهِ، وَإِلَيْهِ يَصْبِرُ عَدَا مَعَادُهَا، وَبِيَدِهِ فَنَاؤُهَا، وَتَصَرُّمُ أَيَّامِكُمْ، وَفَنَاءُ آجَالِكُمْ، وَانْقِطَاعُ مُدَّتِكُمْ

(٥) أَيُّهَا النَّاسُ، أَحَدُكُمُ الدُّنْيَا وَالْإِغْتِرَارُ بِهَا، فَكَانَهَا قَدْ زَالَتْ عَنْ قَلْبِكُمْ كَمَا زَالَتْ عَمَّنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، فَاجْعُلُوهَا، عِبَادَ اللَّهِ، اجْتِهَادُكُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا التَّرَوْدُ مِنْ يَوْمِهَا الْقَصِيرِ لِيَوْمِ الْآخِرَةِ الطَّوِيلِ، فَإِنَّهَا دَارُ عَمَلٍ وَابْتِلَاءٍ، وَالْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ وَجَزَاءٍ

(٦) تَرَصَّدُوا مَوَاعِيدَ الْأَجَالِ، وَبَاشِرُوهَا بِمَحَاسِنِ الْأَعْمَالِ، وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى ذَخَائِرِ الْأَمْوَالِ فَتُحَلِّلُكُمْ خَدَائِعُ الْأَمْلِ.

(٧) يَا أَيُّهَا النَّاسُ، [فَإِنِّي أَحَدُكُمُ الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا حُلُوةٌ خَصِّرَةٌ حُفْتُ بِالشَّهْوَاتِ، وَتَحَبَّبَتْ بِالْعَاجِلَةِ، وَرَاقَتْ بِالْقَلِيلِ، وَتَحَلَّتْ بِالْآمَالِ، وَتَزَيَّنَتْ بِالْغُرُورِ.]

لَا تَدُومُ حَبْرُهُنَا، وَلَا تُؤْمِنُ فَجْعَتُهُنَا، حَدَّاءَهُ صَرَّاعَةُ، غَدَارَهُ غَرَارَةُ، مَكَارَهُ ضَرَّارَةُ، حَيْلَةُ زَائِلَةُ، نَافِدَةُ بَائِعَةُ، أَكَالَةُ غَوَّالَةُ.] ^٢

أَنْهَارُهَا لَامِعَةُ، وَتِمَارُهَا يَانِعَةُ، ظَاهِرُهَا سُرُورُ، وَبَاطِنُهَا غُرُورُ.

تَأَكُلُكُمْ بِأَضْرَاسِ الْمَنَايَا، وَتُبْنِيُكُمْ بِأَتْلَافِ الرَّزَائِيِّ

[وَأَحَدُكُمُ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا مَنْزِلُ قُلْعَةٍ، وَلَيْسَتْ بِدَارٍ نُجْعَةٍ، قَدْ تَزَيَّنَتْ بِغُرُورِهَا، وَغَرَّتْ بِزِينَتِهَا]. ^٣

وَ[هَىَ دَارُ مَمَّ لَا دَارُ مَقَرٌ وَالنَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ: رَجُلٌ بَاعَ نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا.

وَرَجُلٌ ابْتَاعَ نَفْسَهُ فَأَعْنَقَهَا]. ^٤

لَ[قَدْ] هَمَّ بِهَا أُولَادُ الْمَوْتِ، وَآثَرُوا زِينَتَهَا، وَطَلَبُوا رُتبَتَهَا.

يَا أَهْلَ الْغُرُورِ، مَ دَارٍ هَانَتْ عَلَى رِبَّهَا فَخَلَطَ حَلَالَهَا بِحَرَامِهَا، وَخَيْرُهَا بِشَرَّهَا، وَحَيَاةُهَا بِمَوْتِهَا، وَحُلُونَا بِمُرُونَا.

لَمْ يُصْفِهَا اللَّهُ - سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى - لَا وَلِيَاهُ، وَلَمْ يَضِنْ بِهَا عَلَى أَعْدَائِهِ

خَيْرُهَا زَهِيدٌ، وَشَرُّهَا عَنِيدٌ، وَجَمِيعُهَا يَنْفَدُ، وَمُلْكُهَا يُسْلَبُ، وَعَامِرُهَا يَخْرُبُ^١، وَلَذَّتُهَا قَلِيلَةٌ، وَحَسْرُتُهَا طَوِيلَةٌ.

^١. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 111 نهج البلاغة ذكر شده است.

^٢. قسمت داخل در قلاب [] در خطبه 111 كتاب نهج البلاغة ذكر شده است.

^٣. قسمت داخل در قلاب [] در خطبه 113 كتاب نهج البلاغة ذكر شده است.

^٤. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 133 نهج البلاغة ذكر شده است.

تَشُوبُ نَعِيْمَهَا بِيُوْسٍ، وَ تَقْرَنُ سُعُودَهَا بِنُحُوسٍ، وَ تَصِلُّ نَفْعَهَا بِضُرٍّ، وَ تَنْزِجُ حُلُوهَا بِمُرٍّ.

فَمَا خَيْرُ دَارٍ تُنَفَّضُ نَقْضُ الْبَنَاءِ، وَ عُمْرٌ يَفْنِي فَنَاءَ الزَّادِ، وَ مُدَّةٌ تَنْقِطُعُ اِنْقِطَاعُ السَّيَّرِ؟!

[لَا تَعْدُ الدُّنْيَا، إِذَا تَنَاهَتْ إِلَى أُمْنِيَّةِ أَهْلِ الرَّغْبَةِ فِيهَا، وَ الرِّضَا بِهَا، الْمُحِبِّينَ لَهَا،

الْمُطْمَئِنِينَ إِلَيْهَا، الْمَفْتُونِينَ بِهَا، أَنْ تَكُونَ كَمَا قَالَ اللَّهُ - سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى - : (كَمَاءِ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَاصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوْهُ الرِّيَاحُ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقتَدِرًا).

(٨) لَمْ يَكُنْ اَمْرُؤُ مِنْهَا فِي حَبْرَةٍ إِلَّا أَعْقَبَتْهُ بَعْدَهَا عَبْرَةً، وَ لَمْ يَلْقَ فِي سَرَائِهَا بَطْنًا إِلَّا مَنَحْتَهُ مِنْ ضَرَائِهَا ظَهْرًا، وَ لَمْ تَطْلُهُ فِيهَا دِيمَةً رَخَاءً إِلَّا هَنَّتْ عَلَيْهِ مُزْنَةٌ بَلَاءً.

وَ حَرَىٰ إِذَا أَصْبَحَتْ لَهُ مُنْتَصِرَةً أَنْ تُمْسِيَ لَهُ خَادِلَةً مُتَنَكِّرَةً، وَ إِنْ جَانِبٌ مِنْهَا أَعْدَوْذَبَ لَامِرِيٍّ وَ احْلَوْلِيٍّ، أَمَرَ عَلَيْهِ مِنْهَا جَانِبٌ فَأَوْبِيٍّ.

لَا يَنَالُ اَمْرُؤٌ مِنْ غَضَارَتِهَا رَغْبَاً إِلَّا أَرْهَقَتْهُ مِنْ نَوَائِهَا تَعْبًا، وَ لَا يُمْسِي اَمْرُؤٌ مِنْهَا فِي جَنَاحٍ أَمْنٍ إِلَّا أَصْبَحَ عَلَى قَوَادِمِ خَوْفٍ، أَوْ تَغَيَّرَ نِعْمَةً أَوْ زَوَالِ عَافِيَّةً.

غَرَّارَةُ، غُرُورٌ مَا فِيهَا. فَانِيَّةُ، فَانِ منْ عَلَيْهَا].^٣

(٩) [أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّمَا أَنْتُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غَرَضٌ تَتَنَضَّلُ فِيْكُمُ الْمُنَايَا، وَ مَا لَكُمْ فِيهَا نَهْبٌ لِلْحُنُوفِ وَ تَبَادِرُهُ الْمَصَابِ.

مَعَ كُلِّ جَرْعَةٍ مِنْهَا شَرَقٌ، وَ فِي كُلِّ أَكْلَةٍ مِنْهَا غَصَصٌ

لَا تَنَالُونَ مِنْهَا نِعْمَةً تَفَرَّحُونَ بِهَا إِلَّا بِفَرَاقِ أُخْرَى تَكْرُهُونَهَا، وَ لَا يُعْمَرُ مَعْمَرٌ مِنْكُمْ يَوْمًا مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا بِهَدْمٍ آخَرَ مِنْ أَجَلِهِ، وَ لَا تُجَدَّدَ لَهُ زِيَادَةٌ فِي أَكْلِهِ إِلَّا بِنَفَادِ مَا قَبْلَهَا مِنْ رِزْقٍ، وَ لَا يَحْيَا لَهُ أَثْرٌ إِلَّا مَاتَ لَهُ أَثْرٌ، وَ لَا يَتَجَدَّدُ لَهُ جَدِيدٌ إِلَّا بَعْدَ أَنْ يَخْلُقَ لَهُ جَدِيدٌ، وَ لَا تَقُومُ لَهُ نَابِتَةٌ إِلَّا وَ تَسْقُطُ مِنْهُ مَحْصُودَةً].^٤

لَا خَيْرٌ فِي شَيْءٍ مِنْ أَرْوَادِهَا إِلَّا التَّقْوِي. فَنَحْنُ أَعْوَانُ الْمُنْوِنِ، وَ أَنْفُسُنَا نَصْبُ الْحُنُوفِ، وَ تَسُوقُنَا إِلَى الْفَنَاءِ

^١. قسمت داخل درقلاب [] در خطبه 113 كتاب نهج البلاغة ذكر شده است.

^٢. الكف، 45.

^٣. قسمت داخل درقلاب [] در خطبه 111 كتاب نهج البلاغة ذكر شده است.

^٤. قسمت داخل درقلاب [] در خطبه 145 كتاب نهج البلاغة ذكر شده است.

فِينَ أَئِنَّ نَرْجُو الْبَقَاءَ وَهَذَا اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ لَمْ يَرْفَعَا مِنْ شَيْءٍ شَرْفًا، إِلَّا أَسْرَعَا الْكَرَّةَ فِي هَدْمِ مَا بَيْنَا، وَتَفْرِيقَ مَا جَمِعَا . [مَنْ أَقْلَى مِنْهَا اسْتَكْثَرَ مِمَّا يُؤْمِنُهُ، وَمَنْ اسْتَكْثَرَ مِنْهَا اسْتَكْثَرَ مِمَّا يُوبِقُهُ، وَزَالَ عَمَّا قَلِيلٍ عَنْهُ. كُمْ مِنْ وَاثِقٍ بِهَا قَدْ فَجَعَتْهُ، وَذِي طَمَانِيَّةٍ إِلَيْهَا قَدْ صَرَعَتْهُ، وَذِي احْتِيَالٍ فِيهَا قَدْ خَدَعَتْهُ، وَذِي أُبَهَّهُ فِيهَا قَدْ جَعَلَتْهُ حَقِيرًا، وَذِي نَخْوَةٍ قَدْ رَدَتْهُ ذَلِيلًا، وَذِي تَاجٍ قَدْ أَكْبَتْهُ لِلْيَدِيَّنِ وَلِلْفَمِ. سُلْطَانُهَا دُولٌ، وَعِيشُهَا رَبَقٌ، وَصَفْوُهَا كَدْرٌ، وَعَذْبُهَا أَجَاجٌ، وَحَلْوُهَا صَبَرٌ، وَغِذَاوَهَا سِيمَامٌ ، وَأَسْبَابُهَا رَمَامٌ، وَقِطَافُهَا سَلَعٌ. حَيَّهَا بَعْرَضٌ مَوْتٌ، وَصَحِيحُهَا بَعْرَضٌ سُقْمٌ، وَآمِنُهَا بَعْرَضٌ خَوْفٌ، وَمَنْيَهَا بَعْرَضٌ اهْتِضَامٌ .

وَمُلْكُهَا مَسْلُوبٌ، وَعَزِيزُهَا مَغْلُوبٌ، وَضَيْفُهَا مَتْلُوبٌ، وَمَوْفُورُهَا مَنْكُوبٌ، وَجَارُهَا مَحْرُوبٌ].^١

ثُمَّ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ سَكْرَةُ الْمَوْتِ وَرِزْقُهُ، وَهُوَلُ الْمُطَلَّعِ، وَالْوُقُوفُ بَيْنَ يَدَيِ الْحَكَمِ الْعَدْلِ، (لِيَجِزِيَ الَّذِينَ أَسَوَّا بِمَا عَمِلُوا وَيَجِزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى).^٢

(١٠) فَاتَّقُوا اللَّهَ - عَزَّ ذِكْرُهُ - ، وَسَارِعُوا إِلَى رِضْوَانِهِ، وَالْعَمَلِ بِطَاعَتِهِ، [وَ] [اجْعَلُوا مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلَبِكُمْ، وَاسْأَلُوهُ مِنْ أَدَاءِ حَقَّهِ مَا سَأَلَكُمْ.]

أَطْلُبُوا الْخَيْرَ وَأَهْلَهُ، وَاعْلَمُوا أَنَّ خَيْرًا مِنَ الْخَيْرِ مُمْطَلِّيَهِ، وَشَرًا مِنَ الشَّرِّ فَاعْلُمُهُ . وَأَسْمِعُوا دَعْوَةَ الْمَوْتِ آذَانَكُمْ قَبْلَ أَنْ يُدْعِيَ بِكُمْ].^٣

(١١) وَقَدْ مَضَتْ أُصُولُ نَحْنُ فُرُوعُهَا، فَمَا بَقَاءُ فَرْعَ بَعْدَ ذَهَابِ أَصْلِهِ ؟!. الْسُّتُّمْ تَرَوْنَ وَتَعْلَمُونَ أَنَّكُمْ فِي مَسَاكِنِ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، أَطْلُوَلَ مِنْكُمْ أَعْمَارًا وَأَبْقَى آثَارًا، وَأَبْعَدَ آمَالًا، وَأَعْدَدَ عَدِيدًا، وَأَكْتَفَ جُنُودًا، وَأَشَدَّ غُنُودًا .

تَعَبَّدُوا لِلَّدُنْنِيَا أَىَّ تَعَبِّدُ، وَنَزَلُوا بِهَا أَىَّ نُزُولٍ، وَآتَرُوهَا أَىَّ إِيَّثَارٍ، ثُمَّ ظَاهَرُوا عَنْهَا بِالْكُرْهِ وَالصَّغَارِ، خَيْرٌ زَادَ مُبْلَغٌ، وَلَا ظَاهِرٌ قَاطِعٌ

(١٢) فَهَلْ بَلَغَكُمْ أَنَّ الدُّنْيَا سَخَّتْ لَهُمْ نَفْسًا بِفِدِيَّةِ، أَوْ أَغْرَيَتْ عَنْهُمْ فِيمَا قَدْ أَمْلَأْتُهُمْ بِخَطْبٍ، أَوْ أَعَانَتْهُمْ بِمَعْوَنَةِ، أَوْ أَحْسَنَتْ لَهُمْ صُحبَةَ بَلْ قَدْ أَرْهَقَتْهُمْ بِالْقَوَادِحِ، وَأَوْهَنَتْهُمْ بِالْقَوَارِعِ، وَضَعَضَعَتْهُمْ بِالنَّوَائِبِ، وَعَقَرَتْهُمْ بِالْمَصَابِ، وَعَفَرَتْهُمْ لِلْمَنَاحِ، وَوَطَئَتْهُمْ بِالْمَنَاسِ، وَأَعَانَتْ عَلَيْهِمْ رَيْبَ الْمُنُونِ.

^١. قسمت داخل درقلاب [] در خطبه ١١١ كتاب نهج البلاغة ذكر شده است.

^٢. النجم، 31.

^٣. قسمت داخل درقلاب [] در خطبه ١١٣ كتاب نهج البلاغة ذكر شده است.

فَقَدْ رَأَيْتُمْ تَنَكِّرَهَا لِمَنْ دَانَ لَهَا وَأَجَدَ إِلَيْهَا، وَآثَرَهَا وَأَخْلَدَهَا، حِينَ ظَغَنُوا عَنْهَا لِفَرَاقِ الْأَبْدِ إِلَى آخِرِ الْمُسْنَدِ. وَهَلْ زَوَّدْتُهُمْ إِلَى السَّعْبَ، أَوْ أَحَلَّتُهُمْ إِلَى الضَّنْكَ، أَوْ نَوَّرَتْ لَهُمْ إِلَى الظُّلْمَةِ، أَوْ أَعْقَبَتُهُمْ إِلَى النَّدَاءِ مَهَّ. أَفَهُدِهِ تُؤْثِرُونَ، أَمْ إِلَيْهَا تَطْمَئِنُونَ، أَمْ عَلَيْهَا تَحْرِصُونَ، أَمْ فِيهَا تَرْغَبُونَ.

(١٣) يَقُولُ اللَّهُ - جَلَّ مِنْ قَائِلٍ - (مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّتَهَا نُوفٌ إِلَيْهِمْ أَعْمَالُهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُخْسُونَ * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَ حِطَّ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ باطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ).^١

(١٤) فَبَيْسَتِ الدَّارِ لِمَنْ لَمْ يَتَهِمْهَا، وَلَمْ يَكُنْ فِيهَا عَلَى وَجَلٍ مِنْهَا . فَاعْلَمُوا، عِبَادَ اللَّهِ، وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ، بِإِنْكُمْ لَا بُدَّ تَارِكُوهَا، وَظَاهِرُونَ عَنْهَا، فَإِنَّمَا هِيَ لَهُوَ وَلَعِبٌ كَمَا وَصَفَهَا اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ ، وَقَالَ: (اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَاماً وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ).^٢

[وَ اتَّعِظُوا فِيهَا بِالَّذِينَ قَالَ [لَهُمُ] اللَّهُ - تَعَالَى - (أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبُثُونَ * وَتَسْخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ * وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَارِينَ).^٣

وَ اتَّعِظُوا فِيهَا بِالَّذِينَ قَالُوا: (مَنْ أَشَدُّ مِنَ قُوَّةً)^٤ وَ اتَّعِظُوا بِإِخْوَانِكُمُ الَّذِينَ حُمِلُوا إِلَى قُبُورِهِمْ فَلَا يُدْعَوْنَ رُكْبَانًا، وَأُنْزِلُوا الْأَجْدَاثَ فَلَا يُدْعَوْنَ ضِيقَانًا، وَجُعِلَ لَهُمْ مِنَ الصَّفَيْحِ أَجْنَانًا، وَمِنَ التَّرَابِ أَكْفَانًا، وَمِنَ الرُّفَاتِ جِيرَانًا، فَهُمْ جِيرَةٌ لَا يُجِيبُونَ دَاعِيًّا، وَلَا يَمْنَعُونَ ضَيْمًا، وَلَا يُبَالُونَ مَنْدَبَةً.^٥

(١٥) وَ اعْتَبِرُوا بِمَنْ قَدْ رَأَيْتُمْ مِنْ إِخْوَانِكُمْ مَنْ صَارُوا فِي التُّرَابِ رَمِيمًا، إِنْ جَيِدُوا لَمْ يَفْرَحُوا، وَإِنْ قُحِطُوا لَمْ يَقْنُطُوا. جَمِيعٌ وَهُمْ آحَادٌ وَجِيرَةٌ وَهُمْ أَبْعَادٌ، مُتَدَانُونَ لَا يَتَنَازَرُونَ وَقَرِيبُونَ لَا يَتَقَارُبُونَ. حُلَمَاءٌ قَدْ ذَهَبَتْ أَضْغَانُهُمْ، وَجُهَلَاءٌ قَدْ مَاتَتْ أَحْقَادُهُمْ.

لَا يُخْشِى فَجْعُهُمْ، وَلَا يُرجِي دَفْعُهُمْ.

^١. هود، 15-16.

^٢. الحديد، 20.

^٣. الشعرا، 128-130.

^٤. فصلات، 15.

^٥. قسمت داخل در قلاب [] در خطبه 111 کتاب نهج البلاغة ذکر شده است.

فَهُمْ كَمَنْ لَمْ يَكُنْ، وَكَمَا قَالَ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - (فَتَلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَيْلًا وَ كُنَّا نَحْنُ الْوَارِثُينَ) ١.

١٦ إِسْتَبْدَلُوا بِظَهَرِ الْأَرْضِ بَطْنًا، وَ بِالسَّعَةِ ضيقًا، وَ بِالْأَهْلِ وَحْدَةً، وَ بِالْأُنْسِ غُرْبَةً، وَ بِالنُّورِ ظُلْمَةً، فَجَاءُوهَا كَمَا فَارَقُوهَا حُفَّةً عُرَاءً فُرَادَى.

غَيْرَ أَنَّ [هُمْ] قَدْ ظَعَنُوا عَنْهَا بِأَعْمَالِهِمْ إِلَى الْحَيَاةِ الدَّائِمَةِ، وَ الدَّارِ الْبَاقِيَةِ، وَ إِلَى خُلُودِ الْأَبَدِ، كَمَا قَالَ اللَّهُ - سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى - (كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَ عَدَا عَلَيْنَا إِنَّا كُلُّ فَاعِلِينَ) ٢.

١٧ يَا ذَوِي الْحِيلِ وَ الْأَرَاءِ، وَ الْفِقْهِ وَ الْأَنْبَاءِ، اذْكُرُوا مَصَارِعَ الْآباءِ، فَكَانُوكُمْ بِالْفُؤُوسِ قَدْ سُلِّبْتُمْ، وَ بِالْأَبْدَانِ قَدْ عُرِيْتُمْ، وَ بِالْمَوَارِيثِ قَدْ قُسِّمْتُ، فَتَصْبِيرُ يَا ذَا الدَّلَالِ، وَ الْهَمَةِ وَ الْجَمَالِ، إِلَى مَنْزَلَةِ شَعْثَاءِ، وَ مَحَلَّةِ غَيْرَاءِ، فَتَنَوَّمْ عَلَى خَدْكَ فِي لَحْدِكَ، فِي مَنْزِلٍ قَلَ زُوَارَهُ، وَ مَلَّ عُمَالَهُ، حَتَّى يُشَقَّ عَنِ الْقُبُورِ، وَ تُبْعَثَ إِلَى التُّشُورِ

١٨ فَإِنْ خُتِمَ لَكَ بِالسَّعَادَةِ صِرْتَ إِلَى الْحُبُورِ، وَ أَنْتَ مَلِكُ مُطَاعٍ، وَ آمِنٌ لَا تُرَاعُ، يَطُوفُ عَلَيْكَ وَلْدَانٌ كَانُوكُمُ الْجُمَانُ ، بِكَأسٍ مِنْ مَعِينٍ، بَيْضَاءَ لَذَّةِ لِلشَّارِبِينَ.

أَهْلُ الْجَنَّةِ فِيهَا يَتَّسِّمُونَ، وَ أَهْلُ النَّارِ فِيهَا يُعَذَّبُونَ.

هُوَلَاءِ فِي السُّنْدُسِ وَ الْحَرِيرِ يَتَبَخَّرُونَ، وَ هُوَلَاءِ فِي الْجَحِيمِ وَ السَّعِيرِ يَتَقَبَّلُونَ

هُوَلَاءِ تُحْشِي جَمَاجِمُهُمْ بِمِسْكِ الْجِنَانِ، وَ هُوَلَاءِ يُضْرِبُونَ بِمَقَامِ الْبَيْانِ

هُوَلَاءِ يُعَاقِبُونَ الْحُورَ فِي الْحِجَالِ، وَ هُوَلَاءِ يُطْوِقُونَ أَطْوَاقًا فِي النَّارِ بِالْأَغْلَالِ

يَا مَنْ يُسَلِّمُ إِلَى الدُّودِ وَ يُهْدِي إِلَيْهِ، اعْتَبِرْ بِمَا تَسْمَعُ وَ تَرَى، وَ قُلْ لِعِيْنِكَ تَجْفُو لَذَّةَ الْكَرْيِ، وَ تُفِيْضُ الدُّمُوعَ بَعْدَ الدُّمُوعِ تَتَرَى .

بَيْتُكَ، الْقَبْرُ، بَيْتُ الْأَهْوَالِ وَ الْبَلِى، وَ غَايَتُكَ الْمَوْتُ، يَا قَلِيلَ الْحَيَاةِ

إِسْمَعْ يَا ذَا الْغَفَلَةِ وَ التَّنْصُرِيفِ، مِنْ ذَوِي الْوَعْظِ وَ التَّعْرِيفِ

جُعِلَ يَوْمُ الْحَشْرِ يَوْمُ الْعَرْضِ وَ السُّؤَالِ، وَ الْحَبَاءِ وَ النَّكَالِ

يَوْمُ تُقْلَبُ فِيهِ أَعْمَالُ الْأَنْامِ، وَ تُحْصَى فِيهِ جَمِيعُ الْأَثَامِ

١. الفصل، 58.

٢. الانبياء، 104.

يَوْمَ تَذُوبُ مِنَ النُّفُوسِ أَحْدَاقُ عُيُونَهَا، وَتَضَعُ الْحَوَالُ مَا فِي بُطُونَهَا، وَيُفَرَّقُ بَيْنَ كُلِّ نَفْسٍ وَحَبِيبَهَا، وَيَحَارُ فِي تِلْكَ الْأَهْوَالِ عَقْلُ لَبِيبَهَا.

إِذْ تَنَكَّرَتِ الْأَرْضُ بَعْدَ حُسْنِ عِمَارَتِهَا، وَتَبَدَّلَتِ الْخَلْقُ بَعْدَ أَنْيَقِ زَهْرَتِهَا، وَأَخْرَجَتِ مِنْ مَعَادِنِ الْغَيْبِ أَنْقَالَهَا، وَنَفَضَتِ إِلَى اللَّهِ أَحْمَالَهَا.

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الْجِدُّ، إِذَا عَانَفُوا الْهَوْلَ الشَّدِيدَ فَاسْتَكَانُوا، وَعُرِفَ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَاسْتَبَانُوا.

فَانشَقَتِ الْقُبُورُ بَعْدَ طُولِ انْطِبَاقِهَا، وَاسْتَسْلَمَتِ النُّفُوسُ إِلَى اللَّهِ بِأَسْبَابِهَا، وَكُشِّفَ عَنِ الْآخِرَةِ غِطَاوُهَا، وَظَهَرَ لِلْخَلْقِ أَبْيَاهُهَا. فَدَكَّتِ الْأَرْضُ دَكَّاً دَكَّاً، وَمُدَّتِ الْأَمْرُ يُرَادُ بِهَا مَدَّاً مَدَّاً . وَاشْتَدَّ الْمُتَارُونَ إِلَى اللَّهِ شَدَّاً شَدَّاً . وَتَزَاحَفَتِ الْخَلَائِقُ إِلَى الْمَحْشَرِ زَحْفًا زَحْفًا . وَرُدَّ الْمُجْرِمُونَ عَلَى الْأَعْقَابِ رَدًا رَدًا.

وَجَدَ الْأَمْرُ، وَيَحْكَ يَا إِنْسَانُ، جَدًا جَدًا . قُرْبُوا لِلْحِسَابِ فَرْدًا فَرْدًا . (وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًا صَفًا)،

١٩) يَسْأَلُهُمْ عَمَّا عَمِلُوا حَرْفًا . فَجَئُهُمْ عِرَاءَ الْأَبْدَانِ، خُشَّعًا أَبْصَارُهُمْ، أَمَامُهُمُ الْحِسَابُ، وَمِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ، يَسْمَعُونَ زَفِيرَهَا، وَبَرَوْنَ سَعِيرَهَا.

فَلَمْ يَجِدُوا نَاصِرًا وَلَا وَلِيًّا يُجِيرُهُمْ مِنَ الذُّلِّ، فَهُمْ يَعْدُونَ سِرَاعًا إِلَى مَوَاقِفِ الْحَسْرِ يُسَاقُونَ سَوْقًا.

(فَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَاتٌ بِيَمِينِهِ كَطَى السَّجْلُ لِلْكُتُبِ).^٢

٢٠) وَالْعِبَادُ عَلَى الصِّرَاطِ وَجَلَتْ قُلُوبُهُمْ، يَظْهُونَ أَنْهُمْ لَا يَسْلَمُونَ، وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَتَكَلَّمُونَ، وَلَا يُقْبَلُ مِنْهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ، قَدْ خُتِمَ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ، وَاسْتُطُعَتْ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.

يَا لَهَا مِنْ سَاعَةٍ، مَا أَسْجَأَ مَوَاقِعَهَا مِنَ الْقُلُوبِ، حِينَ مُيَزَّ بَيْنَ الْفَرِيقَيْنِ: (فَرِيقٌ فِي الْجَرَّ، وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ).^٣

مِنْ مِثْلِ هَذَا فَلَيَهُبِ الْهَارِبُونَ. وَإِذَا كَانَتِ الدَّارُ الْآخِرَةُ، فَلَهَا [فَلْ] يَعْمَلُ الْعَالِمُونَ.

٢١) [أَيُّهَا النَّاسُ، الزَّهَادَةُ قِصْرُ الْأَمْلِ، وَالشُّكْرُ عِنْدَ النَّعْمِ، وَالْوَرَعُ عَنِ الْمَحَاجِرِ].

^١. الفجر، 21.

^٢. اقتباس از آیه 104 سوره مبارکه انبیاء.

^٣. الشورى، 7.

فَإِنْ عَزَبَ ذَلِكَ عَنْكُمْ فَلَا يَغْلِبُ الْحَرَامُ صَبْرَكُمْ؛ وَلَا تَنْسَوْا عِنْدَ النَّعْمٍ شُكْرَكُمْ^١

فَقَدْ أَعْذَرَ اللَّهُ - سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى - إِلَيْكُمْ بِحُجَّجٍ مُسْفِرَةٍ ظَاهِرَةٍ، وَ كُتُبٍ بَارِزَةٍ الْعُذْرُ وَاضِحَّةٌ^٢.

[إِنَّ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا تَبْكِي قُلُوبُهُمْ وَ إِنْ ضَحِكُوا، وَ يَشْتَدُّ حُزْنُهُمْ وَ إِنْ فَرِحُوا، وَ يَكْثُرُ مَقْتُهُمْ أَنْفُسُهُمْ وَ إِنْ اغْتَطُوا بِمَا رُزِّقُوا].^٣

(٤٢) فَاحْذَرُوا مَا حَذَرَكُمُ اللَّهُ، وَ اتَّفَعُوا بِمَوَاعِظِهِ، وَ اعْتَصِمُوا بِحَلِيلِهِ. عَصَمَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ بِطَاعَتِهِ، وَ رَزَقَنَا وَ إِيَّاكُمْ أَدَاءَ حَقَّهِ.

[نَسَأْلُ اللَّهَ - سُبْحَانَهُ - أَنْ يَجْعَلَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِمَّنْ لَا تُبْطِرُهُ نِعْمَةٌ، وَ لَا تُنَقْصِرُ بِهِ عَنْ طَاعَةِ رَبِّهِ غَايَةٌ، وَ لَا تَنْحُلُ بِهِ بَعْدَ الْمَوْتِ نَدَاءَةٌ وَ لَا كَآبَةٌ].^٤

إِنَّهُ لَطَيِّفٌ لِمَا يَشَاءُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

(٤٣) ثُمَّ إِنَّ أَحْسَنَ الْقَصَصِ، وَ أَبْلَغَ الْمَوْعِظَةِ، وَ أَنْفَعَ التَّذَكَّرِ كِتَابُ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - ، قَالَ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - (وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَصْبِرُوا لَعَلَّكُمْ تُرَحَّمُونَ).^٥

أَسْتَعِذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . وَ الْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ . إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبَرِ).^٦

(إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلِّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُوا عَلَيْهِ وَ سَلُّمُوا تَسْلِيماً).^٧

(٤٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَحَنَّنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ وَ سَلَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً الْوَسِيلَةَ، وَ الشَّرَفَ وَ الْفَضْيَلَةَ، وَ الْمُنْزَلَةَ الْكَرِيمَةَ

^١. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 81 نهج البلاغة ذكر شده است.

^٢. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 113 نهج البلاغة ذكر شده است.

^٣. قسمت داخل قلاب [] در خطبه 64 نهج البلاغة ذكر شده است.

^٤. الأعراف، 204.

^٥. سورة العصر.

^٦. الأحزاب، 56.

اللَّهُمَّ اجْعِلْ مُحَمَّداً وَآلَّ مُحَمَّدٍ أَعْظَمَ الْخَلَائِقِ كُلَّهُمْ شَرَفًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَأَوْجَهُهُمْ مِنْكَ مَقْعُدًا، وَأَقْرَبَهُمْ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَاهًا، وَأَفْضَلَهُمْ عِنْدَكَ مَنْزَلَةً وَنَصِيبًا.

اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً أَشْرَفَ الْمَقَامِ، وَ حِبَاءَ السَّلَامِ
اللَّهُمَّ وَالْحِقُّنَا بِهِ غَيْرَ خَرَائِيَا وَ لَا نَاكِبِينَ، وَ لَا نَادِمِينَ وَ لَا مُبَدِّلِينَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ
وَ صَلَّى اللَّهُ وَسَلَّمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَخْيَارِ، الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَرَهُمْ تَطْهِيرًا.

بخش دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

۱) الحَمْدُ لِلَّهِ أَحَقٌ مَنْ خُشِيَ وَ حُمِدَ، وَأَفْضَلُ مَنِ اتَّقَى وَ عِبَدَ، وَأَوْلَى مَنْ عُظِمَ وَ مُجَدَّدَ
نَحْمَدُهُ لِعَظِيمِ غَنَائِهِ، وَ جَزِيلِ عَطَائِهِ، وَ تَظَاهِرُ نَعْمَائِهِ، وَ حُسْنِ بَلَائِهِ، وَ تُؤْمِنُ بِهُدَاهُ الَّذِي لَا يَخْبُو ضِيَاؤُهُ، وَ لَا يَتَهَمَّدُ سَنَاؤُهُ، وَ لَا
يُوَهَنُ عُرَاؤُهُ.

وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سُوءِ الرَّيْبِ، وَ ظُلْمِ الْفَقَنِ، وَ نَسْتَغْفِرُهُ مِنْ مَكَابِسِ الذُّنُوبِ، وَ نَسْتَغْفِرُهُ مِنْ مَسَاوِيِ الْأَعْمَالِ، وَ مَكَارِهِ الْأَمَالِ، وَ
الْهُجُومِ فِي الْأَهْوَالِ، وَ مُشَارِكَةِ أَهْلِ الرَّيْبِ، وَ الرَّضَا بِمَا يَعْمَلُ الْفُجَارُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ.

۲) اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، الَّذِينَ تَوَفَّتَهُمْ عَلَى دِينِكَ وَ مِلَةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ حَسَنَاتِهِمْ، وَ تَجَاوِزْ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةَ وَالْمَغْفِرَةَ وَالرَّضْوَانَ.

وَ اغْفِرْ لِلْأَحْيَاءِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، الَّذِينَ وَحَدُوكَ وَ صَدَّقُوكَ رَسُولَكَ، وَ تَمَسَّكُوا بِدِينِكَ، وَعَمِلُوا بِفَرَائِضِكَ، وَ اقْتَدَ وَا
بِنَبِيِّكَ، وَسَنُوا سُنْتَكَ، وَأَحْلَوْ حَلَائِكَ وَ حَرَّمُوا حَرَاماًكَ، وَ خَافُوا عِقَابَكَ، وَ رَجَوْ ثَوَابَكَ، وَ وَالْوَالِدُوْ أُولَيَاءِكَ، وَ عَادُوا أَعْدَاءِكَ،
وَأَدْخِلُهُمْ بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.

اسناد خطبه هفتم

این خطبه هم با اختلاف اندکی در بعضی از الفاظ خطبه، به چند طریق در کتابهای حدیثی چنین نقل گردیده است:

(۱) شیخ طوسی (ره) چنین نقل کرده اند: عن أبي جعفر محمد بن الحسن بن علی عن الحسین بن عبیدالله عن [علی بن محمد بن العلوی] عن محمد بن موسی الرقی عن علی بن محمد بن أبي القاسم عن أَحْمَدَ بْنَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عن عبد العظیم بن عبد الله الحسنه عن أبيه عن أبان مولی زید بن عاصم بن بهدلله عن شریح القاضی عن علی (علیه السلام).^۲

(۲) کلینی (ره) چنین نقل کرده اند: عن علی بن إبراهیم عن أبيه عن الحسن بن محبوب عن محمد بن النعمان و غیره عن جعفر الصادق عن علی (علیهم السلام).^۳

موضوعات خطبه هفتم

این خطبه هم یکی از خطبه های کامل روز جمعه امام ع لی (ع) می باشد. محور اصلی این خطبه -علاوه بر آنچه که به صورت تکرار در بقیه خطبه ها ذکر می شود- آفات دنیا دوستی و آلوده شدن به دنیا می باشد. حضرت در چندین مورد با عبارت «أَحَذَرُكُمْ» مردم را از آفات دنیا طلبی آگاه می کند. همچنین در این راستا مخاطبین را به عبرت گر فتن از سرگذشت انسانهایی که گرفتار دامهای دنیا گردیده اند، فرا خوانده است. و نهایتا نمازگزاران را به زندگی زاهدانه و انجام اعمال صالح دعوت کرده است.

خطبه هشتم

بسم الله الرحمن الرحيم

(۱)... أَيُّهَا النَّاسُ سَبَعَ مَصَائِبٍ عَظَامٍ - نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْهَا - : عَالَمٌ زَلَّ، وَ عَابِدٌ مَلَّ، وَ مُؤْمِنٌ خَلَّ، وَ مُؤْنَفٌ غَلَّ وَ غَنِيٌّ أَقْلَ، وَ عَزِيزٌ ذَلَّ، وَ فَقِيرٌ أَعْلَ. ^۴

(۲) قال [أمیر المؤمنین علیه السلام]: إِنَّ قَلْوَبَكُمْ جَاءَتِ بِقَاتِ خِصَالٍ: أَوْلَاهَا أَنْكُمْ عَرَفْتُمُ اللَّهَ فَلَمْ تَؤْدُوا حَقَّهُ كَمَا أَوْجَبَ عَلَيْكُمْ فَمَا أَغْنَتْتُمْ عَنْكُمْ مَعْرِفَتَكُمْ شَيْئًا، وَ الثَّانِيَةُ أَنْكُمْ آمَنْتُمْ بِرَسُولِهِ ثُمَّ خَالَفْتُمُ سُنْنَتَهُ وَ أَمْتَمْ شَرِيعَتَهُ، فَأَيْنَ ثَمَرَةُ

^۱. شیخ صدوق قسمت داخل قلاب [] را علی بن محمد بن العلوی معرفی کرده است.

^۲. طوسی، الأمالی، ص ۶۶۴.

^۳. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۴۸-۱۵۰.

^۴. در کتاب نهج السعادة چنین ذکر شده که: بعد از آن که فرمایشات حضرت به اینجا رسید، فردی از میان جمیعت بلند شده و خطاب به حضرت می کند؛ یا علی تو قبله ما به هنگام گمراهیمان هستی و نور در ضلماتمان و لکن از قول خداوند می پرسم که فرمود: أُدْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُمْ (غافر، ۶۰). حال اینکه ما خدا را می خوانیم ولی خداوند دعای ما را اجابت نمی کند! سپس حضرت موانع عدم استجابت دعا را فرمودند.

إِيمانكُمْ وَالثَّالثةُ أَنْكُمْ قرأتُمْ كتابَهُ المُنْزَلَ عَلَيْكُمْ فَلِمْ تَعْمَلُوا بِهِ، وَقَلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطْعَنَا ثُمَّ خَالَقْتُمْ.

وَالرَّابِعَةُ أَنْكُمْ قلتمْ: إِنْكُمْ تَخَافُونَ مِنَ النَّارِ وَأَنْتُمْ فِي كُلِّ وَقْتٍ تَقْدُمُونَ عَلَيْهَا بِمَعاصِيكُمْ فَأَيْنَ خَوْفَكُمْ وَالخَامِسَةُ أَنْكُمْ قلتمْ: إِنْكُمْ تَرْغَبُونَ فِي الْجَنَّةِ وَأَنْتُمْ فِي كُلِّ وَقْتٍ تَفْعَلُونَ مَا يَبْاعِدُكُمْ مِنْهَا فَأَيْنَ رَغْبَتُكُمْ فِيهَا وَالسَّادِسَةُ أَنْكُمْ أَكَلْتُمْ نَعْمَ اللَّهُ وَلَمْ تَشْكُرُوا عَلَيْهَا.

وَالسَّابِعَةُ أَنَّ اللَّهَ أَمْرَكُمْ بِعِدَادِ الشَّيْطَانِ وَقَالَ: (إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا)^۱ فَعَادُتِمُوهُ بِالْقَوْلِ وَالْيَتِمُوهُ بِالْمُخَالَفَةِ.

وَالثَّامِنَةُ أَنْكُمْ جَعَلْتُمْ عَيُوبَ النَّاسِ نَصْبَ أَعْيُنِكُمْ، وَعَيُوبَكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ تَلَوُمُونَ مِنْ أَنْتُمْ أَحَقُّ بِاللَّوْمِ مِنْهُ فَأَيْ دُعَاءٍ يَسْتَجِيبُ لَكُمْ مَعَ هَذَا وَقَدْ سَدَدْتُمْ أَبْوَابَهَا وَطَرَقْتُهَا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلَحُوا أَعْمَالَكُمْ وَأَخْلَصُوا سَرَائِرَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَانْهَا عنِ الْمُنْكَرِ فَيَسْتَجِيبُ اللَّهُ لَكُمْ دُعَاءَكُمْ

مصادر خطبه هشقة

این خطبه هم در کتابهای متعدد همچون تنییه الخواطر، بحار الانوار، مستدرک الوسائل به صورت ناقص نقل گردیده است.^۲

موضوعات خطبه هشتم

این خطبه یکی دیگر از خطبه های نماز جموعه حضرت علی (ع) می باشد که به طور ناقص نقل گردیده است. قسمت اعظم خطبه نقل نشده است ولی با این حال حاوی نکات بسیار مفید اخلاقی و کلامی می باشد. چنانکه قبلًا مذکور شدایم در بین خطبه موانع استجابت دعا از حضرت پرسیده شده است و حضرت هم به موارد عدم استجابت واستجابت دعا اشاره کرده اند. اینک خلاصه ایی از موضوعات این خطبه:

۱) در بخش اول حضرت مصیبتهایی را که ممکن است به هر کسی روی آورد، از آنها به خدا پناه برده اند. مصیبتهایی مانند: عالمی که بلغزد، عابدی که از عبادت- خسته گردد، مومنی که فقیر گردد، ثروتمندی که مفلس گردد، عزیزی که خوار و ذليل شود و فقیری که بیمار گردد؛

۲) در بخش دوم خطبه، امام (ع) خطاب به مردم موانع اجابت دعا را هشت خصلت و بیماری قلبی دانسته اند و چنین فرموده اند که:

۱-۲) ای مردم! شما خدا را شناختید ولی حقوق خداوند را ادا نکردید!

^۱. فاطر، ۶.

^۲. أبي فراس، تنییه الخواطر، ص470؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 93، ص 376؛ نوری ، مستدرک الوسائل، باب 60، کتاب صلاة، ص 378.

۲-۲) به رسول خدا ایمان آوردید ولی بر خلاف سنت آن بزرگوار عمل نمودید؛

۲-۳) کتاب خدا [قرآن] را خواندید ولی به آن عمل نکردید! گفتید شنیدایم و اطاعت کردایم در صورتی که بر خلاف آن عمل نمودید؛

۴) گفتید از آتش جهنم می ترسیم! ولی با ارتکاب به معاصی از آتش جهنم استقبال کردید؛

۵) گفتید ما خواهان بشت هستیم و به آن رغبت داریم! ولی با انجام کارهایی از آن دور شدید؛

۶) از نعمتهای الهی استفاده کردید ولی شکرخدا را بجای نیاوردید؛

۷) خداوند شیطان را برای شما دشمن آشکار معرفی کرده! ولی شما هم در قول و هم در عمل با آن مخالفت کردید؛

۸) عیوب مردم را دیدید و آنها را ملامت کردید در صورتی که از عیوب خودتان غافل ماندید؛

۳) اعمالی که باعث استجابت دعا می گردند:

۱-۱) داشتن تقوای الهی؛

۱-۲) انجام اعمال صالح؛

۱-۳) اخلاص در عبادات؛

۱-۴) امر به معروف و نهی از منکر.

خطبه نهم

بسم الله الرحمن الرحيم

۱) الحمد لله الذي جعل الحمد من غير حاجة منه إلى حامديه، طريقا من طرق الاعتراف بربوبيته، و سببا إلى المزيد من رحمته، و محجة للطالب من فضله.

۲) وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأن محمدا عبده ورسوله استخلصه في القدم، على سائر الأمم، على علم منه، و انتجه من النبئين آمرا و ناهيا عنه، أقامه في الأداء مقامه، إذ كان لا تدركه الأبصار، ولا تحويه خواطر الأفكار، ولا تمثله غوامض الظنون في الأسرار.

لا إله إلا هو الملك الجبار، قرن الاعتراف بنبوته بالاعتراف بألوهيته، و اختصه من تكرمه بما لم يلحقه فيه أحد من بريته، فهو أهل ذلك بخاصته و خلته، إذ لا يختص من يشوبه التغيير، ولا يخالل من يلحظه التظليل.

٣) و أمرنا بالصلة عليه، مزیدا في تكرمه، و طریقا للداعی إلى إجابته، فصلی اللہ علیه و کرم، و شرف و عظم، مزیدا لا يلح قه التنفيذ، و لا ينقطع على التأکید.

٤) و إن اللہ اختص لنفسه من بعد نبیه (صلی اللہ علیه و آله و سلم) من بریته خاصة علّاهم بتعليقه، و سما بهم إلى رتبته، و جعلهم الدعاة بالحق إليه، و الأدلة بالإرشاد عليه، لقرن قرن، و زمن زمن.

أنشأهم في القدم أنواراً أنطقتها بتحمیده، و ألهما شکر تمجیده، و جعلها حججاً على كل معترض له بمملکة ال ربوبية، و سلطان العبودية، و أشهدهم خلقه، و ولّاهم ما شاء من أمره. و جعلهم تراجم مشیئتة، و السن إرادته، عبیدا.

(لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ *يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَسْعُفُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى وَهُمْ مِنْ خَشِيتِهِ مُشْفَقُونَ).^١

يحكمون بأحكامه، و يستتون بستنه، و يعتمدون حدوده، و يؤدون فروضه، و لم يدع [الله] الخلق في بهما صماء، و لا عمياء بكماء، بل جعل لهم عقولاً مازجت شواهدهم، و تفرقـت في هيـاكلـهم، و حقـقـها في نفـوسـهم، و استـبعـدـ لها حـواسـهم، فـقرـرـها بيـنـ أسمـاعـ و نـواـظرـ، و أـفـكـارـ و خـواـطـرـ، أـلـزـمـهـمـ بـهـاـ حـجـتـهـ، و أـرـاـهـمـ بـهـاـ مـحـجـتـهـ، و أـنـطـقـهـمـ عـمـاـ شـهـدـتـ بـالـسـنـ ذـرـيـتـهـ بـمـاـ قـامـ فـيـهاـ مـنـ قـدـرـتـهـ.

٥) و منها:

ثم إن اللہ عز و جل جمع لكم عشر المؤمنين في هذا اليوم عيدين، عظيمين كبيرين، لا يقوم أحدهما إلا بصاحبـهـ، ليكمل عندكم جميل صنعـهـ، و يقفـكمـ على طـرـيقـ رـشـدـهـ، و يـقـفـوـ بـكـمـ آـثـارـ الـمـسـتـضـيـتـيـنـ بنور هـداـيـتـهـ، و يـسـلـكـكـمـ مـنـهـاـ حـقـصـهـ، و يـوـفـرـ عـلـيـكـمـ هـنـيـ رـفـدـهـ.

٦) فجعل الجمعة مجمعـاـ نـدـبـ الـيـهـ، لـتـطـهـيرـ ماـ كـانـ قـبـلـهـ، و غـسلـ ماـ أـوـقـعـتـهـ مـكـاـسـبـ السـوـءـ منـ مـثـلـهـ، و ذـكـرـيـ لـلـمـؤـمـنـيـنـ، و تـبـيـانـ خـشـيـةـ المـتـقـنـيـنـ، و وـهـبـ منـ ثـوـابـ الـأـعـمـالـ فـيـهـ أـضـعـافـ ماـ وـهـبـ لـأـهـلـ طـاعـتـهـ فـيـ الـأـيـامـ قـبـلـهـ.

و جعلـهـ لاـ يـتـمـ إـلـاـ بـالـاتـئـمـارـ لـمـاـ أـمـرـ بـهـ، و الـاـنـتـهـاءـ عـمـاـ نـهـيـ عـنـهـ، و الـبـخـوـعـ بـطـاعـتـهـ فـيـماـ حـثـ عـلـيـهـ، و نـدـبـ إـلـيـهـ، فـلاـ يـقـبـلـ توـحـيدـهـ إـلـاـ بـالـاعـتـرـافـ لـنـبـيـهـ (صلـیـ اللـہـ عـلـیـهـ وـ سـلـمـ) بـنـبـوـتـهـ، وـ لاـ يـقـبـلـ دـيـنـاـ إـلـاـ بـوـلـاـيـةـ مـنـ أـمـرـ بـوـلـاـيـتـهـ، وـ لاـ تـنـتـظـمـ أـسـبـابـ طـاعـتـهـ إـلـاـ بـالـتـمـسـكـ بـعـصـمـهـ، وـ عـصـمـ أـهـلـ وـلـاـيـتـهـ، وـ أـنـزـلـ عـلـىـ نـبـيـهـ فـيـ يـوـمـ الدـوـحـ مـاـ بـيـنـ بـهـ عـنـ إـرـادـتـهـ فـيـ خـلـصـائـهـ، وـ ذـوـيـ اـجـتـبـائـهـ، وـ أـمـرـهـ بـالـبـلـاغـ، وـ تـرـكـ الـحـفـلـ بـأـهـلـ الرـيـغـ وـ النـفـاقـ، وـ ضـمـنـ لـهـ عـصـمـتـهـ مـنـهـمـ، وـ كـشـفـ مـنـ خـبـاـيـاـ أـهـلـ الـرـيـبـ، وـ ضـمـائـرـ أـهـلـ الـارـتـدـادـ، مـاـ رـمـزـ فـيـهـ.

^١ . الأنبياء، 27-28.

٧) فعقله المؤمن و المنافق، و ثبت على الحق ثابت، و ازدادت جهالة المنافق، و حمية المارق، و وقع العضّ على النواجد و الغمز على السواعد، و نطق ناطق، و نعى ناعق، و استمرّ على ما رقيته مارق، و وقع الاذعان من طائفة باللسان، دون حقائق الایمان، و من طائفة باللسان، و صدق الایمان.

٨) فلأكمل اللّه دينه و أقرّ عين نبيه (صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) و المؤمنين و التابعين، و كان ما شهد ببعضكم و بلغ بعضكم، و تمت كلمة اللّه الحسنى على الصابرين، و دمّر اللّه ما صنع فرعون و قارون و هامان و جنودهم و ما كانوا يعيشون.

و بقيت حالتُه من الضلال لا يألون الناس خبالا، يقصدهم اللّه في ديارهم و يمحو اللّه آثارهم، و يبيد معالهم و يعقبهم عن قريب الحسرات، و يلحقهم بمن بسط أكفهم، و مدّ أعناقهم و مكنهم من دين اللّه حتى بدلوه، و من حكمه حتى غيروه، و سياطى ن صر اللّه على عدوه لحيته و اللّه لطيف خبير، و في دون ما سمعتم كفاية و بلاغ.

٩) فتأملوا رحمة اللّه، ما ندبكم اللّه اليه، و حثكم عليه، و اقصدوا شرعاً، و اسلكوا بهجه، (وَلَا تَبِعُوا السُّبُلَ فَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ).^١

١٠) إن هذا يوم عظيم الشان، فيه وقع الفرج، و رقت الدراج، و وضحت الحجج، و هو يوم الإيضاح، و الأفصاح عن المقام الصراح، و يوم كمال الدين، و يوم العهد المعهود، و يوم الشاهد و المشهود، و يوم تبيان العقود عن النفاق و الجحود، و يوم البيان عن حقائق الایمان، و يوم دحر الشيطان، و يوم البرهان.

هذا يوم الفصل الذي كنتم توعدون، هذا يوم الملأ الأعلى أنتم عنه معرضون، هذا يوم الارشاد، و يوم محنّة العباد، و يوم الدليل على الرواّد، هذا يوم أبدى خفايا الصدور، و مضمرات الأمور، هذا يوم النصوص، على أهل الخصوص.

هذا يوم شيثٍ ، هذا يوم إدريس ، هذا يوم يوشع ، هذا يوم شمعون.

١١) فرافقوا اللّه عزّ و جلّ و اتقوه، و احذروا المكر و لا تخادعوه، و تقربوا إلى اللّه بتوحيده، و طاعة من أمركم أن تعطيوه، و لا تضلوا عن سبيل الرشاد باتباع أولئك الذين ضلوا و أضلّوا، قال اللّه [عز وجل] في طائفة ذكرهم بالذم في كتابه:

(قالوا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَةَ نَارٍ وَ كَيْءَنَا فَلَصَلُونَ السَّرِيَلَا * رَبَّنَا آتَهُمْ ضَرِيفٌ مِنَ الْعَذَابِ وَ الْعَنْدُمْ لَعْنَكَبِيرًا).^٢

و قال تعالى: (وَإِذْ يَتَحَاجُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الْمُضْعُفُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَلَمْ أَنْتُمْ مُغْرُوبُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ).^٣

^١. الأنعام، 153.

^٢. الأحزاب، 66-67.

^٣. غافر، 46.

١٢) أَفَتدرُونَ الْاسْكَبَارَ مَا هُوَ؟

هو ترك الطاعة لمن أمروا بطاعته، والترفع على من ندبوا إلى متابعته، و القرآن ينطق من هذا عن كثير، إن تدبره متذمّر زجره و عظه، و اعلموا أيها المؤمنون أن الله عز و جل قال : (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِي يَقَاوِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفَّا كَانُوهُمْ بِنِيَانَ مَرْصُوصٍ).^١

١٣) أَتَدْرُونَ مَا سَبِيلُ اللَّهِ وَ مَا مِنْ سَبِيلٍ، وَ مِنْ صِرَاطِ اللَّهِ وَ مِنْ طَرِيقَهُ؟ أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الَّذِي مِنْ لَمْ يَسْلُكْهُ هُوَ، وَ أَنَا سَبِيلُ الَّذِي نَصَبْنِي بَعْدَ نَبِيِّ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ، أَنَا قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ، وَ أَنَا حَجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْفَجَارِ وَ الْأَبْرَارِ، فَاتَّبِعُوهُ مِنْ رِقْدَةِ الْغَفْلَةِ، وَ بَادِرُوهُ بِالْعَمَلِ قَبْلَ حَلُولِ الْأَجْلِ، وَ (سَلَّيَفُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ)^٢ قَبْلَ أَنْ يَضْرِبَ بِسُورِ بَاطِنِهِ الرَّحْمَةَ وَ ظَاهِرِهِ الْعَذَابِ، فَتَنَادُوا فَلَا يَسْمَعُونَ نَدَائِكُمْ، وَ تَضَّجُّوْنَ فَلَا يَحْفَلُ بِضَجِيجِكُمْ، وَ قَبْلَ أَنْ تَسْتَغْيِيَوْنَ فَلَا تَغَافُلُوا، فَسَارُوكُمْ إِلَى الطَّاعَاتِ، قَبْلَ فَوْتِ الْأَوْقَاتِ، فَكَانَ قَدْ جَاءَكُمْ هَادِمُ الْلَّذَاتِ، فَلَا مَنَاصَ نِجَّاهَا وَ لَا مَحِيصَ تَخْلِيْصَهُ.

١٤) عَوْدُوا رَحْمَكُمُ اللَّهُ بَعْدَ انْفَضَاءِ مَجْمُوعَكُمْ بِالتَّوْسِعَةِ عَلَى عِيَالِكُمْ، وَ بِالْبَرِّ بِأَخْوَانِكُمْ، وَ الشَّكْرُ لِلَّهِ عَلَى مَا مُنْحَكُمْ . وَ اجْمَعُوا يَجْمِعُ اللَّهُ شَمْلَكُمْ، وَ تَبَارِوْا يَصْلِلُ اللَّهُ أَفْتَكُمْ . وَ تَهَادُوا نِعْمَةُ اللَّهِ كَمَا هُنَّاكُمْ بِالثَّوَابِ فِيهِ عَلَى أَضْعَافِ الْأَعْيَادِ قَبْلَهُ أَوْ بَعْدَهُ، إِلَّا فِي مُثْلِهِ.

١٥) وَ الْبَيْنِ فِيهِ يَهْرَبُ الْمَهَلُ وَ يَزِيدُ فِي الْعُمَرِ، وَ التَّعَاطُفُ فِيهِ يَقْتَضِي رَحْمَةَ اللَّهِ وَ عَطْفَهُ.

وَ هَبَّا لِإِخْوَانِكُمْ وَ عِيَالِكُمْ عَنْ فَضْلِهِ بِالْجَهَدِ مِنْ جُودِكُمْ، وَ بِمَا تَنَالَهُ الْقَدْرَةُ مِنْ اسْتِطَاعَتِكُمْ. وَ أَظْهَرُوا الْبَشَرَ فِيمَا بَيْنَكُمْ، وَ السُّرُورَ فِي مَلَاقَاتِكُمْ.

وَ احْمِدُوا اللَّهَ عَلَى مَا مُنْحَكُمْ، وَ عُوذُوا بِلَمْ زِيدَ مِنَ الْخَيْرِ عَلَى أَهْلِ التَّأْمِيلِ لَكُمْ، وَ سَاوُوا ضَعْفَاءِكُمْ فِي مَا كَلَّكُمْ وَ مَا تَنَالَهُ الْقَدْرَةُ مِنْ اسْتِطَاعَتِكُمْ وَ عَلَى حَسْبِ إِمْكَانِكُمْ فَالدَّرْهُمُ فِيهِ بِمَائَةِ أَلْفِ، وَ الْمُزِيدُ مِنَ اللَّهِ[عَزَّ وَ جَلَّ].

وَ صَوْمُ هَذَا الْيَوْمِ مَا نَدَبَ اللَّهُ[تَعَالَى] إِلَيْهِ وَ حَمْلُ الْجَزَاءِ الْعَظِيمِ كَفَايَةٌ عَنْهُ، وَ مِنْ أَسْعَفِ أَخَاهُ مُبْتَدِئًا وَ بَرَّهُ رَاغِبًا فِلَهُ كَأْجَرٌ مِنْ صَامُ هَذَا الْيَوْمِ وَ قَامَ لِيَلِتِهِ، وَ مِنْ فَطْرَةِ مُؤْمِنِنَا فِي لِيَلِتِهِ فَكَانَمَا فَطَرَ، فَئَامَا وَ فَئَاماً.

فَإِذَا تَلَاقَيْتُمْ فَتَصَافِحُوْنَا بِالْتَّسْلِيمِ وَ تَهَانُوا النِّعْمَةِ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ لِيَبْلُغَ ا لْحَاضِرُ الغَائِبُ وَ الشَّاهِدُ الْبَائِنُ وَ لِيَعْدُ الغَنِيُّ عَلَى الْفَقِيرِ وَ الْقَوِيُّ عَلَى الْمُضَعِّفِ، أَمْرَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِذِلِّكَ.

اسناد خطبه لهم

^١. الصف، 4.

^٢. الحديد، 21.

این خطبه یکی از خطبه های مهم امام علی (ع) می باشد؛ چرا که در منابع چنین نقل شده که در یکی از سالها روز جمعه مصادف با روز غدیر خم بوده و حضرت خ طبہ غرّایی را ایراد فرمودند. و با توجه به همزمانی روز جمعه و غدیر، محدثان اسلامی توجه ویژه ایی را به این خطبه معطوف کرده اند. نتیجه اینکه این خطبه در منابع متعددی ذکر گردیده است؛ که به عنوان نمونه به مواردی اشاره می کنیم:

۱) شیخ طوسی (ره) چنین نوشتند: عن جماعة عن أبي محمد هارون بن موسى التلوكبری عن أبي الحسن علی بن احمد الخراسانی الحاجب عن سعید بن هارون أبي عمر المروزی عن الفیاض بن محمد بن عمر الطرسوی عن علی الرضا عن أبيه عن جعفر الصادق عن محمد الباقر عن علی السجاد عن الحسین الشهید عن علی (علیه و علیهم السلام).^۱

۲) سید بن طاووس (ره) هم، با ذکر چند راوی این خطبه را از شیخ طوسی (ره) چنین نقل کرده اند: عن حسین بن احمد السواری و عماد الدین أسعد بن عبد القاهر الإصفهانی بساندھما عن أبي جعفر محمد بن محمد الحسن الطوسی.^۲

۳) مولف کتاب تحف العقول هم با توجه به جایگاه و منزلت اهل بیت ، فقراتی از این خطبه را در مقدمه کتاب خود، به عنوان تایید نقل کرده اند.^۳

موضوعات خطبه نهم

این خطبه گرچه به صورت ناقص نقل گردیده است ، ولی با این حال به مسایل مهم کلامی و اجتماعی اشاره دارد . و با توجه به اینکه این خطبه مصادف با روز عید غدیر بوده است و لذا محور اصلی کلام امام علی (ع) بیان فضیلت این روز و فضایل پیامبر(ص) و اهل بیت آن بزرگوار می باشد؛ که به اختصار بدانها اشاره می کنیم:

۱) حمد ثنای الهی، شهادت به یگانگی خداوند و رسالت پیامبر اکرم(ص)؛

۲) معرفی پیامبر(ص) و اهل بیت آن به عروان برگزیده گان خداوند جهت هدایت جامعه؛

۳) بیان عظمت روز جمعه و روز غدیر؛

۴) بیان فضیلت روز غدیر؛ اینکه در این روز دین خدا تکمیل گردید، چشم پیامبر (ص)، مومنان و تابعین روشن گردید؛ قوانین فرعون، قارون و هامان از بین رفت، در این روز حجت خدا آشکار گردید؛ این روز ، روز عهد و

^۱. طوسی، مصباح المتهجد، ص752.

^۲. ابن طاووس، اقبال الأعمال، ج2، ص254.

^۳. ابن شعبه، تحف العقول، ص1.

معهود، آشکار شدن حقایق ایمان و رانده شدن شیطان می باشد. همچنین در ادامه اشاره می کنند که این روز، روز پیامبرانی چون شیث، ادریس، یوشع و شمعون می باشد؛

۵) دعوت مردم به کسب تقوای الهی با انجام دادن اوامر و نواہی الهی؛

۶) بر حذر داشتن مردم از تقلیدهای کورکورانه آباء و سنتهای جامعه؛

۷) بیان افکار و اندیشه های استکبار و اعمال آنها؛

۸) معرفی خود؛ مبنی بر اینکه من ادامه دهنده راه پیامبر (ص) هستم، من همان راهی هستم که به دست نمی آید ، مگر با اطاعت پروردگار؛

۹) متنبه ساختن مردم؛ مبنی بر این که راه صحیح دین داری را پیدا کنی و به سوی آن بروید. آگاه باشید! و به سوی اطاعت و رحمت خداوند برگردید؛

۱۰) بیان پاره ایی از اعمال مندوب در روز غدی ؛ مانند احسان به فقرا و ضعفا، نیکی کردن در حق خانواده، حمد الهی را بجای آوردن، روزه گرفتن در این روز، زیارت مومنین و مصافحه کردن با همدیگر و تهنيت گفتن این روز بر یکدیگر، نزدیک شدن غنی بر فقیر و قوی بر ضعیف در این روز.

خطبه دهم

بسم الله الرحمن الرحيم

۱) الحمد لله ذي القدرة والسلطان والرّأفة والامتنان احمده على تتبع النّعم واعوذ به من العذاب والنّقم و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له مخالفة للجادين و معاندة للمبطلين و اقرارا بانه رب العالمين.

۲) و اشهد ان محمدا عبده و رسوله قى به المرسلين و ختم به النبيين و بعثه رحمة للعالمين صلى الله عليه و آله أجمعين و قد اوجب الصّلوة عليه و اكرم مثواه لديه و اجمل احسانه اليه.

۳) اوصيكم عباد الله بتقوى الله الذي هو ولی ثوابكم و اليه مردّكم و مأبكم فبادروا في العمل الصالح قبل ان يهجم عليكم الموت الذي لا ينجيكم منه حصن منيع و لا هرب سريع فانه وارد نازل و واقع عاجل فان تطاول الاجل و امتد المهل فكل ما هو اقرب و من مهد نفسه فهو المصيب.

٤) فتقروّدوا رحmkm اللّه ليوم الممات و احذروا اليم هول البيات فان عقاب اللّه عظيم و عذابه اليم نار تلّهّب و نفس تعذّب و شراب من صدید و مقامع من حديد اعاذنا اللّه و اياكم من النار و رزقنا و اياكم مراقبة الابرار و غفر لنا و لك م جميما انه هو الغفور الرحيم.

٥) إن احسن الحديث و ابلغ الموعظة كتاب اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

(بسم الله الرحمن الرحيم والعصر ان الإنسان لفي خسر الا الذين أمنوا و عملوا الصالحات و توافقوا بالحق و تواصوا بالصبر).^١

جعلنا اللّه و اياكم ممّن تسعهم رحمته و يشملهم عفوه و رأفته و استغفر اللّه لى و لكم.

بخش دوم

١) الحمد لله الذي دنا في علوه و علا في دنوه و تواضع كل شئ لجلاله و استسلم كل شئ لعظمته و خشع كل شئ لقدرته مقصرا عن كنه شكره و او من به اذعنا لربوبيته و استعينه طالبا لعصمته و اتوكل عليه مفوضا اليه

٢) و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له لها واحدا ابدا فردا صمدا و ترا لم يتّخذ صاحبة و لا ولدا

٣) و اشهد ان محمدا عبد المصطفى و رسوله المجتبى و امينه المرتضى ارسله بالحق بشيرا و نذيرا و داعيا اليه باذنه و سراجا منيرا فبلغ الرسالة وادى الامانة و نصح الامة و عبد الله حتى اتاه اليقين فصلى الله عليه و الله في الاولين و صلى الله عليه و الله في الاخرين و صلى الله عليه و الله يوم الدين.

٤) او صيكم عباد الله بتقوى الله و العمل بطاعته و اجتناب معصيته فانه من يطع الله و رسوله فقد فاقروا عظيما و من يعص الله و رسوله فقد ضل ضلالا بعيدا و خسر خسانا مبينا.^٢

٥) ان الله و ملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه و سلموا تسليما اللهم صل على محمد عبدك و رسولك افضل صلواتك على انباءك و اولياءك.

٦) اقول السلطان الحجة و البرهان و قدرة ا لملك و الامتنان الانعام و قفيته زيدا اى اتبعته و المثوى المنزل و المرد و المأب المرجع فبادروا بذلك اى سارعوا بالتقوى و المهل بالتحريك المهلة و بالسكون ايضا المهلة و الرفق و تلّهّب اى تتلّهّب بحذف احدى التائين و تلّهّب النار اشتعالها و الصدید ماء الجرح الرقيق و المقامع جمع المقمعة كمكنسة العمود من حديد او كالمحجن

^١. سورة العصر.

^٢. نویسنده کتاب نهج الخطابة بدون اشاره به اینکه این خطبه ناقص می باشد، قسمت داخل قلاب [] را یک خطبه جمعه کامل به حساب آورده است.

يضرب به راس الفيل و خشبة يضربه بها الانسان راسه دني في علوه اي دنوه دنو العلية و الاحتاطة العلمية و الرأفة و الرحمة و كذا العكس صمدا اي مقصود اليه في جميع الامور و اليقين هو الموت.

اسناد خطبه دهم

اين خطبه را شیخ طوسی (ره) از حضرت امام محمد باقر (ع) به روایت جابر نقل کرده اند.^۱ همچنین مصباح کفعمی با همین سند، ولی با اختلاف اندک الفاظ این خطبه را نقل کرده اند.^۲

موضوعات خطبه دهم

بخش اول این خطبه به صورت ناقص نقل شده است ولی با این حال قسمت اعظم این خط به ذکر شده است. موضوعات این خطبه به قرار زیر می باشد:

- ۱) تحمید خداوند متعال و یادآوری اوصاف باری تعالی؛
- ۲) شهادت بر وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر اسلام(ص) و بیان الطاف الهی که در حق پیامبر کرده اند؛
- ۳) سفارش به تقوای الهی و تشویق مردم به انجام اعمال صالح و بدور ماندن از اعمال ناشایست و همچنین انذار مردم از عقاب و عذاب الهی؛
- ۴) دعا در حق مومنین و مومنات و طلب مغفرت برآنها و آرزوی همنشینی با ابرار.

خطبه یازدهم

بسم الله الرحمن الرحيم

۱) الْحَمْدُ لِلّهِ الْعَزِيزِ الْجَبَارِ، الْحَلِيمِ الْفََّارِ، الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ارِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ، سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسْرَ الْقَوْلَ وَ مَنْ جَهَرَ بِهِ، وَ مَنْ هُوَ مُسْتَخْفِي بِاللَّيْلِ وَ سَارِبٌ بِالنَّهَارِ، احْمَدُهُ وَ اسْتَعِينُهُ، وَ اؤمِنُ بِهِ وَ اتَوَكَّلُ عَلَيْهِ، وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا، مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَلَا مُضِلٌّ لَهُ، وَ مَنْ يُضْلِلُ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَ لَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ وَلِيًّا مُرْشِدًا.

^۱. طوسی، مصباح المتهجد، ص342-344.

^۲. کفعی، جنة الامانی واقیة و جنة الایمان الباقیة، ص 716.

۲) وَ اشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، ارْسَلَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ دَلِيلًا عَلَيْهِ، وَ دَاعِيًا إِلَيْهِ، فَهَدَمَ ارْكَانَ الْكُفْرِ وَ انْارَ مَصَابِيحَ الْإِيمَانِ، مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يَكُنْ سَبِيلُ الرَّشادِ سَبِيلَهُ، وَ نُورُ التَّقْوَى دَلِيلَهُ، وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يُخْطِرُ السَّدَادَ كُلَّهُ، وَ لَنْ يَضُرَّ أَنَا نَفْسِي.

۳) أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَلَيِ النِّعْمَةِ وَ الرَّحْمَةِ، لَهُ الْحَمْدُ مُغْرَدًا وَ التَّنَاءُ مُخْلَصًا، خَالِقُ مَا اعْزَى، وَ مُذْلِلُ مَا اسْتُصْبَعَ، وَ مُسَهَّلُ مَا اسْتَوْعَرَ وَ مُبْتَدِئُ الْخَلْقِ بَدْءًا اولَ، يَوْمُ ابْتَدَعَ السَّمَاءَ وَ هِيَ دُخَانٌ، فَقَالَ لَهَا وَ لِلأَرْضِ اتَّسِعَا طَوْعًا اوْ كُرْهًا قَالَتَا اتَّيْنا طَائِعَيْنَ، فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ لَا يُعْوِزُهُ شَرِيكٌ، وَ لَا يَسْبِقُهُ هَارِبٌ، وَ لَا يَغُوْتُهُ مُزَاجِلٌ.

مأخذ خطبه ظلّدهم

مرحوم کاشف الغطا در کتاب خود بدون اشاره به نام روات؛ این خطبه را منسوب به امام علی(ع) دانسته اند.^۱

موضوعات خطبه یازدهم

این خطبه به صورت ناقص نقل گردیده است و معلوم نیست که قسمت مذکور بخش اول می باشد یا بخش دوم . این خطبه با حمد و ثنای الهی و بیان صفات الهی شروع شده است . شهادت به رسالت حضرت ختمی مرتبت (ص) و دعوت مردم به انجام اعمال صالح و کسب تقوای الهی و رضایت پروردگار دیگر مولفه هایی هستند که حضرت به آنها پرداخته اند.

خطبه دوازدهم

بسم الله الرحمن الرحيم

۱) الحمد لله احمده و استعينه و اؤمن به و اتوكل عليه، و اشهد ان لا الله الا الله وحده لا شريك له و ان محمدا عبده و رسوله، ارسله بالهدى و دين الحق ليزيع به علتكم، و ليوقظ به غفلتكم.

۲) و اعلموا انكم ميتون و مبعوثون من بعد الموت و موقوفون على اعمالكم و مجزيون بها، فلا تغرنكم الحياة الدنيا فانها دار بالبلاء محفوفة، و بالباء معروفة، و بالغدر موصوفة، و كل ما فيها الى زوال، و هي ما بين اهلها دول سجال، لمن يسلم من شرها نزالها، بينما اهلها في رخائي و سرور؛ اذا هم منها في البلاء و غرور، والعيش فيها مذموم ، و الرخاء فيها لا يدوم، و انما اهلها فيه اغراض مستهدفة ، ترميهم بسهامها، و تقضمهم بحمامها.

^۱ . کاشف الغطاء، مستدرک نهج البلاغة، ص54.

٣) عباد الله انكم و ما انتم من هذه الدنيا عن السبيل من قد مضى منكم كان اطول منكم اعمارا و اشد منكم بطشا و اعمر ديارا و بعد آثارا، فاصبحت اصواتهم هامدة خامدة من بعد طول تقلبها ، و اجسادهم بالية، و ديارهم خالية، و آثارهم عافية.

٤) واستبدلوا بالقصور المشيدة، و السرر و النمارق الممهدة، الصخور و الاحجار المسندة في القبور الملاطية الملحدة التي قد بني على الخراب فناوها، و شيد بالتراب بناوها، فمحلها مقترب، و ساكنها مفترب، بين اهل عمارة موحشين و اهل محله متشاغلين، لا يستأنسون بالعمران و لا يتواصلون تواصل الجيران، على ما بينهم من قرب الجوار و دنو الدار ، و كيف يكون بينهم تو اصل، و قد طحنتهم بكلكله البلى، و اكلتهم الجنادل و الشرى؟

٥) فأصبحوا بعد الحياة امواتا، و بعد غضارة العيش رفاتا، فجمع بهم الاحباب، و سكنوا التراب، و ظعنوا فليس لهم اياب، هيئات هيئات!

(الْعَلَى أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلْمَةٌ هُوَ فَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ بُعْثَوْنَ).^١

٦) فكان قد صرتم الى ما صاروا عليه من الواحدة و البلى في دار الموتى، وارتهنتم في ذلك المضجع و ضمكم ذلك المستودع، فكيف لكم لو قد تناهت الامور، و بعثرت القبور، و حصل ما في الصدور، و اوقفتم للتحصيل بين يدي ملك جليل؟

٧) فطارت القلوب لِإِشْفَاقِهَا مِنْ سَالِفِ الذُّنُوبِ، و هتك عنكم الحجب و الاستار، فظهرت منكم العيوب و الاسرار، هنا لك تجزى كل نفس بما كسبت ، ليجزى الذين اساوا بما عملوا، و يجزى الذين احسنوا بالحسنى.

(وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيَلَّتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يَهْمَدِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّ أَحَدًا).^٢

جعلنا الله و ايامكم عاملين بكتابه متبعين لاوليائه حتى يحلنا و ايامكم دار ا لمقامة من فضله ، انه حميد مجید . مصادر خطبه دوازدهم

مؤلف كتاب حياة الصحابة به نقل از كتاب «صفة الصفوءة» چنین نوشته که : ابن جوزی این خطبه را یکی از خطبه های جمعه امام علی (ع) دانسته است. و نام روات این خطبه را چنین ذکر کرده است : ابن عساکر از عبدالله بن صالح العجلی و

^١. المؤمنون، 100.

^٢. الكهف، 49.

او هم از پدرش چنین نقل کرده که امام علی (ع) در یکی از خطبه های جمعه چنین خطبه خواندند.^۱ و در ادامه با عبارت «آخرجه» سند دیگر این خطبه را کتاب

«الامّة و السياسة و هو المعروف بتاریخ الخلافة» اثر ابن قتیبیه الدینوری دانسته است.^۲

موضوعات خطبه دوازدهم

علی رغم اینکه این خطبه در منابع به صورت ناقص ذکر شده است ، ولی با این حال یکی دیگر از خطبه های نسبتاً مفصل امیر المؤمنین (ع) می باشد. محور اصلی این خطبه احوالات بندگان در روز قیامت و اینکه هر کسی در روز و اپسین بر اعمال خود واقف می شود . همچنین حضرت در این خطبه نیز در صدد تشویق مردم به انجام اعمال صالح و پرهیز از خوشگذرانی بر آمده اند.

خطبه سیزدهم

بسم الله الرحمن الرحيم

۱) الحمد لله فاطر الخلق و فالق الاصباح و ناشر الموتى و باعث من في القبور، و اشهادن محمدا عبده و رسوله.

۲) اوصيكم بتقوى الله، فان افضل ما توسل به العبد الايمان و الجهاد في سبيله، و كلمه الاخلاص؛ فانها الفطرة، و اقام الصلاة؛ فانها الملة، و ايتا الزكاة؛ فانها من فريضة، و صوم شهر رمضان؛ فانه جنة من عذابه ، و حج البيت، فانه منفعة للفقر مدحضة للذنب و صلة الرحم؛ فانها مشراة في المال، منسأة في الاجل ، محبة في الاهل، و صدقه السر، فانها تکفر الخطيئة، و تطفئ غضب ربّ، و صنع المعروف، فانه يدفع ميتهسوء، و يقى مصارع الهول، افيضوا في ذكر الله؛ فانه احسن الذكر، وارغبوا فيما وعد المتقون؛ فان وعد الله اصدق الوعد.

۳) واقتدوا بهدى نبیکم (ص)؛ فانه افضل الهدی ، و استنسنوا بسننته؛ فانها افضل السنن، و تعلموا كتاب الله؛ فانه افضل الحديث، و تفقهوا في الدين؛ فانه ربيع القلوب، و استشفوا بنوره، فانه شفاء لما في الصدور، واحسنوا تلاوته؛ فانه احسن الفصص، و اذا قرء عليکم، فاستمعوا له و انصتوا لعلکم ترحمون، و اذا هُدیتم لعلمه، فاعملوا بما علمتم به لعلکم تهتدون، فان العالم العامل بغير علمه كالجاهل الجائر الذي لا يستقيم عن جهله، بل قد رأیت أن الحجة المتغير في جهله، و كلامهما مضللًّا مثبور.

^۱ . محمد يوسف، حیاة الصحابة، ج 4، ص286-288.

^۲ . محمد يوسف، همان.

٤) ولا تربوا، فتشكوا، ولا تشکوا؛ فتکفروا، ولا ترخصوا لانفسكم؛ فتذهلوا، ولا تذهلوا في الحق؛ فتخسروا . الا و ان من الحزم ان تتقوا، و من الثقه اللا تغتروا، و ان انصحكم لنفسه اطوعكم ربها، و ان و ان اغشكم لنفسه اعاصكم ربها ، من يطع و ارغبوا اليه في العافية، و خير ما دام في القلب اليقين.

٥) ان عوازم الامور افضلها، و ان محدثاتها شرارها، و كل محدث بدعة، و كل محدث مبتدع، و من ابتداع فقد ضيع، و ما احدث محدث بدعة الا ترك بها سنه.

المغبون من غبن دينه ، و المغبون من خسر نفسه.

٦) و ان الريا من الشرك، و ان الاخلاص من العمل و الايمان، و مجالس اللهو تنسي القرآن، و يحضرها الشيطان، و تدعوا الى كل غي، و مجالسة النساء تزيغ القلوب، و تطمح اليه الابصار، و هي مصائد الشيطان، فاصدقوا الله؛ فان الله مع من صدق، و جانبو الكذب؛ فان الكذب مجانب للإيمان.

٧) الا ان الصدق على شرف منجاة و كرامة، و ان الكذب على شرف ردى و هلكة.

الا وقولوا الحق؛ تعرفوا به، واعلموا به؛ تكونوا من اهله، وأدّوا الامانة الى من ائتمنكم، و صلوا ارحام من قطعكم، وعودوا بالفضل على من حرمكم، و اذا عاهدتم فاوفوا، و اذا حكمتم؛ فاعدولوا.

٨) و لا تفخروا بالاباء و لا تنا بزو بالالقاب ، و لا تمازحوه و لا يغضب بعضكم بعضا. و اعينوا الضعيف ، و المظلوم ، و الغارمين ، و في سبيل الله، و ابن السبيل، و السائلين، و في الرقاب، وارحموا الارمله و اليتيم، وافشو السلام، و ردوا التحية على اهلها بمثله او باحسن منها (و تعانوا على البر و النقوى و لا تعانوا على الاثم و العدون و تقووا الله ان الله شديد العقاب).^١

و اكرموا ضيف، واحسنوا الى الجار و عود و المرضى و شيعوا الجنائزه و كونوا عباد الله اخوانا

٩)اما بعد: فان الدنيا قد ادبرت و آذنت بوداع، و ان الاخره قد اظلمت و اشرفت باطلاع، و ان المضمار اليوم و غدا السباق، و ان السبقه الجنة و الغاية النار. الا و انكم في ايام مهل من ورائهم اجل يحيته عجل، فمن اخلص الله عمله في ايام مهله قبل حضور اجله فقد احسن عمله، و نال امله، و من قصر عن ذلك خسر عمله، و خاب امله و ضرره امله.

١٠) فاعملوا في الرغبة و الرهبة، فان نزلت بكم رغبة فاشكروا الله فاذکروا الله واجمعوا معها رهبة، و ان نزلت بكم رهبة فاذکروا الله واجمعوا معها رغبة، فان الله قد تاذن المسلمين بالحسنى، و لمن شكر بالزيارة، و انى لم ار مثل الجنة نام طالبها ، و لا كالنار نام هاربها، و لا اكثرا مكتسبها من شيء كسبه ليوم تدخل فيه الذخائر، و تبلی فيه السرائر، و تجمع فيه الكبار، و انه من لا ينفعه

^١. المايده، 2.

الحق، يضره الباطل، و من لا يستقيم به الهدى يجر به الضلال و من لا ينفعه اليقين يضره الشك، و من لا ينفعه حاضره فعازبه عنه اعوز و غابه عنه اعجز.

١١) انكم قد امرتم بالظعن و دللتكم على الزاد، الا و ان اخوف مَا اخاف عليكم اثنان : طول الامر و اتباع الهوى؛ فاما طول الامر فينسى الاخرة، و اما اتباع الهوى فيبعد عن الحق.

١٢) الا و ان الدنيا قد ترحلت مدبرة، و ان الاخرة قد ترحلت مقبلة، و لهما بنون، فكونوا من ابناء الاخره ان استطعتم، و لا تكونوا من بني الدنيا فالاليوم عمل و لا حساب ، و غدا حساب ، و لا عمل.

مصدر خطبه سیزدهم

ابن کثیر بدون ذکر نام روات این خطبه را منسوب به امام علی (ع) دانسته است. و متذکر شده که این خطبه از جمله خطبه های اباالحسن (ع) می باشد که جامع خیر و ناهی شر می باشد . همچنین در ادامه چنین نوشته که «دینوری» و «ابن عساکر» این خطبه را دو خطبه مجزا دانسته اند. ولی خود چنین اعتقادی ندارد.^۱

موضوعات خطبه سیزدهم

فلسفه تشریع احکام و فرائض الهی و طرح مباحث اخلاقی موضوع اصلی این خطبه می باشد. این خطبه گرچه به صورت ناقص ذکر شده است ولی با این حال ، مورخین این خطبه را به عنوان یکی از خطبه های مهم حضرت ثبت کرده اند. فلسفه عبادات و اینکه خداوند به کسانی که اعمال صالح انجام دهنده و عده بهشت را داده است و ...، از مباحث مهم کلامی این خطبه می باشند. همچنین مباحث اخلاقی چون راستگویی، بدور ماندن از مجالس لهو، قرآن خواندن، ضعیف را یاری رساندن، احترام به همنوعان ، تفاخر نکردن بر همدمیگ ر، شرکت در تشیع جنازه مومنین و دهها مورد دیگر، موضوعات دیگری هستند که حضرت در این خطبه ببنحو مبسوطی به آنها پرداخته اند.

خطبه چهاردهم

بسم الله الرحمن الرحيم

١) ايها الناس !! احفظوا عنى خمسا، فلو شددتم اليها المطاييا حتى تنضوها ؛ لم تظفروا بمثلها . ألا لا يوحُّونَ احدكم إلّاربه، و لا يخافن الا ذنبه، و لا يستحبى احدكم اذا لم يعلم ان يتعلم، و اذا سئل عما لا يعلم ان يقول : لا اعلم؛ الا و ان الخامسه الصبر، فان الصبر من الايمان بمنزلة الرأس من الجسد . و من لا صبر له لا ايمان له، و من لا راس له لا جسد له . و لا خير فى قراءة الا

^۱ . ابن کثیر، البداية و النهاية، ج 7، ص 30.

بتدبر، ولا في عبادة الا بتذكر ، ولا في حلم الا بعلم. الا انئكم بالعالم كل العالم، من لم يزین لعباد الله معاصى الله، ولم يومنهم مكره، ولم يويسهم من روحه، ولا تنزلوا المطيعين الجنة، ولا المذنبين الموحدين النار، حتى يقضى الله فيهم بامرها.

لا تأمنوا على خير هذه الامة عذاب الله ، فانه يقول:

(فَلَا يَأْمَنُ مَكْرُ اللَّهِ إِلَى الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ).^١

ولا تقنطوا شر هذا الامة من رحمة الله ،

(إِنَّهُ لَا يَيْسُسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَى الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ).^٢

مأخذ خطبه چهاردهم

این خطبه در کتاب «العقد الفريد» بدون ذکر اسامی روات نقل گردیده است.^٣

موضوع خطبه چهاردهم

این خطبه نیز با وجود ناقص بودنش، حاوی نکات بسیار ارزشناه اخلاقی می باشد. امید به خدا، ترس از گناه ان، علم آموزی، اقرار به مجھولات، تحمل صبر، قرایت قرآن با تدبیر و عبادت با تفکر، موضوعاتی هستند که حضرت در این خطبه بدانها اشاره فرموده اند.

خطبه پنzechdeh م

بسم الله الرحمن الرحيم

١) ايها الناس ، المجتمعه ابدانهم، المختلفه اهواهم کلامهم يوهى الصم الصلب، و فعلکم يطعم فيکم عدوکم؛ تقولون في المجالس كيت و كيت، فإذا جاء القتال قلت حيدى حياد .

٢) ما عزت دعوة من دعاكم، و لا استراح قلب من قاساكم، اعاليل بباطيل، و سألتمنی التأخیر، دفاع ذی الدين المظلوم .

^١. الأعراف، 99.

^٢. يوسف، 87.

^٣ . ابن عبد ربہ، العقد الفريد، ج 4، ص 80-81.

۳) المغورو والله من غررت به، ومن فاز بكم فاز بالسهم الاخير، اصبحت والله لا اصدق قولكم، ولا اطبع في نصرتكم، فرق الله بيني وبينكم، واعقبنى بكم من هو خير لى منكم، وددت والله ان لى بكل عشرة منكم رجلا من بنى فراس ابن غنم ، صرف الدينار بالدرهم.

مصادر خطبه پانزدهم

این خطبه را هم «ابن قتيبة» و هم «جاحظ» با اختلاف اندکی در الفاظ، یکی از خطبه های امام علی (ع) دانسته اند.^۱ ولی متأسفانه هیچ اشاره ایی به نام روات نکردند.

موضوعات خطبه پانزدهم

این خطبه هم متأسفانه به صورت ناقص نقل گردیده است و ابتدای خطبه با عبارت «قام فيهم» شروع شده است؛ که منظور قیام حضرت و ایراد خطبه در جمع مردم می باشد . از فحوای کلمات حضرت چنین برداشت می شود که این خطبه در اواخر وی اپس از خاتمه جنگ صفين ایراد گردیده است؛ چرا که حضرت سخن از بی وفایی و کارشکنی اصحاب خود سخن رانده و خبر از مسلط شدن پسر ابوسفیان بر سر زمین عراق را داده است.

خطبه شانزدهم

بسم الله الرحمن الرحيم

۱) اوصيكم عباد الله و نفسی بتقوی الله و لزوم طاعته، و تقديم العمل، و ترك الامل، فانه من فرط فی عمله، لم ينتفع بشيء من امله.

۲) این التعب بالليل و النهار، و المقتحم للحج البحر و مفاوز القفار؟ يسير من وراء الجبال ، و عالج الرمال؛ يصل الغدو بالرواح و المساء بالصباح ، فی طلب محقرات الارباح؛ هجمت عليه منيته، فعظمت بنفسه رزيته؛ فصار ما جمع بورا، و ما اكتسب غرورا و وافی القيامة محسورا، ایها اللاھی الغار نفسه، کانی بك و قد اتاک رسول ربک، لا یقع لک بابا، و لا یهاب لک حجابا و لا یقبل منک بدیلا و لا یأخذ منک کفیلا.

و لا یرحم لک صغیرا، و لا یوقر فیک کب یرا؛ حتی یودیک الی قعر مظلمة ، ارجاوها موحشة؛ ك فعله بالامم الخالية و القرون الماضية. این من سعی و اجتهد، و جمع و عدد، و بنی وشید و زخرف و نجد و بالقليل لم یقنع و بالكثير لم یمتع؟ این منقاد الجنود، و نشر البنود؟ اضحوا رفاتا، تحت الشرى امواتا، و انتم بکأسهم شاربون، ولسيبلهم سالكون

^۱ . ابن قتيبة الدينوري، الإمامة و السياسة، ج2، ص 111؛ جاحظ ، البيان والتبيين، ج 1، ص 39.

۳) عباد الله، فاتقوا الله و راقبوه، واعملوا لل يوم الذى تسير فى هـ الجبال، و تشقق السماء بالغمام و تطاير الكتب عن الایمان و الشمائى . فاي رجل يومئذ ترك؟ اقائل: هاوم اقراؤا كتابیه؟ ام: يا ليتنى لم اوت كتابیه؟ نسأل من وعدنا باقامة الشرائع جنته ان يقينا سخطه.

۴) ان احسن الحديث و ابلغ الموعظه كتاب الله الذى لا يأتيه الباطل من بين يديه و لا من خلفه، تنزيل من حكيم حميد

مصدر خطبه شانزدهم

این خطبه در کتاب «العقد الفريد» بدون ذکر نام روات یا راوی، نقل شده است.^۱

موضوعات خطبه شانزدهم

در اول این خطبه چنین نقل شده که امام (ع) پس از حمد الله ی شروع به ایراد این خطبه نمودند . بنابه اظهار راوی این خطبه، قسمتهایی از این خطبه نقل نگردیده است. توصیه به اعمال صالح و پرهیز از اعمال ناشایست و همچنین یاد آوری روزی که هیچ فریاد رسی به فریاد انسان نمی رسد، از جمله موضوعات این خطبه به حساب می آیند.

جمعه هفدهم

شیخ طوسی (ه) چنین می فرماید که:

ابو عبدالله محمد بن محمد گفته: ابوالحسن علی بن محمد کاتب از حسن بن علی زعفرانی از ابراهیم بن محمد ثقی از ابوولید عباس بن بکار ضئی از ابوبکر هذلی از محمد بن سیرین و او هم از تعداد زیادی از شیوخ بصره چنین نقل می کند که:

حضرت علی (ع) پس از فارغ شدن از جنگ جمل مريض شدند، تا اينکه روز جمعه فرا رسید و حضرت بر اثر بيماري نتوانست در نماز جمعه شرکت کند، اما با توجه به استقبال مردم از برپايي نماز جمعه و حضورشان در مسجد؛ حضرت به امام حسن (ع) دستور دادند تا به مسجد روند و نماز جمعه اقامه کند.^۲

مسعودی هم، این واقعه را در کتاب خود با همین سند و با همین کیفیت متذکر شده اند.^۳

فصل سوم

^۱. ابن عبد ربه، العقد الفريد، ج4، ص 69.

^۲. طوسی، الامالی، ص 82-83.

^۳. مسعودی، مروج الذهب، ج2، ص 431.

۳-۱-۳- تحلیل محتوایی خطبه ها

چنانکه در طرح موضوع اشاره کردایم ، یکی از محورهایی که کمتر مورد توجه اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است، پژوهش در باره تحلیل محتوایی خطبه های حضرت امیر (ع) می باشد. محتوای خطبه های حضرت در روز جمعه به یک معنا بیانگر دیدگاههای آن حضرت نسبت به مسایل جاری کشور اسلامی بوده که از مسند امامت جمعه صادر گشته است. مسایلی که گاهی به عنوان یک رویداد و چالش سیاسی مانند فتنه ناکثین و سرکشی طاغیها اتفاق افتاده و گاهی به عنوان یک معضل فرهنگی مانند پیروی جاهلانه از آباء و اجداد و یا دنیا زدگی و روی آوردن مردم به دنیا و گاهی به عنوان ... اتفاق افتاده است و حضرت هم با رویکرد بر حل مشکلات و برطرف ساختن معضلات و با توجه به جامعه شناختی جامعه اسلامی خطبه هایی را ایراد فرموده اند. در این فصل علاوه بر اینکه به سراغ بررسی مولفه های مهم خطبه ها خواهیم رفت، به بررسی لحن و آهنگ سخنان حضرت و عوامل تأثیر گذار بر این مقوله نیز خواهیم رفت. البته ناگفته نماند که منظور از مولفه های مهم، بیان مطالبی است که حضرت به طور دائم در خطبه ها به بیان آنها پرداخته اند و به نوعی جزء اولویتها به حساب آمده اند و همچنین بیان مولفه هایی هستند که حضرت در یک خطبه مستقل به طور مبسوطی به آنها پرداخته اند.

اما قبل از شروع پرداختن به موضوع اصلی این فصل تذکر مطلبی ضروری میباشد و

آن هم اینکه، با توجه به اهمیت اقداماتی که حضرت امیر المؤمنین(ع) قبل از برپایی

نماز جمعه و نیز به هنگام ایراد خطبه ها انجام داده اند، و در واقع جزء سیره آن بزرگوار

در امر بر پایی نماز جمعه به حساب می آمده است، مناسب است هر چند به

صورت مختصر در این فصل به آنها نیز اشاره گردد.

۳-۱-۳- سیره امام علی (ع) قبل از نمازو به هنگام ایراد خطبه ها

در این قسمت از نوشتی به بررسی سیره امام علی (ع) قبل از ایراد خطبه ها و به

هنگام ایراد خطبه های جمعه می پردازیم. یعنی اینکه وضع ظاهری حضرت به هنگام

ایراد خطبه چگونه بوده است؟ چه نوع سلاحی را به دست می گرفتند؟ در پایان خطبه ها

چه سوره یا آیه را تلاوت می کردند؟ و مواردی از این قبیل!

مقدمتاً باید چنین نوشت که بنا به تأسی به سیره رسول خدا (ص) خطبای نماز جمعه بعد

از رحلت رسول خدا (ص) مواردی چون ایراد خطبه ها به صورت ایستاده، عصا یا

شمشیر به دست گرفتن و خواندن سوره کوچک از قرآن کریم در پایان خطبه هارا رعایت می کردند.^۱ همچنین بنا به اهمیت این فریضه الهی، حاکمان اسلامی اقداماتی را جهت بهتر برگزار شدن نماز جمعه نیزانجام می دادند و امام (ع) نیز به عنوان خلیفه وقت مسلمین اقداماتی در این زمینه انجام داده اند، که به بررسی آن موارد هم می پردازیم.^۲

۳-۱-۱-آزادی زندانیان جهت شرکت در نماز جمعه
بنا به اهمیتی که نماز جمعه در صدر اسلام داشته، امام علی (ع) زندانیان را به جهت شرکت در نماز جمعه آزاد می کردند.^۳

۳-۱-۲-مانع از مسافرت رفتن در روز جمعه
امام (ع) علاوه بر اینکه مردم را به شرکت در نماز جمعه تشویق می کردند، بلکه همواره اصحاب و آشنايان را، از سفر کردن در روز جمعه بر حذر می کردند. در این راستا نامه ایی که حضرت برای یکی از دوستان خود نوشته اند، گویای این واقعیت تاریخی می باشد:

عن علی عليه السلام في كتابه إلى الحارث الهمданى، قال:
ولا تسافر في يوم الجمعة حتى تشهد الصلاة، إلّا فاصلاً في سبيل الله، أو في أمرٍ تعذر به.^۴

۳-۱-۳-پرهیز از خوردن دارو در روز پنجشنبه
امام علی (ع) همواره اطرافیان را از خوردن دارو در روز پنجشنبه منع می کرد؛ چرا که ممکن بود شخص در اثر استعمال دارو، در روز جمعه بی حال باشد و نتیجتاً نتواند

^۱. ابن ادريس حلی، کتاب السراير، ج ۱، ص 294-295؛ سلار دیلمی، المراسم العلوية، ص 77؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 7، ص 344.

^۲ - جهت آگاهی بیشتر از نظر فقهی و تاریخی نماز جمعه و همچنین اطلاع از نحوه عملکرد حاکمان اسلامی ، مراجعه شود به کتاب صلاة الجمعة: تاریخیاً و فقهیاً اثر کاظم جابری و صلاة الجمعة اثر مرتضی حائری.

^۳. نوری، مستدرک وسائل الشیعه، ج 6، ص 27.

^۴. نوری ، همان.

در نماز جمعه شرکت کند.

قال أمير المؤمنين عليه السلام :لا يشرب أحدكم الدواء يوم الخميس، فقيل :يا أمير المؤمنين و
لِمْ؟ قال لِئَلَا يضعف عن اتيان الجمعة.^۱

۳-۱-۴-سلام کردن به نمازگزاران

امام علی (ع) بعد از استقرار در منبر و جایگاه خطیب جمعه و قبل از شروع خطبه ها
به حاضرین سلام می کردند. روایت زیر موید این مطلب می باشد:
محمد بن الحسن باستاده، عن محمد بن علی بن محبوب، عن محمد بن الحسین، عن الحسن
بن علی بن یوسف، عن معاذ بن ثابت، عن عمرو بن جمیع رفعه، عن علی عليه السلام
قال :من السَّنَةِ إِذَا صَعدَ الْإِمَامُ الْمِنْبَرَ أَنْ يَسْلِمَ إِذَا اسْتَقْبَلَ النَّاسَ.^۲

۳-۱-۵-نگیه بر سلاح

در رابطه با اینکه حضرت به هنگام ایراد خطبه های جمعه به چه نوع سلاحی تکیه می کردند نقلهای متفاوتی ذکر شده است، که هر کدام هم مؤید یکدیگر می باشند. شیخ مفید (ره) نقل کرده که حضرت به هنگام ایراد خطبه های جمعه بر کمان عربی تکیه می کردند.^۳ ولی نصر بن مزاحم (۹۶ هجری) چنین نقل کرده که حضرت به هنگام ایراد خطبه ها شمشیر خویش را حمایل کرده و بر کمان تکیه زده بودند.^۴

نتیجه اینکه حضرت به هنگام ایراد خطبه ها بریک سلاحی تکیه می کردند؛ خواه آن سلاح شمشیر باشد یا کمان!.

۳-۱-۶-خواندن سوره ئی آیه در پایان خطبه

با مطالعه خطبه های حضرت علی (ع) متوجه می شویم که حضرت در بعضی موارد در پایان خطبه اول سوره های متفاوت و در پایان خطبه دوم آیات مختلفی را تلاوت کرده اند.

^۱. صدقوق، من لا يحضره الفقيه، باب صلاة الجمعة؛ طوسي، تهذيب الاحكام، ج ۱، ص 427؛ مجلسى، بحا الانوار، ج 89 ، ص 191.

^۲. طوسي، همان؛ مجلسى، ج 89 ، ص 255 ؛ حر عاملى، وسائل الشيعة ، ج 7، باب صلاة الجمعة.

^۳. مفید، الجمل، ص 80.

^۴. نصر بن مزاحم، پیکار صفين، ترجممه اتابکى، ص 130.

در کتاب مصباح المتهجد پس از پایان خطبه اول چنین نقل شده که، حضرت یا سوره توحید یا سوره الكافرون یا سوره العصر را تلاوت کردند.^۱

ولی باز به روایتی بر می خوریم که علاوه بر اینکه نظر اول را تأیید می کند، بلکه نشانگر این است که حضرت به طور دائم در پایان بخش اول خطبه، سوره توحید را می خواندند.

محمد بن علی بن الحسین، قال: خطب أمير المؤمنين عليه السلام في يوم الجمعة، إلى أن قال:

ثم يبدأ بعد الحمد بقل هو الله أحد، أو بقل يا أيها الكافرون، أو إذا زلزلت الأرض، أو بألهاكم التكاثر، أو بالعصر، وكان مما يداوم عليه بقل هو الله أحد.^۲

این روایت را شیخ طوسی (ره) به روایت آیه مخفف نقل کرده است و آنچه که قابل تأمل

می بلشد، بند آخر این روایت می باشد، که حضرت پس از پایان خطبه نخست همیشه سوره توحید را می خواندند.^۳ با کنار هم قرار دادن روایات می توان چنین استنباط کرد که، قدر متيقن حضرت پس از پایان خطبه اول یک سوره کامل را تلاوت میکردد.

اما در اینکه حضرت در پایان خطبه دوم سوره یا آیه‌ای را تلاوت می کردند، هیچ مستندی یافت نگردید، ولی با تبع در خطبه‌های حضرت چنین بدست می آید که در این قسمت از خطبه‌ها سوره کاملی تلاوت نشده است و حضرت فقط به تلاوت آیه ۹۰ و ۲۰۱ از سوره مبارکه نحل و بقره بسنده کرده‌اند.

۲-۱-۳- مهمترین مولفه‌های خطبه‌ها

۲-۱-۳- معرفی افکار و اندیشه‌های منافقان

بر حذر داشتن مردم از منافقان و معرفی خصوصیات ، افکار و اندیشه‌های آنان مولفه دیگری است که امام علی (ع) در خطبه جمعه مبسوطاً به آن پرداخته است. چنانکه قبلًا اشاره کردایم حضرت پس از آنکه زمام امور را در شهر مدی نه به دست گرفتند، در خطبه اولین نماز جمعه خویش اقدام به معرفی چهره نفاق و گونه‌های آن و همچنین ابعاد فعالیت منافقان برآمده اند. افشاء چهره نفاق از جایگاه نماز جمعه، آنهم در اولین خطبه نماز جمعه طوری که وصف منافقان محوریت

^۱. طوسی، مصباح المتهجد، ص603.

^۲. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱ ، ص432؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج5، ص39.

^۳. طوسی، همان.

خطبه باشد، بیشتر قابل تأمل می باشد. در این خطبه امام (ع) خطر نفاق را آنچنان جدی گرفته اند، که پس از سفارش مردم به ترس از خدا، مستقیماً به سراغ منافقان رفته و مردم را به ترس از آنها واداشتند.

۵ «ای بندگان خدا! شما را به ترس از خدا سفارش می کنم و شما را از منافقان می ترسانم، زیرا آنها گمرا و گمرا کننده اند، خطا کار و به خطا کاری تشویق کننده اند و به رنگهای گوناگون ظاهر می شوند». ^۱

در اندیشه امام علی (ع) منافقان نه تنها در مباحث عقیدتی گمرا کننده هستند بلکه در فعالیت های اجتماعی نیز به نوعی مانع می شوند و خیرخواه مردم نیستند.

«... بر رفاه و آسایش مردم حسد می ورزند و بر بلا و گرفتاری مردم می افزایند در آغاز فعالیتهای اجتماعی ، راه را آسان و سپس در تنگناها به بن بست می کشند!» (همان).

آنچه که ذکر کردایم ترجمه اندکی از فقرات خطبه حضرت بود که در وصف منافقان بیان گردیده است.

۳-۲-۲-۲- معرفی پیامبر و اهل بیت(ع) و ترغیب مردم به سیره آن بزرگوارن

حضرت پس از شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر اکرم (ص) سعی در شناسایی هر چه بیشتر پیامبر اکرم و اهل بیت آن بزرگوار بر آمده اند. سید رضی (ره) در خطبه صد نهج البلاغه که یکی از خطبه های جمعه امام علی (ع) می باشد چنین آورده است:

« و گواهی می دهم که محمد (ص) بنده و فرستاده اوست. او را فرستاد تا فرمان وی را آشکار و نام خدا را بر زبان راند. پس با امانت ، رسالت خویش را به انجام رساند و

با راستی و دوستی به راه خود رفت و پرچم حق را در میان به یادگار گذاشت، هر کس از آن پیشی گیرد از دین خارج و آن کسی که از آن عقب ماند هلاک گردد و هر کس همراهش باشد رستگار شود».

ابن ابیالحديد در توضیح این خطبه چنین می نویسد: امام علی (ع) این خطبه را در جمعه سوم پس از خلافت خود بیان داشت و مطالب را بطور کنایه درباره خود ذکر کرده است و بطور پیشگوئی بیان داشته که به زودی از وی کناره گیری می کنند، او را رها کرده می روند و بار دیگر برگشته اطرافش را می گیرند . چرا که هنگامی که امام (ع) به خلافت رسید یکصد هزار سرباز جنگجو تحت پرچمش بود . بعد از جنگ جمل، صفين و نهروان که در خلال آن شکایتها از مردم

^۱. رضی، نهج البلاغة، خطبه 194

می‌کند که آن حضرت را تنها گذاشته‌اند هنگام مرگ، بیش از هر زمان سرباز و علاقمند داشت، زیرا حضرت را به خوبی درک کردند و اطراف آن حضرت را خوب گرفتند.^۱

همچنین بسیاری از شارحین نهج البلاغه آخر خطبه را که حضرت فرموده است پس از اینکه بدون رهبر خواهید ماند خدا رهبری را آشکار می‌سازد که پراکندگی تان را بطرف سازد!، اشاره می‌بینند به حکومت مهدی (ع) که ظهور خواهد کرد و مسلمانان متلاشی را جمع‌آوری خواهد کرد و تحت یک پرچم آنان را گردآوری خواهد نمود.^۲

حضرت علاوه بر اینکه هدف پیامبر(ص) را بهترین و نجات‌بخش ترین هدفها می‌داند، تداوم این راه را با معرفی اهل بیت به مردم اعلان می‌کند:

«آگاه باشید! مثل آل محمد چونان ستارگان آسمان است، اگر ستاره‌ای غروب کند، ستاره دیگری طلوع خواهد کرد، گویا می‌بینیم در پرتو خاندان پیامبر نعمت‌های خدا بر شما تمام شده و شما به آنچه آرزو دارید رسیده‌اید».^۳

همچنین در خطبه‌های دیگر جمیعه چنین می‌خوانیم که حضرت به طور آشکار مردم را دعوت به سنت پیامبر می‌کنند:

«واقتدوا بهدی نبیکم (ص) فانه افضل الهدی واستنسوا بسرف، فانها افضل السنن»

«به دین پیامبرتان اقتدا کنید چرا که آن بهترین راه می‌باشد و عمل کنید به سنت پیامبرtan چرا که آن بهترین سنت می‌باشد».^۴

همچنین کلینی(ره) از امام صادق (ع) نقل کرده‌اند که حضرت در یکی از خطبه‌های

جمعیه چنین فرمودند:

«بعد از آنکه ارسال پیامبران منقطع شد و مردم از علم دور شدند و در بین ملت‌ها اختلاف به وجود آمد و از حق دور و به خدواند جاهم و روز بعث و وعید را منکر شدند، خداوند پیامبر را با کتابی به سوی شما فرستاد تا تعقل کنید، حلال و حرام را رعایت کنید... خدایا کسانی را که به پیامبرت اقتدا کردند و بر سنت آن عمل نمودند و حرام و

حلال را رعایت نمودند رحمت نما».^۱

^۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 190.

^۲. دشتی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه 100.

^۳. رضی، نهج البلاغه، خطبه 100.

^۴. خطبه 13، بند 3.

۳-۲-۱-۳- تاکید بر فرائض دینی

عمل به احکام و فرائض دینی و فلسفه تشریع احکام الهی یکی دیگر از مولفه هایی می باشد که حضرت در همه خطبه های جمعه به آنها پرداخته و مردم را به عمل کردن به آنها تشویق نموده است. بیان حضرت در این رابطه گاهی تنذیر و گاهی تبشير می باشد؛ بدین معنا که در بعضی موارد حضرت مردم را از عذاب الهی ترسانیده و عاقبت کسانی را که دچار نافرمانی شده اند را بیان کرده و در مواردی هم با دعا و طلب مغفرت برای کسانی که فرایض الهی را بجای می آورند، سعی در تشویق مردم به انجام تکالیف الهی برآمده اند.

۳-۲-۱-۴- یادآوری روز غدیر

چنانکه قبل از تذکر شدیم همزمانی روز غدیر با روز جمعه باعث گردیده تا حضرت امام علی (ع) در این روز خطبه نسبتاً طولانی را ایراد بفرمایند. در این روز مبارک حضرت علاوه بر اینکه سفارش و توصیه هایی که از ناحیه خطیب جمعه برای نماز گزاران می شود؛ توصیه هایی هم در رابطه ما جایگاه روز غدیر در اسلام را هم برای نماز گزاران یادآوری کرده اند، طوری که این توصیه ها دیگر موضوعات این خطبه را تحت الشعاع قرار داده است.

حضرت این خطبه را با بیان فضایل اهل بیت (ع) شروع می کند و یادآوری می کند که اینها برگزیده گان مخلوقات خداوند هستند و اطاعت شان واجب سپس در ادامه چنین می فرمایند که، تبعیت از این خاندان نفی سلطه استکبار می باشد؛ چرا که استکبار همان دوری از اهل بیت (ع) و تعطیلی احکام الهی می باشد.

از جمله فقرات قابل تأمل این خطبه ذکر اسامی پیامبرانی چون شیث، ادریس و شمعون و انتساب این روز به این اوصیای الهی می باشد، چرا که حضرت با نام بردن از این پیامبران در صدد بیان این نکته هستند که، غدیر یک اتفاق در یک روز نمی باشد، بلکه روز غدیر همان امتداد خط سیر انبیاء الهی در انتخاب خانشین و عمل به سیره و روش این بزرگواران می باشد.^۲

۳-۱-۲-۵- نکوهش دنیا

پرهیز از دنیا پرستی و دنیا دوستی یکی دیگر از مولفه هایی است که، علاوه بر اینکه به طور مداوم در لای خطبه های جمعه آن حضرت به چشم می خورد، در

^۱. کلینی، کافی، ج 8، ص 148.

^۲. رجوع شود به فقرات خطبه نهم.

خطبه های هفتم و دوازدهم هم با محوریت این آفت بزرگ مطرح گردیده شده است.

به طور حتم دنیا دوستی یکی از آفتهای دینداری در عصر امام علی (ع) بوده است

طوری که آن حضرت هم در خطبه های جمعه شهر مدینه و هم در خطبه های شهر

کوفه مسلمانان را از آن بر حذر داشته است .

دقت در کلماتی چون «ألا، أُحذركم ، وأحذرو» بیانگر این واقعیت است که، یکی

از آسیبها جدی عصر امام(ع) روی آوردن مردم به دنیا و تعلقات دنیابی بوده است

و در این راستا حضرت تلاش وافری برای متنبه ساختن عامه مردم کرده اند.

تلاش حضرت در این زمینه فقط به صرف إنذار ختم نشده، بلکه آن بزرگوار با استفاده

از تشبیه و مقایسه هم سعی در آگاهی دادن به مردم و بیان خطرات این پدیده شوم

نیز برآمده اند.

« همانا دنیا برایتان رو گذاشته است و آخرت را فراموش کرده اید، غایت دنیا پرستی

آتش جهنم و غایت آخرت دوستی و دنیا گریزی بهشت الهمی می باشد»؛

« ... روزهای دنیا کوتاه هستند، تلاش کنید از این روزیهای کوتاه برای روزهای

طولانی آخرت توشه بردارید»؛

« برای دنیا و آخرت فرزندانی است، تا می توانید از فرزندان آخرت باشید نه از

فرزندان دنیا آگاه باشید که امروز روز عمل است نه حساب ولی فردا روز حساب است

نه عمل».¹

و نهایت اینکه حضرت مردم را به عبرت آموزی از تاریخ فرا می خواند و تأکید می کند

که در مواجهه با دنیا از آثار گذشتگان پند بیاموزید!

¹ . رجوع شود به خطبه هفتم و دوازدهم.

« و اگر خردمندید آیا در زندگانی پدرانتان آگاهی و عبرت آموزی نیست؟ مگر نمی بینید

که گذشتگان شما باز نمی گردند؟ و فرزندان شما باقی نمی مانند؟». ^۱

۳-۱-۶- یاد آوری روز قیامت

یکی دیگر از موضوعات مهمی که در خطبه های جمعه امام علی (ع) با آن مواجه می شویم، با خبر شدن از احوالات بندگان خدا در روز قیامت می باشد، چرا که حضرت علاوه بر اینکه به طور متناوب در خطبه های جمعه به این موضوع اشاره کرده اند، بلکه به طور مبسوطی هم در خطبه دوازدهم راجع به این موضوع پرداخته اند.

حضرت در بند دوم خطبه دوازدهم با عبارت «واعلموا» در صدد متنبه ساختن و آگاه کردن مردم از زمانی هستند که، بر اثر مشغول

شدن به امورات دنیابی، از آن غافل هستند. نکته مهمی که باید در کلام امام (ع) به آن توجه نمود، ارتباط بین آلوده شدن به دنیا و غفلت از روز واپسی ن می باشد؛ بدین معنا که بندگان خدا به هر اندازه که به امورات دنیا دل خوش کنند، به همان اندازه از یاد مرگ و روز قیامت غافل می مانند.

در ادامه خطبه حضرت با بیان اینکه مردم پس از آنکه از این دنیا کوچ نموده دنیای دیگری را خواهند دید، و پس از واقف شدن بر اعمال خویش آرزوی بازگشت به این دنیا را خواهند نمود ! اما آرزویی که به هیچ وجه دست یافتنی نیست، چرا که جسد هایشان زیر خاکها مدفون گشته است.

...۷

۳-۱-۳- مرور ادبیات خطبه ها

در خطبه های جمعه امام (ع) علاوه بر اینکه شاهد تنوع موضوع هستیم، بلکه شاهد تنوع لحن کلام حضرت نیز هستیم. تنوع لحن امام (ع) نه حکایت از تزلزل کلام حضرت و نه نشان از عدم فصاحت و بلاغت کلام وی و نه نشان از عدم درک آن بزرگوار از زمان خویش دارد؛ بلکه این تنوع و عدم یکنواختی نشان از زمانشناسی و مخاطب شناسی آن حضرت دارد که به طور استادانه و عالمنه در خطبه ها رعایت گردیده است. به طور خلاصه ادبیات خطبه ها را می توان چنین تقسیم بندی کرد:

۳-۱-۳- انتقادی

^۱. رجوع شود به خطبه هفتم و دوازدهم.

انتقاد از وضعیت آشفته و اسف بارموجود جامعه و گزارش از عملکرد گذشته و حال گروهی بنام منافقین، حکایت از لحن شکوه آمیز حضرت دارد. شکایت از کارشکنیها، بدگوییها و تبلیغات مسموم گروه منافقان و همچنین بر ملا ساختن افکار پلید سیاسی - اجتماعی و عبادی آنها و نهایتاً بر حذر ساختن مردم و جامعه از این گروه، نه تنها انتقاد از عملکرد منافقان، بلکه نشانگر وضعیت نابسامان فرهنگ جامعه نیز می باشد.

مهجوریت اهل بیت پیامبر (ص) دیگر مقوله ای است که اما م علی(ع) در جمعه سوم دوران زمامداریش از آن انتقاد می کند، انتقادی که همراه با روشنگری و تبیین جایگاه اهل بیت (ع) می باشد. تلاش حضرت در این فرازها فهماندن این مطلب است که، عمدۀ مشکلات جامعه اسلامی دوری مردم از قرآن و اهل بیت پیامبر (ص) می باشد. در ادامه این فقرات حضرت اهل بیت پیامبر (ص) را هادیان جامعه ونجات دهنده گان امت معرفی می کند و لزوم تبعیت از آنها را خواستار شده اند.

همچنین آلوه شدن مردم به امورات دنیایی همچون مقام پرستی، شهوترانی، گرایش به امورات پست و رذل و عدم التزام به گزاره های اخلاقی، باعث شده تا آن حضرت انتقاد دیگری از جامعه خویش داشته باشند.

نکته پایانی اینکه اوج انتقادها و ناراضایتیها از زمانه خویش زمانی است که حضرت وضعیت فرهنگی زمان رسول الله (ص) را آرزو می کنند و زندگی سراسر معنوی اصحاب آن بزرگوار را بازگو می کنند.^۱ همچنین کارشکنیهای سپاه امام (ع) در اواخر جنگ صفين و اطاعت نکردنشان از حضرت باعث گردیده تا آن بزرگوار انتقاد شدیدی از عملکرد سپاه خود داشته باشند، تا آنجایی که حضرت خواستار فاصله افتادن بین خود و آنها شده است.^۲

۳-۱-۲- سیاسی

از جمله مسایل مهمی که حضرت در لابلای خطبه های جمعه به آنها پرداخته اند، مسایل سیاسی با بیان سیاسی می باشد. در این مقوله ادبیات امام (ع) فراتر از انتقاد رفته و با ادبیات کاملاً جدی علاوه بر اینکه از بی مهریهای جامعه نسبت به خود را مطرح نموده اند بلکه در صدد بیان درایت ولیاقت خویش در اداره جامعه نیز برآمده اند.

با مطالعه عمیق خطبه هفته سوم می توان چنین نتیجه گرفت که، منظور حضرت از تشبیه خود به پیامبر (ص) در امورات سیاسی با عبارتهایی چون «**مَكَيْثُ الْكَلَامِ، بَطِئُ الْقِيَامِ، سَرِيعٌ إِذَا قَامَ، لَا تَأْسُوا مِنْ مُدِبِّرٍ**» بیان قابلیتهای خویش در امر اداره کشور می باشد.

علاوه بر فقرات خطبه دوم، فقرات خطبه غدیر هم حکایت از آن دارد که، حضرت بهترین و شایسته ترن فرد را برای اداره جامعه اسلامی بعد از رسول خدا (ص) را خود می داند؛ چرا که با بیان اینکه بعد از رسول خدا من صراط مستقیم و راه

^۱. رجوع شود به فقرات خطبه اول.

^۲. رجوع شود به فقرات خطبه پانزدهم.

اعتدال و... هستم؛ در صدد بیان شایستگی‌های خویش برای تصدی رهبریت جامعه اسلامی می‌باشد، بلکه به نوعی در صدد نفی قابلیتهای دیگران نیز هستند.

۳-۱-۳- تبلیغی

بیان فرایض الهی، تشریع احکام الهی، تاکید بر اتیان واجبات و ترک محرمات، بیان فضایل اخلاقی و ویژگی‌های جامعه اخلاقی آن هم با لحنی دلسوزانه و مشفقانه، حکایت از این دارد که حضرت به عنوان مبلغی درستکار و خیر خواه در صدد تبلیغ آموزه‌های دین مبین اسلام و سیره پیامبر(ص) برآمده است.

۳-۱-۴- حماسی

با توجه به اینکه امام علی (ع) در بدترین شرایط ممکن امت اسلامی زمام امور را به دست گرفتند، لذا در این دوران مواجه با سخت ترین شرایط سیاسی و فرهنگی امت اسلامی روبرو گردیدند. بدون شک سرکشی معاویه و عدم تبعیت او از امام(ع) یکی از معضلات و چالشهای جدی حضرت به شمار می‌آمده است؛ چرا که حضرت در مقایسه با دیگر مبارزاتشان، بیشترین وقت خویش را صرف مبارزه با کج رویهای معاویه نمودند و از این رهگذر هم متوجه این مطلب می‌شویم که حضرت چندین بار در خطبه‌های جمعه سعی در آماده سازی جامعه برای مقابله با توطئه‌های معاویه برآمده است. عباراتی همچون «با جان و اموال خود در راه خدا جهاد کنید و دعا برای لشکریان و آرزوی پیروزی آنها و نفرین در حق گمراهان و منحرفین از ناحیه امام(ع)»، موید این مطلب است که لحن حضرت در این فقرات متفاوت تر از دیگر فقرات می‌باشد.^۱

۳-۲-۴- عوامل تأثیرگذار بر ادبیات خطبه‌ها

در رابطه با عوامل تأثیرگذار بر تنوع موضوعی خطبه‌ها، نباید از توجه امام (ع) به جامعه شناختی و روانشناسی جامعه اسلامی و همچنین توجه به نیازهای فکری و عقیدتی توده‌های مردم غافل ماند؛ بدین معنا که حضرت در شرایطی زمام امور را به دست گرفتند که دیگر خبری از جامعه ایده آل زمان رسول الله(ص) نبود، وضعیت فرهنگی جامعه به طور کلی دگرگون شده و ارزشها تبدیل به ضد ارزشها شده و دیگر خبری از مساوات عرب و عجم، مهاجر و انصار هم نبود و امام(ع) در همچون موقعیتی بایستی تمام توان خویش را بکار می‌گرفتند و از طریق روشنگری و دادن آگاهی به مردم در صدد بازگرداندن جامعه به وضعیت مطلوب برمی‌آمده است.

بنابراین تنوع موضوعات و ادبیات خطبه‌ها را بایستی با نگاه به وضعیت پیش آمده بر جامعه ایی که - علی(ع) می‌خواهد امام آن باشد - تحلیل کرد، چرا که چنین جامعه ایی نه تنها برای شخصیتی چون علی (ع) که خود ادعای اصلاح

^۱. رجوع شود به فقره چهار از خطبه ششم.

جامعه را در سر داشته اند خوشایند نبود، بلکه برای کسانی که به نیت اصلاح و بهبود این وضعیت با علی (ع) بیت کرد
بودند نیز اصلاً خوشایند نبود، چرا که:

« اغلب بیت کنندگان با امیرالمؤمنین (ع) خواستار بهبود وضعیت پیش آمده بودند و تنها آن حضرت را متناسب برای رهبری جامعه می دانستند». ^۱

و لذا از این منظر می توان عوامل زیر را در تنوع و گستردگی موضوعات و ادبیات خطبه های جمعه امیر بیا ن(ع) دخیل دانست :

۳-۱-۴-۱- انحراف مردم از دین خدا

چنانکه قبل از خلافت جامعه اسلامی با انبوی از مشکلات فرهنگی و اجتماعی رو برو شده بود. مشکلاتی که حضرت هیچ نقشی در به وجود آمدن آنها نقشی نداشتند، بلکه معلول یکسری از اجتهادات شخصی و سلیقه ای عمل نمودن زمامداران قبلی بوده است. بد عمل کردن خلفاء قبلی خصوصاً از دوره دوم خلافت عمریه بعد باعث گردید تا اینکه فریاد مردم برآمده و بر عثمان شوریده و وی را به قتل بپسانند.^۲

البته ذکر نکته ای هم ضروری به نظر می رسد و آنهم اینکه شورش بر عثمان و قتل او ترجمان مشکلات و مسایل دیگری چون انحراف خلیفه از دین خدا و متعاقب آن مردم نیز می باشد؛ طوری که مورخین و اندیشمندان اسلامی شورش بر عثمان و قتل وی را چنین تحلیل نموده اند:

«به معنای دیگر شورش بر عثمان و محاصره منزل آن و نهایتاً قتل او نشانگر این واقعیت تاریخی می باشد که وی منحرف شده است!... انحرافی که شأن وی را پست تر از یک مسلمان عادی رقم زد؛ چرا که جنازه وی تا سه روز در منزل خود ماند، بدون آنکه مسلمانان اقدام به تدفین وی نمایند». ^۳

وضعیت جامعه اسلامی در اوایل دوران زمامداری امام(ع) به تعبیر خود حضرت، آنچنان آشفته و اسف بار بوده که، گویی مردم به دوره جاهلیت باز گشته و پیامبری باید برگزیده شود تا این امت را به دین اسلام دعوت نماید.^۴

تاكيد امام(ع) در خطبه های نماز جمعه بر مسایل اعتقادی و آموه های دینی و اخلاقی چون پرستش خدا و پیامبر، دعوت به کارهای خوب، پرهیز از دروغ گفتن و ... گویای این حقیقت است که باید از نقطه صفر شروع کرد ، باید به مبارزه با

^۱. مسجد جامعی، زمینه های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن، ص 91.

^۲. ابن ابی الحید، شرح نهج البلاغة، ج 2، ص 11.

^۳. ابن قتبیه الدینوری، الامامة و السياسة، ج 1، ص 32؛ سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص 158-157؛ مسعودی، مروج الذهب و معادن الجوادر، ج 2، ص 345.

^۴. محمودی، نهج السعادة، ج 1، ص 189.

جاهلیت برخاست و ابتدایی ترین مسایل اعتقادی و اخلاقی را برای مردم بیان نمود؛ «چرا که جامعه جامعه ایی بود از هم گسیخته. گویی همه و یا لاقل متنفذین، خود را گم کرده بودند و اسیر یکسری تمیّات نفسانی گردیده بودند، تمیّاتی که حکایت از بازگشت به دوران جاهلیت را به همراه داشت».^۱

در اینجا بد نیست به جهت مقایسه دوران نبوت حضرت رسول اکرم (ص) و امامت امام علی (ع) به جهت اینکه هر دو بزرگوار مبارزاتی علیه جاهلیت کرده اند را از زبان ابن ابی الحدید بشنویم، چرا که وی چنین می نویسد:

«تعجب آور است که اولین جنگ پیامبر بدر بود و حضرت پیروز شد و اولین جنگ علی (ع) جمل بود که پیروز شد . پیامبر در حدیثه صلح کردند علی در صفين، معاویه در آخر عمرش، خود را خلیفه معرفی کرد و مسیلمه در زمان رسول خدا خود را پیامبر معرفی کرد، بعد از وفات پیامبر مسیلمه نابود شد و اثری از آن باقی نماند و بعد از شهادت علی دودمان معاویه نابود شد».^۲

مقایسه این شارح معتزلی نشانگر این است که جاهلیت دوران پیامبر می باشد، آنچنانی که پیامبر اسلام (ص) از امر و نهی های ساده شروع کرد، علی (ع) هم باید از مسایل ابتدائی شروع کند؛ آنچنانی که منافقان صدر اسلام پیامبر خدا (ص) را تنها می گذاشتند، منافقان دوره امام هم وی را تنها گذاشتند؛ آنچنانی که پیامبر چهره نفاق را بر ملاعه کرد و آنها را دشمنان خدا معرفی کردند، علی (ع) نیز منافقان را به جامعه معرفی میکند و آنها را دشمنان مسلمین می شمارد.^۳

علاوه بر اینها میتوان به شیوه تفسیر و تأویل قرآن که توسط مسلمانان در زمان امام (ع) روی می داد هم اشاره کرد؛ چرا که این امر هم نشانگر روی گردانی جامعه بویژه افراد تاثیرگذار از دین خدا و تجاهلی دیگر بوده است و علت این کار هم این بوده که آنها تفسیری را می خواستند که تأمین کننده منافع دنیاگی آنها باشد نه چیز دیگر.^۴

بیان حضرت علی (ع) در خطبه های جمعه در رابطه با قرآن و معرفی این کتاب مبین به عنوان کتاب هدایت و ارایه روش صحیح تفسیر این کتاب به خاطر برای مقابله با کج فهمیها و بد فهمیها از این کتاب مقدس می باشد . به عبارت دیگر جامعه ای که علی (ع) رهبری آن را بر عهده داشتند دچار مشکل تفسیر قرآن شده بود نه تنزیل آن ! رجزهای عمار در جنگ صفين و همچنین موعظه وی مغیره بن شعبه را، علاوه بر اینکه حکایتگر انحراف جامعه از دین خدا می باشد، بلکه

^۱. مسعودی، مروج الذهب، ج 2، ص 409.

^۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج 9، ص 364.

^۳. رجوع شود به خطبه نهم این نوشتار.

^۴. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج 1، ص 398؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج 20، ص 8.

نشان از اهتمام حضرت امیر المؤمنین (ع) و اصحاب وی برای اصلاح چنین جامعه ایی از طریق موضعه و ارشاد نیز، می باشد.^۱

۳-۱-۴-۲- انحراف جامعه از سیره رسول خدا(ص)

انحراف جامعه از سیره رسول خدا(ص) عامل دیگر تنوع خطبه های جمعه امام علی(ع) می باشد. وقتی که امام علی(ع) قبل از قبول خلافت شرط عمل به سیره پیامبر (ص) را می کند؛ همچنین وقتی که در دومین روز زمامداریش عمل به سیره پیامبر(ص) را شیوه عمل خود می داند؛ بیانگر این واقعیت تاریخی می باشد که جامعه اسلامی از سنت های رسول خدا(ص) روی گردانیده و در دام قیاس و مصلحت افتاده است.

تखلف از سیره رسول خدا (ص) در زمان خلفای قبلی هم از ناحیه زمامداران و هم از ناحیه صحابه در همه شئونات اسلامی رخ داده بود، نمونه های زیر بیانگر این مهم تاریخی می باشد:

« صحابه به طور متحد و یکپارچه بسیاری از نصوص [كلمات رسول خدا (ص)] را ترک کردند و این به دلیل مصلحتی بود که در ترک آنها تشخیص می دادند، نظیر سهم ذوی القربی و سهم مولفه قلوبهم».^۲

« به باور خلیفه دوم و سوم آنان حق داشتند تا در برخی از امور، برای خود تشریع ویژه خویش را داشته باشند و سنت را کار بگذارند مانند: خواندن نماز کامل توسط عثمان در من! اما مسلمانان به مرور، افعال و اعمال خلفا را به صورت سنت شرعی غیر قابل تخطی پذیرفتند».^۳

عدم توجه جامعه به سیره رسول خدا (ص) باعث گردید تا بدعتهایی به صورت پراکنده در دین اسلام به وجود بیاید و نهایتاً مردم از اصل باز داشته بشوند . رشید رضا بر این عقیده است که، یکی از بدعتهایی را که موجب شد تا صدمات جبران ناپذیری بر پیکر جامعه اسلامی وارد آید، منع از کتابت حدیث بود و نتیجه گرفته که این کار باعث گردید تا انحرافاتی در جامعه اسلامی از جمله انحراف از سیره پیامبر(ص) به وجود بیاید.^۴ انحرافی که به دنبال خود فتنه ها و بدعتها را ارزانی جامعه اسلامی نمود.

^۱. نقل شده که جناب عماردر جنگ صفين چنین رجز می خوانند:

نحن ضربناكم على تنزيله^{*} ثم ضربناكم على تأويله «ديروز بر سر نزول قرآن و امروز بر سر تفسیر آن با شما مبارزه می کنیم!» (بلذری، انساب الاشراف، بیروت، موسسه علمی ۱۳۹۴قمری).

^۲. ابن ابی الحید، شرح نهج البلاغة، ج ۱۲، ص ۸۲.

^۳. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۳، ص ۳۴۲.

^۴. رشید رضا، المنار، ج ۶، ص 288.

«همانا کران تا کران را ابر فتنه پوشیده و راه راست ناییدا گردیده است».^۱

«مردم دو دسته اند: یک گروه تبعیت کنندگان از شریعت و یک گروه ابداع کنندگان بدعت می باشند».^۲

نتیجه اینکه، رواج بدعت و نهایتاً سرپیچی جامعه از سیره رسول خدا (ص) و اهل بیت(ع) امام علی (ع) را بر آن می دارد که علاوه بر جمیعه سوم خلافتشان، در لابالی اغلب خطبه ها، علاوه بر انتقاد شدید از وضعیت پیش آمده، سیره رسول خدا(ص) را بهترین ونجات بخش ترین سیره و راه او را بهترین راه معرفی نمایند.

۳-۱-۴-۳- دنیا زدگی مردم

رویکرد زمامداران قبل از امام علی(ع) مبنی بر توسعه کشور اسلامی بوسیله فتوحات گسترده و عدم توجهشان به اصول و ضوابط اخلاقی منشاء مشکلات فراوان رفتاری و اخلاقی جامعه اسلامی گردید؛ مشکلاتی که بعدها به عنوان چالش رفتاری مسلمین به حساب آمد.

«در سایه فتوحات بی شمار در دوران خلفاء قبل از امیرالمؤمنین(ع) کشور اسلامی کم کم تبدیل به یک امپراتوری بزرگ می شد، چرا که ثروت های فراوانی به کشور اسلامی سرازیر گشته می شد و مسلمانان از غنائم به دست آمده، بهره های فراوانی می برند».^۳

ولی متأسفانه به همان اندازه که مردم از غنایم بهره مند می شدند، به دنبال آنهم رفاه زده و دنیا زده می شدند و نهایت از ارزش‌های اسلامی و اخلاقی به دور می ماندند.

«همت مردم به دست آوردن مال و منال بود، زمانی که آن را به دست می آوردن ساكت می شدند».^۴

«اما برای شخصیتی چون امام علی (ع) که پاییند به اصول و فروع اسلامی بود، وی را وادار می کند تا اینکه در مقابل این پدیده شوم فرهنگی قد علم کند و جامعه را از عواقب این عمل متنه سازد و در خطبه های جمعه مردم را متوجه این امر بگردد که فریب دنیا را نخورید و آلوده به دنیا نشوید».^۵

^۱. رضی، نهج البلاغة، خطبه 92.

^۲. همان، خطبه 176.

^۳. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج 1، ص 390.

^۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج 12، ص 90.

^۵. طوسي، مصباح المتهجد، ص 6.6.

دنیا دوستی مسلمانان باعث گردیده بود تا جامعه از نظر اجتماعی، اخلاقی و روانی از هم گسیخته گردد و مردم خود را گم کنند و قابلیتها و صلاحیتها نزد آنان مشتبه گردد تا آنجا که مشکلات را متوجه خود حضرت بکنند . البته حضرت هم با جملات کوتاه و پر مغزشان نه تنها جواب آنها را می داد، بلکه در صدد بیان اوضاع و احوال دگرگون شده جامعه اسلامی نیز بر می آمده اند . چنانکه نقل شده روزی به هنگام خلافت آن حضرت ، فردی به گونه ای طعنه آمیز به آن حضرت گفت:

«چرا مردم این همه بر تو اختلاف کرده‌اند، در حالیکه بر دو خلیفه نحسین اتفاق داشتند؟ حضرت در جواب فرمود: چون آنها بر کسانی چون من حکومت می کردند و من بر افرادی چون تو حکومت می کنم».^۱

دقیقت در مضمون خطبه های جمعه حضرت ما را متوجه این مساله می کند که یکی از مشکلاتی که ذهن حضرت را به شدت به خود مشغول کرده بود، دنیا دوستی و دنیا زدگی مسلمانان بوده است؛ چرا که حضرت هم در خطبه های جمعه مدینه وهم در خطبه های کوفه به طور مبسوطی راجع به آفات دنیا دوستی برای مردم خطبه خواندند.

۳-۱-۴-۴- انتقال دارالخلافة از شهر مدینه به کوفه

یکی دیگر از اتفاقات مهمی که به هنگام زمامداری امام علی(ع) اتفاق افتاد، انتخاب شهر کوفه به عنوان مرکز حکومت از جانب آن حضرت می باشد؛ انتقالی که باعث گردید بعدها منشاء تحولاتی از جمله تحول در رویکرد حضرت به زمامداری و متعاقب آن تحول در ادبیات خطبه های حضرت بشود؛ چرا شماری زیادی از اصحاب رسول خدا (ص) در شهر کوفه اقامت داشته اند، که در هیچ یک از بلاد اسلامی به چشم نمی آمده است.

متعاقب این انتقال دیگر شاهد گله مندی حضرت در خطبه های جمعه از عدم توجه به اهل بیت پیامبر (ص) نیستیم، چرا که مردم کوفه دوستدار علی (ع) بودند و هیچ دشمنی با اهل بیت پیامبر (ص) نیز نکرده بودند . مطلب زیر موید این موضوع می باشد:

«تغیر و تحول مردم[مدینه] در سالهای پس از پیغمبر اکرم(ص) مهاجران را چنان از تعالیم آن حضرت دور کرده بود که به علی(ع) به عنوان قاتل کسان خود می نگریستند و هر چند که بیعت کرده بودند، مهر حضرت را به دل نداشتند . برخی از مردم مدینه نیز تحت تاثیر مخالفتهای مهاجران با امیرالمؤمنین(ع) در این مدت، به آن حضرت بی علاقه شده بودند».^۲

...۵

^۱. مسجد جامعی، زمینه های تفکر اسلامی، ص93، نه نقل از ص121كتاب الخلافة و الامامة اثر عبد الكريم خطيب.

^۲ . یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج2، ص128؛ مسعودی، مروج الذهب، ج2، ص367* البته ناگفته نماند که اهالی کوفه هم مشکلات دیگر فرهنگی خود را داشته اند که حضرت در خطبه های جمعه به آنها اشاره فرموده اند.

۳-۱-۵- استفاده از آیات قرآن

یکی دیگر از امتیازات خطبه های جمعه امام علی (ع) استفاده از آیات قرآن و بکارگیری موردي آیات الهی می باشد، کاري که در خطبه های دیگران كمتر دیده می شود.^۱ با توجه به اينكه دوران زمامداری حضرت فاصله چندانی با عصر نزول قرآن نداشته و لذا در اغلب موارد حضرت دنبال تفسير آيات قرآنی در خطبه ها نبودند؛ چرا که علاوه بر اينكه عموم مردم به نوعی در فضای قرآنی قرار داشته اند، هنوز تعدادی از صحابه ایی که هم قاری و هم حافظ قرآن بودند، در قيد حیات بوده و جزء مخاطبین حضرت بودند و با شنیدن آیه ایی منظور کلام الهی را می فهمیدند.

با توجه به مقدمه ذکر شده و با توجه به مطالعه خطبه های جمعه علی (ع) می توان چنین استنباط کرد که، حضرت به سه نحو آیات قرآن را در خطبه های خود به کار گرفته اند؛ اول : گاهی مطلبی را نه تنها از آیه یا آیاتی اقتباس کرده اند بلکه عین آن آیه را به عنوان متن خطبه نیز ذکر فرموده اند. دوم: در بعضی موارد هم در پی استنباط مطلبی به آیه ای از آیات الهی استدلال کرده اند. و سوم اينكه: در مواردی هم پس از فرمایشات خود آیه یا آیاتی را به عنوان شاهد سخن خویش تلاوت فرموده اند. نتیجه اينكه روش امام (ع) در استفاده از قرآن در خطبه های خود را می توان به سه روش اقتباسی، استدلالي و استشهادی تقسيم کرد. واينک بيان نمونه ايی از آیات و توضیح روش حضرت در استفاده کردن از آنها:

۳-۱-۵-۱- اقتباسی

از جمله مواردی که امام علی (ع) توانسته اند به کمک آیات الهی پیام خویش را به گوش مسلمانان برسانند، اقتباس از آیه یا آیات قرآن کريم می باشد. اقتباس حضرت از آیات به دو نحو صورت پذيرفته است؛ چرا که حضرت گاهی بدون اشاره به اينكه اين سخن، سخن خدا می باشد، عین آیه را در سخنان خود گنجانیده اند و گاهی هم مضامون کلام الهی را در حد يك آیه بيان فرموده اند. اما موارد قسم اول:

۱- وقتی که حضرت در صدد متنبه ساختن مردم از خطرات شیطان و اينكه آن دشمن بزرگی برای شما می باشد، عین آیه ایی که کلام خویش را تایید می فرماید را، تلاوت می نمایند.^۲ آگاه باشید که شیطان شما را به فقر و کارهای منکر سوق می دهد».^۳

^۱. جهت مطالعه خطبه های دیگران رجوع شود به بخش شانزدهم کتاب حیاة الصحابة، اثر محمد یوسف، کائد هلوی، عمان، بیت الافکار، 1420.

^۲. خطبه اول، فقره 18.

^۳. البقره، 268.

۲- موقعی که حضرت در ابتدای خطبه شروع به تحمید خداوند و همچنین طلب هدایت به پیشگاه وی را می کنند و از ضلالت و گمراهی به خداوند پناه می برند، از آیات الهی اقتباس می کنند و عین آیه را- مبنی بر اینکه هدایت و ضلالت در دست خداوند می باشد- تلاوت می فرمایند.^۱

« هر کس را خدا راهنمایی کند او به حقیقت هدایت یافته و هر که را گمراه گرداند، هیچ یاوری برای آن یافت نمی شود ».^۲

« هر که را خدا گمراه ساخت، هیچکس رهنمای او نباشد ».^۳

۳- امام(ع) موقعی که به رسالت رسول خدا (ص) شهادت می دهند و چنین می فرمایند که وی عبد و رسول خداوند می باشد،^۴ در ادامه با اقتباس از آیه قرآنی، به علت بعثت پیامبر (ص) اشاره می فرمایند و عین آیه را چنین تلاوت می فرمایند:

« اوست خدایی که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد، تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد، هر چند که مشرکان مخالف باشند ».^۵

...

۳-۱-۲- استشهادی

یکی از موضوعات مهمی که امام علی (ع) در یکی از خطبه های جمعه به آن پرداخته است، بیان افکار و اندیشه های خطرناک منافقان و اینکه این گروه جزء افراد شیطان بوده، و همیشه از زیانکارانند .^۶ حضرت در ادامه فرمایشات خود جهت تایید کلام خویش به کلام الهی استشهاد می کنند، آنجایی که خداوند چنین فرموده اند : «آنها از حزب شیطان هستند و این حزب همیشه از زیانکاران می باشد ».^۷

^۱. بخش دوم خطبه سوم، فقره ۱؛ خطبه چهارم، فقره ۱.

^۲. الکهف، ۱۷.

^۳. الأعراف، ۱۸۶.

^۴. خطبه چهارم، فقره ۳.

^۵. التوبه، ۳۲؛ الصّف، ۸.

^۶. خطبه اول، فقره ۳.

^۷. المجادله، ۱۹.

خبر دادن از احوالات بندگان و نحوه حسابرسی به اعمال بندگان و اینکه بعد از انتقال به جهان دیگر، خداوند به اعمال دنیایی بندگان رسیدگی می کند، موضوعی است که به طور مرتب در خطبه های حضرت به چشم می خورد. یکی از آن مواردی که حضرت در صدد اعلام آن با استشهاد به آیات الهی برآمده اند، حسابرسی به اعمال دنیایی بندگان به توسط فرشته های الهی می باشد.^۱ حضرت در این راستا چنین فرموده است: «روزی که به اعمال دنیایی بندگان توسط فرشته های الهی رسیدگی خواهد شد».^۲

تشویق مردم به انجام اعمال صالح آنهم در سایه ایمان به خدا دیگر موردی است که حضرت در فقره بیستم خطبه اول با شاهد آوردن آیه ایی مردم را به ایمان آوردن به خدا و انجام اعمال صالح ترغیب نموده اند . حضرت با بیان اینکه، فقط ایمان به خدا و انجام اعمال شایسته، به یاد معاد بودن، توبه نمودن و آرزوهای دراز نکردن، می توانند موجبات قرب الهی را فراهم نمایند؛ استشهاد می کند به اینکه، «گروهی از مردم در روز رستاخیز ایمان می آورند در حالیکه ایمانشان هیچ نفعی به آنها نمی رساند».^۳

همچنین حضرت در رابطه با اینکه تنها خداوند مตکفل رزق و روزی بندگان خود می باشد و باید در این مورد تنها به او متکی شد و از فقر و نداری نباید هراسی داشت، به کلام الهی چنین استشهاد نمودند «فقط شیطان است که شما را به سوی فقرو نداری و کارهای ناپسند سوق می دهد».^۴ بیان حضرت با جملات بعدی این فقره تکمیل می گردد، چرا که وی در ادامه چنین فرموده اند: «وتنها خداوند برای روزیهای دنیایی شما کفايت می کند».^۵

یکی دیگو از مواردی که حضرت با استشهاد به کلام الهی در صدد تشویق مردم به انجام آن برآمده اند، تشویق مردم به دعا و نیایش به درگاه الهی می باشد. امام(ع) با بیان اینکه خداوند فرموده: «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را و کسانی که از عبادت من سر باز زنند، به زودی داخل آتش جهنم خواهند شد»^۶؛ با شاهد آوردن این شریفه، مردم را به عبادت و و نیایش خداوند تشویق نموده اند.

...

۳-۱-۵-۳- استدلالی

^۱. خطبه اول، فقره 10.

^۲. ق، 21.

^۳. الأنعام، 158.

^۴. البقره، 268.

^۵. خطبه اول، فقره 18.

^۶. غافر، 60.

از جمله موضوعات مهمی که امام علی (ع) به طور پراکنده از اهمیت آن برای مردم سخنرانی نمودند و مردم را به شناخت و تبعیت از آن فراخوانده اند؛ مساله امامت و لزوم تبعیت از امام می باشد . حضرت پیروان امام را افراد متقدی و پرهیز کار معرفی می کند و می فرماید که اطاعت از امام دستگیره محکمی برای پیروان امام به حساب می آید^۱ و با استناد به کلام خداوند، چنین استدلال می نمایند که این افراد هم با کسب تقوا جزء کسانی می باشند که خداوند آنان را دوست می دارد و همیشه با آنان می باشد . سپس امام(ع) این آیه شریفه را تلاوت می فرمایند : « خداوند با تقوا پیشه کننده گان و محسینین می باشد ».^۲

حضرت در ادامه مذمت دنیا خطاب به مردم چنین فرموده اند : و اینکه دنیا برای کسی باقی نمی ماند، عزت چند روزه دنیا شما را مغور نگرداند، همچنین اینکه آثار و احوالات به جای مانده از گذشتگان مایه عبرت زنده گان می باشد، چرا که همه در پیشگاه خداوند کریم فانی هستیم و روزی باید به پیشگاه او برگردیم، آنچنانی که برگشت به این دنیا امکان پذیر نمی باشد.^۳ سپس امام(ع) جهت اثبات فرمایش خویش به کلام وحی - مبنی بر اینکه هیچ راه برگشتی وجود ندارد و این کار جزء کارهای حتمی پروردگار می باشد - استناد نموده اند و چنین فرموده اند : « بازگشت به دنیا برای آبادی که ما آن را هلاک نمودایم حرام [غیر ممکن] می باشد ».^۴

و همچنین اینکه « هر نفسی شربت مرگ را خواهد چشید و محققًا روز قیامت همه شما به مزد اعمال خود کاملاً خواهید رسید ».^۵

^۱. خطبه اول، فقره 7.

^۲. النحل، 128.

^۳. خطبه سوم، فقره 6.

^۴. الأنبياء، 95.

^۵. آل عمران، 185.